

الإسلام - نبذة موجزة عن الإسلام
(مشتملة على الأدلة) (للجمعية)
اسلام

اسلام

چکیده‌ی مختصری دربارهٔ اسلام، چنانکه در قرآن کریم و سنت نبوی آمده است.

کتابی مهم در بردارنده‌ی تعریف مختصری از اسلام است که به بیان مهمترین اصول و آموزه‌ها و محاسن اسلام از منابع اصلی آن یعنی قرآن کریم و سنت نبوی می‌پردازد. مخاطب این کتاب، همهٔ مکلفان مسلمان و غیر مسلمان با هر زبانی و در هر زمان و مکانی با تفاوت شرایط و اوضاع‌شان هستند. (این نسخه در بردارنده‌ی دلایلی از قرآن کریم و سنت نبوی است).

1- اسلام، پیام پروردگار خطاب به همهٔ مردم است؛ رسالت و پیام جاودان الهی و خاتم تمام رسالت‌های ربانی است.

اسلام رسالت و پیام الله متعال به همهٔ مردم است. الله متعال می‌فرماید:

{ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ }

{ (ای پیامبر) ما تو را جز بشارت دهنده و بیم دهنده‌ای برای همهٔ مردم نفرستادیم، اما بیشتر مردم (این حقیقت را) نمی‌دانند. [سبأ: 28]. و الله متعال می‌فرماید:

{ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا }

{ (ای پیامبر) بگو: ای مردم، من فرستاده‌ی الله به سوی همه‌ی شما هستم. [الأعراف: 158]. و الله متعال می‌فرماید:

{ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ ۖ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا }

{ (ای مردم، پیامبر از جانب پروردگارتان (هدایت و دین) حق را برایتان آورده است؛ پس ایمان بیاورید که به خیر [و صلاح] شماست؛ و اگر (سخنش را نپذیرید و) کفر بورزید، (بدانید که) آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن الله است (و کفر شما به او زیانی نمی‌رساند) و الله همواره دانای حکیم است. [النساء: 170].

اسلام، پیام جاودان الهی و پایان‌دهنده‌ی رسالت‌های ربانی است. الله متعال می‌فرماید:

{ مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ ۚ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا }

{محمد پدر هیچیک از مردان شما نبوده است، (نه پدر زید و نه هیچ کس دیگری) بلکه فرستاده‌ی الله به سوی مردم و خاتم پیامبران است و الله به هر چیزی آگاه است. [الأحزاب: 40].

2- دین اسلام مخصوص یک نژاد یا قوم و گروهی نیست، بلکه دین الله برای همه مردم است.

دین اسلام مخصوص یک نژاد یا قوم و گروه نیست، بلکه دین الله برای همه مردم است و نخستین امری که در قرآن وارد شده، این کلام الهی است که می‌فرماید:

{يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ}

{ای مردم، پروردگار خویش را عبادت کنید، آنکه شما و پیشینیان‌تان را آفریده است، شاید پرهیزگار شوید}. [البقرة: 21]. و الله متعال می‌فرماید:

{يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً}

{ای مردم، از پروردگار‌تان بترسید، پروردگاری که شما را از یک انسان آفرید، (سپس) همسرش را از نوع او آفرید و از آن دو، مردان و زنان بسیاری (بر روی زمین) پراکنده ساخت}. [النساء: 1]. از ابن عمر -رضی الله عنهما- روایت شده که رسول الله -صلی الله علیه وسلم- در روز فتح مکه خطاب به مردم فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَذْهَبَ عَنْكُمُ غُبَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ وَتَعَاضَمَهَا بِأَبَائِهَا فَالْنَّاسُ رِجَالٌ: بَرٌّ تَقِيَّ كَرِيمٌ عَلَى اللَّهِ وَفَاجِرٌ شَقِيٌّ هَيْنَ عَلَى اللَّهِ وَالنَّاسُ بَنُو آدَمَ وَخَلَقَ اللَّهُ آدَمَ مِنْ تُرَابٍ قَالَ اللَّهُ: {يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا} إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ}

[الحجرات:13] « يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَذْهَبَ عَنْكُمُ غُبَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ وَتَعَاضَمَهَا بِأَبَائِهَا فَالْنَّاسُ رَجُلَانِ: بَرٌّ تَقِيٌّ كَرِيمٌ عَلَى اللَّهِ وَفَاجِرٌ شَقِيٌّ هَيِّنٌ عَلَى اللَّهِ وَالنَّاسُ بَنُو آدَمَ وَخَلَقَ اللَّهُ آدَمَ مِنْ تُرَابٍ قَالَ اللَّهُ: {يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا} إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ » [الحجرات:13]. «ای مردم، همانا الله تكبر و غرور جاهليت و فخر فروشی آنان به پدران شان را از میان شما برداشته است، بنابراین مردم دو دسته اند: یا نیکوکار متقی که نزد الله گرامی است، یا فاجر و بدکار که نزد الله بی ارزش است؛ و مردم فرزندان آدم هستند و الله آدم را از خاک آفرید؛ الله می فرماید: {ای مردم، ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را ملت ها و قبایل قرار دادیم تا با یکدیگر آشنایی حاصل کنید. همانا گرامی ترین شما نزد الله باتقواترین شماست. همانا الله دانای آگاه است}». به روایت ترمذی (3270). در اوامر قرآن بزرگ یا اوامر پیامبر گرامی - صلی الله علیه وسلم- هیچ تشریع و قانونی نمی یابید که مخصوص یک قوم یا یک گروه باشد و قومیت یا نژاد آنان را در نظر گرفته باشد.

3- اسلام پیام الهی است که برای تکمیل رسالت پیامبران و فرستادگان پیشینی آمده است که آنها برای امت هایشان آورده بودند.

الله متعال می فرماید:

{ إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ ۚ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ ۚ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زُبُورًا }

{(ای پیامبر) ما به تو وحی کردیم، همانگونه که به نوح و پیامبرانی که پس از او آمدند وحی کردیم؛ و به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط (نوادگان دوازده‌گانه‌ی یعقوب - علیه السلام -) وحی کردیم و به عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی کردیم و به داود (کتاب) زبور را دادیم}. [النساء: 163]. و این دین که الله متعال به پیامبران محمد -صلی الله علیه وسلم- وحی کرده، همان دینی است که الله متعال برای پیامبران پیشین تشریع نموده و آنان را به آن سفارش و یادآوری کرده است؛ الله متعال می‌فرماید:

{شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ ۚ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ ۚ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ ۚ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ }

{الله برای شما دینی را مقرر کرده که آن را به نوح توصیه کرده بود و ما آن را نیز به تو وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی توصیه نمودیم؛ اینکه: دین را برپا دارید و در آن دچار تفرقه نشوید (و اختلاف نورزید)، (پذیرش) آنچه مشرکان را بدان دعوت می‌کنی، برای آنها سخت گران آمده است، الله است که هرکس را بخواهد [توفیق عبادت می‌دهد}

[و] به سوی خویش برمی‌گزینند؛ و هرکس را [که توبه کند و به درگاهش] بازآید، به سوی خویش هدایت خواهد کرد. [الشوری: 13]. و این چیزی که الله متعال به پیامبرش محمد -صلی الله علیه وسلم- وحی کرده است، تصدیق کتاب‌های پیشین الهی مانند: تورات و انجیل قبل از تحریف آنان است. الله متعال می‌فرماید:

{وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ}

{(ای پیامبر) آنچه از این کتاب به تو وحی کرده‌ایم حق است و آن (کتاب‌های آسمانی) را که پیش‌تر بوده‌اند، تصدیق می‌کند. بی‌تردید، الله به (احوال) بندگان کاملاً آگاه‌بیناست. [فاطر: 31].

4- پیامبران - علیهم السلام - دین‌شان یکسان است و شریعت‌های‌شان متفاوت می‌باشد.

دین پیامبران یکسان است، اما شریعت‌های‌شان متفاوت می‌باشد. الله متعال می‌فرماید:

{وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ ۚ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ ۚ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ ۚ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا ۚ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ ۚ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ۚ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ}

{و (ای پیامبر، ما این) کتاب را به حق بر تو نازل کردیم که تصدیق کننده کتاب‌های پیشین و حافظ و گواه بر آنهاست. پس بین آنان (اهل کتاب) بر اساس آنچه الله نازل کرده است، حکم کن و به جای آنچه از حق به تو رسیده است، از هوی و هوس‌های آنان پیروی نکن؛ (ای مردم) ما برای هریک از (ملت‌های) شما آیین و راهی روشن قرار دادیم؛ و اگر الله می‌خواست، همه شما را امتی یکسان قرار می‌داد؛ ولی (الله می‌خواهد) شما را در آنچه به شما بخشیده است بیازماید؛ پس در نیکی‌ها بر یکدیگر پیشی گیرید، بازگشت همگی شما به سوی الله است، آنگاه شما را از آنچه در آن اختلاف می‌کردید، آگاه می‌سازد}. [المائدة: 48]. و رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: «أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأَنْبِيَاءُ إِخْوَةٌ لِعَلَاتٍ أُمَّهَاتُهُمْ شَتَّى وَدِينُهُمْ وَاحِدٌ» «أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأَنْبِيَاءُ إِخْوَةٌ لِعَلَاتٍ أُمَّهَاتُهُمْ شَتَّى وَدِينُهُمْ وَاحِدٌ». «من در دنیا و آخرت نزدیکترین مردم به عیسی بن مریم هستم و پیامبران برادرانی از یک پدرند، مادران‌شان مختلف است و دین‌شان یکی است». صحیح بخاری (3443).

5- اسلام همچون همه‌ی پیامبران از جمله: نوح و ابراهیم و موسی و سلیمان و داوود و عیسی -علیهم السلام- به ایمان آوردن به این مهم دعوت می‌کند که رب و پروردگار همان الله است که آفریدگار، روزی

دهنده، زنده کننده، میراننده، مالک و فرمانروا است؛
و اینکه او تدبیر کننده‌ی همه کارهاست و او رؤفِ
مهربان است.

اسلام همچون همه‌ی پیامبران از جمله: نوح و ابراهیم و
موسی و سلیمان و داوود و عیسی - علیهم السلام - به ایمان
آوردن به این مهم دعوت می‌کند که رب و پروردگار همان
الله است که آفریدگار، روزی دهنده، زنده کننده، میراننده،
مالک و فرمانروا است؛ و اینکه او تدبیر کننده‌ی همه
کارهاست و او رؤفِ مهربان است. الله متعال می‌فرماید:

{ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا اللَّهَ عَلَيْكُمْ ۖ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ
يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۚ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۖ فَآَنَىٰ تُؤْفَكُونَ }

{ای مردم، نعمتی را که الله به شما بخشیده یادآوری کنید،
آیا آفریننده‌ای جز الله وجود دارد که شما را از آسمان و زمین
روزی برساند؟ هیچ معبود بحقی جز او نیست؛ پس با این حال
چگونه (از حق) منحرف می‌شوید؟}. [فاطر: 3]. و الله متعال
می‌فرماید:

{ قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۚ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ
وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ
ۚ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ ۚ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ }

{(ای پیامبر) بگو: کیست که از آسمان و زمین به شما
روزی می‌بخشد؟ یا کیست که بر گوش‌ها و دیدگان حاکم
است؟ و کیست که [موجود] زنده را از (ماده) بی‌جان بیرون

می‌آورد و (ماده) بی‌جان مرده را از (موجود) زنده خارج می‌سازد؟ و کیست که کار (جهان و جهانیان) را تدبیر می‌کند؟ خواهند گفت: الله، پس بگو: آیا پروا نمی‌کنید؟}. [یونس: 31].
و الله متعال می‌فرماید:

{أَمَّنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۚ أَلَيْسَ اللَّهُ بِمَعِ اللَّهِ ۚ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ}

{ (آیا معبودان باطل شما بهترند) یا کسی که آفرینش را آغاز کرده و سپس آن را (بار دیگر) باز می‌گرداند و (یا) آن کسی که از آسمان و زمین به شما روزی می‌رساند؟ آیا معبود دیگری با الله وجود دارد؟ بگو: اگر راستگوئید، دلیل‌تان را بیاورید}. [النمل: 64].

و همه پیامبران با دعوت به عبادت الله به یگانگی فرستاده شده‌اند. الله متعال می‌فرماید:

{ وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ ۚ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ ۚ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ }

{ یقیناً ما در میان هر امتی، پیامبری را فرستاده‌ایم که: فقط الله را عبادت کنید و از طاغوت دوری کنید، پس الله برخی از آنان را هدایت کرده است و برخی از آنان نیز سزاوار گمراهی شدند؛ پس در زمین بگردید و بنگرید که سرانجام

تکذیب کنندگان چگونه بوده است}. [النحل: 36]. و الله متعال می‌فرماید:

{وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ}

{و ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر آنکه به او وحی کردیم که: معبودی (به حق) جز من نیست؛ پس تنها مرا عبادت کنید}. [الأنبياء: 25]. چنانکه الله متعال از نوح - علیه السلام - خبر می‌دهد که فرمود:

{يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ}

{ای قوم من، الله را عبادت کنید که جز او معبودی (به حق) ندارید، (اگر او را عبادت نکنید) من از عذاب روزی بزرگ بر شما می‌ترسم}. [الأعراف: 59]. و چنانکه الله متعال از ابراهیم خلیل علیه السلام خبر می‌دهد که فرمود:

{وَابْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ}

{و (یاد کن از) ابراهیم آنگاه که به قومش گفت: الله را عبادت کنید و از او پروا کنید (که) اگر بدانید، این کار برای‌تان بهتر است}. [العنکبوت: 16]. و چنانکه الله متعال از صالح - علیه السلام - خبر می‌دهد که فرمود:

{قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ ۖ قَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ ۖ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ ۖ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ ۚ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ}

{ای قوم من، الله را عبادت کنید که جز او معبودی (به حق) ندارید؛ بی‌تردید، دلیل روشنی از (سوی) پروردگارتان (بر صدق نبوت من) برای شما آمده است و (آن) این ماده شتر الله است که برای‌تان معجزه‌ای است؛ پس او را (به حال خود) واگذارید تا در زمین الله (بچرد و علف) بخورد و به او آزار (و آسیبی) نرسانید که شما را عذابی دردناک فراخواهد گرفت}. [الأعراف: 73]. و چنانکه الله متعال از شعیب - علیه السلام - خبر می‌دهد فرمود:

{يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ ۖ قَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ ۖ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ۚ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ}

{ای قوم من، الله را عبادت کنید که جز او معبودی (به حق) ندارید؛ همانا از (سوی) پروردگارتان دلیل روشنی (بر صحت نبوت من) برای شما آمده است؛ پس پیمان‌ه و ترازو را کامل (و درست) بکشید و بپردازید و از (حق و) حقوق مردم نگاهید و در زمین - پس از اصلاحش - فساد و تباهی نکنید؛ اگر ایمان دارید، این برای شما بهتر است}. [الأعراف: 85].

و هنگامی که الله متعال با موسی علیه السلام سخن گفت، نخستین چیزی که به ایشان فرمود، این بود:

{ وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ (13) إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي (14) }

{و من تو را (به پیامبری) برگزیدم؛ پس به آنچه وحی می‌شود گوش فرا ده (13)}

همانا من الله هستم که معبود برحق جز من نیست، پس تنها مرا عبادت کن و نماز را برای ذکر و یاد من به پا دار. [طه: 13-14]. و الله متعال از موسی - علیه السلام - خبر داده است که به الله پناه برد و فرمود:

{إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِّنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ }

{من از (شر) هر متکبری که به روز حساب باور ندارد، به پروردگار خویش و پروردگار شما پناه می‌برم}. [غافر: 27]. و الله متعال از مسیح - علیه السلام - خبر می‌دهد که فرمود:

{إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ ۚ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ }

{به راستی که الله، پروردگار من و پروردگار شماست؛ پس او را عبادت کنید (که) این راه راست است}. [آل عمران: 51]. و همچنین الله عزوجل از مسیح - علیه السلام - خبر می‌دهد که فرمود:

{ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ ۖ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ ۖ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ }

{ای بنی اسرائیل پروردگار من و پروردگار خودتان را بپرستید، بی‌گمان هرکس شریکی برای الله قرار دهد، الله بهشت را بر او حرام کرده و جایگاهش آتش (دوزخ) است و ستمکاران یار و یاورى ندارند}. [المائدة: 72].

بلکه حتى در تورات و انجیل نیز بر عبادت الله یگانه تأکید شده است، در سفر تثئیه این سخن موسى - علیه السلام - آمده است که: (بشنو ای اسرائیل، پروردگار که معبود ماست، پروردگاری یگانه است). در انجیل مرقس نیز بر توحید تأکید شده است، آنجا که مسیح علیه السلام می‌فرماید: (نخستین توصیه‌ها این است: بشنو ای اسرائیل، پروردگار که معبود ماست، پروردگاری یگانه است).

و الله عزوجل بیان کرده که همه پیامبران با این وظیفه بزرگ که دعوت به توحید است، مبعوث شده‌اند، الله متعال می‌فرماید:

{وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ ۚ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ }

{یقیناً ما در هر امتی، پیامبری را (با این پیام) برانگیختیم که: الله یکتا را عبادت کنید و از طاغوت دوری کنید، پس الله برخی از آنان را هدایت کرده و برخی از آنان نیز سزاوار گمراهی شدند}. [النحل: 36]. و الله متعال می‌فرماید: {{ای

پیامبر، به مشرکان) بگو: آیا به چیزهایی که به جای الله (به نیایش) می‌خوانید توجه کرده‌اید؟ به من نشان دهید چه چیز از (اجزای) زمین را آفریده‌اند، آیا در (آفرینش) آسمان‌ها شرکت داشته‌اند؟ اگر راست می‌گویید، از کتاب‌های آسمانی پیشین یا اثر علمی از دانش (گذشتگان) برای من بیاورید. [الأحقاف: 4]. شیخ عبدالرحمان سعدی - رحمه الله - می‌گوید: "بنابراین روشن شد که جدال مشرکان درباره شرکشان مستند به دلیل و برهان نبوده است، بلکه بر گمان‌هایی نادرست و آرای بی‌ارزش و اندیشه‌هایی فاسد بنا شده است؛ این تباهی را می‌توان با بررسی شامل و جامع دانش و کارهای‌شان درک کرد؛ و با بررسی حال و روز کسانی که عمرشان را در عبادت این معبودان تباه کرده‌اند، آیا (این معبودان جز الله) برای‌شان فایده‌ای در دنیا یا آخرت داشته‌اند؟". تیسیر الکریم المنان، ص: 779.

6- الله سبحانه و تعالی آفریدگار است و تنها اوست که شایسته عبادت و یگانه‌پرستی است که هیچکس نباید همراه او عبادت شود.

الله تنها کسی است که مستحق عبادت می‌باشد و شایسته این است که هیچکس دیگری به همراه او عبادت نشود. الله متعال می‌فرماید:

{يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (21) الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ ۖ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَندَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (22) {

{ای مردم، پروردگار خویش را عبادت کنید، همان کسی که شما و انسان‌های پیش از شما را آفرید، شاید که پرهیزگار شوید (21)}

آن کسی که زمین را برای شما گستراند و آسمان را (همچون سقّی) بالای سرتان بنا نمود و از آسمان، آبی فرو فرستاد و به وسیله آن، انواع میوه‌ها را به وجود آورد تا روزی شما باشد؛ پس همتیانی برای الله قرار ندهید، درحالی‌که (شما حقیقت را) می‌دانید (22){. [البقرة: 21-22]. آنکه ما و نسل‌های پیش از ما را آفرید و زمین را برای ما گسترانده و از آسمان بر ما آبی فرو فرستاده و با آن از زمین انواع محصولات بیرون آورده تا روزی ما باشد؛ فقط او شایسته عبادت است، الله متعال می‌فرماید:

{ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ ۖ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۚ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۚ فَآَنَى تُؤْفَكُونَ }

{ای مردم، نعمتی را که الله به شما بخشیده به یاد آورید، آیا آفریننده‌ای جز الله هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟ هیچ معبودی (بحق) جز او نیست؛ پس چگونه (از حق) منحرف می‌شوید؟. [فاطر: 3]. آنکه می‌آفریند و

روزی می‌دهد، تنها اوست که شایسته عبادت کردن می‌باشد،
الله متعال می‌فرماید:

{ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ ۚ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۖ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ ۚ وَهُوَ
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ }

{این است الله، پروردگار شما؛ هیچ معبودی (بحق) جز
او نیست، آفریننده همه چیز است؛ پس او را عبادت کنید و
(بدانید که) او بر همه چیز حافظ و نگهبان است}. [الأنعام:
102].

و هر آنچه جز الله عبادت شده، شایسته عبادت نیست؛ زیرا
در آسمان‌ها و زمین حتی صاحب ذره‌ای نیست و در هیچ چیز
شریک و یاور و پشتیبان الله نیست، پس چگونه می‌توان همراه
با الله کسی یا چیزی را به فریاد خواند یا کسی را با او شریک
گرداند؟ الله متعال می‌فرماید:

{ قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ ۚ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي
السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِن شِرْكٍَ وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِّن
ظَهِيرٍ }

{(ای پیامبر به مشرکان) بگو: کسانی را که به جای الله
(یاور و شفاعتگر خود) می‌پندارید و (به فریاد) می‌خوانید،
آنان به اندازه‌ی ذره‌ای در آسمان‌ها و زمین مالک چیزی
نیستند و در (آفرینش و تدبیر) آن دو (زمین و آسمان) سهمی
ندارند و الله در میان‌شان هیچ پشتیبانی ندارد}. [سبا: 22].

و الله سبحانه و تعالی است که این مخلوقات را آفریده و از عدم به وجود آورده و وجود این آفریدگان دال بر وجود او و پروردگاری و الوهیت اوست، الله متعال می‌فرماید:

{ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ (20) وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (21) وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَاللُّوَانِكُمْ ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ (22) وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ (23) وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُخْرِجُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (24) وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ۚ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِّنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ (25) وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ كُلُّ لَّهُ قَانِثُونَ (26) وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ }

{و یکی از نشانه‌های (عظمت و قدرت) الله این است که شما را از خاک آفرید، سپس شما انسان‌ها را تدریجاً (افزایش یافتید و در زمین) پراکنده گشتید (20)}

و از نشانه‌های (دیگر عظمت و قدرت) الله این است که از جنس خودتان همسرانی برای‌تان آفرید تا در کنارشان آرام گیرید؛ و در بین شما و آنان محبت و مهربانی قرار داد، بی گمان در این (نعمت‌ها) نشانه‌هایی (از قدرت و عظمت پروردگار) برای افرادی است که تفکر می‌کنند (21)

و از نشانه‌های (دیگر عظمت و قدرت) الله، آفرینش آسمان‌ها و زمین و اختلاف زبان‌ها و رنگ‌های شماست، بی‌تردید در این (امور) نشانه‌هایی (از قدرت و عظمت پروردگار) برای فرزندگان و دانشوران است (22)

و از نشانه‌های (دیگر عظمت و قدرت) الله، خواب شما در شب و روز و تلاش‌تان برای بهره‌گیری از بخشش پروردگار (و تأمین معاش) است؛ بی‌گمان در این موارد، برای افرادی که گوش شنوا دارند، نشانه‌هایی (از عظمت و قدرت پروردگار) است (23)

و از نشانه‌های (دیگر عظمت و قدرت) الله این است که صاعقه را برای بیم و امید، به شما نشان می‌دهد و آبی از آسمان می‌فرستد و زمین را - پس از (خشکی و) مرگش با آن آب زنده می‌سازد؛ بی‌گمان در این امور، برای افرادی که می‌اندیشند، نشانه‌هایی (از عظمت و قدرت پروردگار) است (24)

و از نشانه‌های (دیگر عظمت و قدرت) الله این است که آسمان‌ها و زمین به فرمانش برپا هستند و (روز قیامت) هنگامی که با ندایی شما را از زمین فرامی‌خواند، ناگهان (همگی از گورها) بیرون می‌آیند (25)

هرکس و هرچه در آسمان‌ها و زمین است از آن الله است و همگی (تسلیم و) فرمانبردار او هستند (26)

و او کسی است که آفرینش (هستی) را (بدون نمونه قبلی) آغاز کرده، سپس آن را (پس از نابود کردنش) باز می‌گرداند و (این بازگرداندن) برای او آسان‌تر است (27) { [الروم: 27-20].

و نمرود وجود پروردگارش را انکار کرد، پس چنانکه الله متعال خبر داده، ابراهیم - علیه السلام - به او گفت:

{قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ }

{همانا الله خورشید را از سمت مشرق بیرون می‌آورد، پس تو آن را از جهت مغرب بیرون بیاور، آنگاه آن (طاغوت) که کفر ورزیده بود متحیر و مبهوت شد و الله ستمکاران را هدایت نمی‌کند}. [البقرة: 258]. همچنین ابراهیم - علیه السلام - در برابر قوم خود استدلال کرد که الله او را هدایت کرده و اوست که وی را آب و غذا می‌دهد و هرگاه بیمار شود او را شفا می‌دهد؛ و اوست که وی را می‌میراند و زنده می‌کند، و چنانکه الله متعال از وی خبر داده، فرمود:

{الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ (78) وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ (79) وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ (80) وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ (81) }

{آن (معبودی) که مرا آفریده و هدایت می‌کند (78)

و همان ذاتی که به من غذا می‌دهد و سیرابم می‌سازد
(79)

و هنگامی که بیمار می‌شوم، اوست که شفایم می‌دهد
(80)

و کسی که مرا می‌میراند و (دوباره) زنده‌ام می‌کند
(81) { [الشُّعْرَاءُ: 78-81]. و الله متعال دربارهٔ موسی - علیه
السلام - خبر داده که وی در مناظره با فرعون به او گفت که
پروردگار او:

{ الَّذِي أُعْطِيَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى }

{همان کسی است که هر چیز را خلقتی (متناسب با آن)
بخشیده و سپس (همگی این مخلوقات را) رهنمود کرده
است}. [طه: 50].

و الله متعال هر آنچه را که در آسمان‌ها و زمین است در
تسخیر انسان قرار داده و او را در میان این نعمت‌ها قرار داده
است؛ تا آن که تنها الله متعال را عبادت کند و به او کفر نورزد،
الله متعال می‌فرماید:

{ أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ
عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً ۚ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ
وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ }

{آیا ندیده‌اید که الله آنچه را در آسمان‌ها و زمین است، به
خدمت‌تان گماشته و نعمت‌های آشکار و پنهان خویش را بر

شما تمام کرده است؟ (با این حال) برخی از مردم هستند، بدون هیچ دانش و هدایت و کتابِ روشنگری، در مورد الله ستیز مجویی می‌کند}. [لقمان: 20]. و چنانکه الله متعال همه چیزهایی که در آسمان‌ها و زمین است در اختیار انسان قرار داده، او را آفریده و از همه حواسی که به آن نیاز دارد، از جمله شنوایی و بینایی و قدرت عقلی برخوردار ساخته تا آنچه را به سود اوست و به سوی پروردگارش رهنمود می‌گرداند، فراگیرد؛ الله متعال می‌فرماید:

{ وَاللّٰهُ أَخْرَجَكُمْ مِّنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ ۖ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ }

{و الله شما را از شکم مادران‌تان بیرون آورد، درحالی‌که هیچ چیز نمی‌دانستید و برای شما گوش و دیدگان و دل‌ها پدید آورد، شاید سپاس‌گزار باشید}. [النحل: 78].

الله سبحانه و تعالی همه این عالم‌ها را آفرید و انسان را خلق کرد و همه اعضا و نیروهای مورد نیازش را برای او فراهم ساخت و او را به همه توانایی‌هایی مجهز ساخت که وی را برای انجام عبادت الله متعال و آبادانی زمین یاری می‌دهد؛ سپس هر آن چه را که در آسمان‌ها و زمین است در تسخیر او قرار داد.

و الله متعال به خلقت این آفریده‌های بزرگ بر ربوبیت خود استدلال نموده است، ربوبیتی که مستلزم الوهیت [و شایستگی او برای عبادت] می‌باشد؛ الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

{قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ }

{بگو: کیست که از آسمان و زمین به شما روزی می‌رساند؟ یا کیست که بر گوش‌ها و دیدگان حاکم است؟ و کیست که (موجود) زنده را از مرده و مرده را از (موجود) زنده بیرون می‌آورد؟ و کیست که کار (جهان و جهانیان) را تدبیر می‌کند؟ خواهند گفت: الله، پس بگو: آیا پروا نمی‌کنید؟}.

[یونس: 31]. و الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

{قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ اتَّخَذُوا مِنْ قَبْلِ هَذَا أَوْثَارًا مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ }

{بگو: آیا به چیزهایی که به جای الله به فریاد می‌خوانید توجه کرده‌اید؟ به من نشان دهید چه چیز از [اجزای] زمین را آفریده‌اند، آیا در (آفرینش و نگهداری) آسمان‌ها مشارکتی داشته‌اند؟ اگر راست می‌گویید (که مشارکتی داشته‌اند)، از کتاب‌های آسمانی پیشین یا یک اثر علمی (از دانش گذشتگان) بیاورید}. [الأحقاف: 4]. و الله متعال می‌فرماید:

{ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ. هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ }

{الله آسمان‌ها را بدون هیچ ستونی که آن را ببینید آفریده است؛ و در زمین کوه‌های استوار بیفکند تا (مبادا زمین) شما را بجنباند و در آن از هرگونه جنبنده‌ای پراکنده گردانید؛ و از آسمان آبی فرو فرستادیم و از هر نوع (گیاه) نیکو در آن رویانیدیم (10) این است آفرینش الله، (اکنون) به من نشان دهید کسانی که غیر از اویند چه آفریده‌اند؟ بلکه ستمگران در گمراهی آشکاری هستند}. [لقمان: 10-11]. و الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

{ أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ (35) أَمْ خُلِقُوا مِنَ الْمَاءِ الْمَلْحِ أَمْ هُمُ الْمَلَكُوتُ (36) أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ الْمُصِيطِرُونَ (37) }

{آیا آنان بدون هیچگونه خالق آفریده شده‌اند؟ یا اینکه خودشان آفرینندگانند؟ (35)}

{آیا آنان آسمان‌ها و زمین را آفریده‌اند؟ بلکه آنان یقین ندارند (که الله آفریننده مطلق است) (36)}

{آیا گنجینه‌های (نعمت و هدایت) پروردگارت نزد آنان است؟ یا اینکه آنان (بر همه چیز جهان) تسلط دارند؟ [الطور: 35-37]}. شیخ عبدالرحمان سعدی می‌گوید: (و این استدلالی علیه آنان است، به دلیلی که در برابر آن راهی جز تسلیم شدن در برابر حق ندارند یا آنکه باید از دایره عقل و دین خارج شوند). تفسیر سعدی (816).

7- الله متعال، آفریننده تمام موجودات هستی است، هم چیزهایی که در دایره دید ما هستند و هم چیزهایی که از دایره دید ما خارج اند؛ و هر چه جز الله متعال، از آفریده های اوست و الله متعال آسمان ها و زمین را در شش روز آفریده است.

الله متعال، آفریننده تمام موجودات هستی است، هم چیزهایی که در دایره دید ما هستند و هم چیزهایی که از دایره دید ما خارج اند؛ و هر چه جز الله متعال، از آفریده های اوست؛ الله متعال می فرماید:

{قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ ۚ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ
أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا ۚ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى
وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ ۚ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا
كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ ۚ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ
الْقَهَّارُ }

{ (ای پیامبر به مشرکان) بگو: پروردگار آسمان ها و زمین کیست؟ (به آنان) بگو: الله، (سپس) بگو: آیا به جای الله اولیاء (ومعبودهایی) برگزیده اید که (حتی) مالک سود و زیان خود نیستند؟ بگو: آیا نابینا (ی حقیقت که شاید) و بینا (ی حقیقت که مؤمناند، با همدیگر) برابرند؟ یا اینکه تاریکی ها و نور یکسانند؟ یا آنان شریکانی برای الله قرار داده اند که (گمان می برند) همچون آفرینش الله، آفریده اند و (در نتیجه تشخیص) آفرینش (آنان از آفرینش الله) بر آنان مُشْتَبِه شده

است؟ بگو: الله آفریننده همه چیز است و او یگانه‌ی پیروزمند است. [الرعد: 16] و الله متعال می‌فرماید:

{وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ}

{و (الله) چیزهایی را می‌آفریند که (شما هم‌اکنون آنها را) نمی‌دانید. [النحل: 8].}

و الله متعال آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید، الله متعال می‌فرماید:

{هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۚ يَعْلَمُ مَا يَلْجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا ۚ وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ ۚ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ }

{اوست که آسمان‌ها و زمین را در شش مرحله آفرید، آنگاه (آن گونه که شایسته عظمت و مقام اوست) بر عرش قرار گرفت؛ هر چه در زمین نفوذ می‌کند یا از آن بیرون می‌آید و هر چه از آسمان فرود می‌آید یا به سوی آن بالا می‌رود، (همه آنها را) می‌داند و هر جا که باشید، همراه شماست؛ و الله به آنچه انجام می‌دهید، بیناست. [الحديد: 4].}

و الله متعال می‌فرماید:

{وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ }

{ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آنهاست، در شش روز آفریدیم و (هرگز) رنج و خستگی به ما نرسید}. [ق: 38].

8- الله سبحانه و تعالی در مُلک یا آفرینش یا تدبیر یا عبادتش شریکی ندارد.

و الله سبحانه و تعالی مالک و فرمانروای هستی است و در آفرینش یا فرمانروایی یا تدبیرش، هیچ شریکی ندارد؛ الله متعال می‌فرماید:

{قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ ۚ إِنَّنِي بَكِتَابٍ مِّن قَبْلِ هَذَا أَوْ أَنَاذِرَةٌ مِّنْ عِلْمٍ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ }

{بگو: آیا به چیزهایی که به جای الله (به نیایش) می‌خوانید توجه کرده‌اید؟ به من نشان دهید چه چیز از (اجزای) زمین را آفریده‌اند، آیا در (آفرینش) آسمان‌ها شرکت داشته‌اند؟ اگر راست می‌گویید، از کتاب‌های آسمانی پیشین یا یک اثر علمی (از گذشتگان) برای من بیاورید}. [الأحقاف: 4]. شیخ عبدالرحمان سعدی - رحمه الله- می‌گوید: برای بیان ناتوانی بت‌های‌شان و اینکه نشان دهی شایسته هیچگونه عبادتی نیستند، به این‌هایی که بت‌ها و شریکانی را برای الله شریک ساخته‌اند که مالک نفع و زیان و مرگ و زندگی و رستاخیز خود نیستند {بگو به من نشان دهید چه چیز از (اجزای) زمین

را آفریده‌اند، آیا در (آفرینش) آسمان‌ها شرکت داشته‌اند؟، آیا از اجرام آسمان‌ها و زمین چیزی را آفریده‌اند؟ آیا کوه‌هایی آفریده‌اند؟ آیا رودی به جریان انداخته‌اند؟ آیا حیوانی را برانگیخته‌اند؟ آیا درختانی را رویانده‌اند؟ آیا هیچیک از آنان در خلقت چیزی از این آفریده‌ها همکاری داشته‌اند؟ خود اقرار دارند که در هیچیک از این امور دست نداشته‌اند، چه برسد به دیگران؛ و این دلیل عقلی و قاطعی است مبنی بر اینکه هر چه جز الله باشد، عبادتش باطل است.

سپس به بیان عدم دلیل نقلی پرداخته و می‌فرماید: {از کتاب‌های آسمانی پیشین برای من دلیل بیاورید} که به شرک فراخوانده باشد {یا اثر علمی برای من بیاورید} اثری که از پیامبران به ارث رسیده باشد و چنین فرمان داده باشد؛ مشخص است که آنان از آوردن دلیلی از سوی پیامبران در این زمینه ناتوانند، بلکه قاطعانه می‌گوییم و مطمئنیم که همه پیامبران به سوی توحید پروردگارشان فراخوانده‌اند و از شرک ورزیدن به او نهی کرده‌اند و این بزرگ‌ترین چیزی است که از علم آنان به ما رسیده است. [تفسیر سعدی (779)].

و الله سبحانه و تعالی مالک ملک و فرمانروایی مطلق است که در فرمانروایی خود شریکی ندارد، الله متعال می‌فرماید:

{ قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ ۚ بِيَدِكَ الْخَيْرُ ۚ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ }

{بگو: بارالها، ای فرمانروای هستی، هرکس را بخواهی حاکمیت (و دارایی) می‌بخشی و از هرکس بخواهی حاکمیت را بازپس می‌گیری و به هرکس بخواهی عزت (و قدرت) می‌دهی و هرکس را بخواهی خوار و ذلیل می‌کنی، (پروردگارا) خوبی به دست توست و بی‌گمان تو بر هر چیزی توانایی}. [آل عمران: 26]. و الله متعال در بیان اینکه در روز قیامت فرمانروایی مطلق از آن اوست، می‌فرماید:

{يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ ۖ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ ۚ لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ۖ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ }

{روزی که مردمان حاضر و نمایان می‌شوند و چیزی از آنان بر الله پوشیده نخواهد ماند، (الله می‌فرماید:) امروز فرمانروایی از آن کیست؟ (آنگاه خود در جواب می‌فرماید:) از آن الله یگانه‌ی پیروزمند است}. [غافر: 16].

و الله سبحانه و تعالی در فرمانروایی یا آفرینش یا تدبیرش یا عبادتش هیچ شریکی ندارد، الله متعال می‌فرماید:

{وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِيلِ ۖ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا }

{و بگو: ستایش مخصوص الله است که فرزندی (برای خویش) برنگزیده است و در فرمانروایی و مالکیت (هستی)، هیچ شریکی ندارد و هرگز خوار و ناتوان نمی‌گردد که (نیاز به دوست و) کارساز داشته باشد و او را بزرگ بدار،

بزرگداشتی (که) شایسته (ی بزرگواری او باشد). [الإسراء: 111]. و الله متعال می‌فرماید:

{ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا }

{همان کسی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست و فرزندی (برای خویش) برنگزیده است و در فرمانروایی، هیچ شریکی ندارد و همه چیز را آفریده است و اندازه هر چیز را چنان که مناسبش می‌باشد- تدبیر نموده است}. [الفرقان: 2]. بنابراین، او مالک است و هر چه بغیر او مملوک او سبحانه و تعالی است و او آفریدگار است و هر چه جز او مخلوق اوست؛ و اوست که کار هستی را تدبیر و اداره می‌کند و کسی که منزلتش چنین است، عبادتش واجب است و عبادت غیر او نشانگر نقص در عقل و شرکی است که دنیا و آخرت را تباه می‌سازد. الله متعال می‌فرماید:

{ وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا ۚ قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا ۚ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ }

{و (اهل کتاب) گفتند: یهودی یا نصرانی شوید تا هدایت یابید، (ای پیامبر، به آنان) بگو: بلکه از آیین ابراهیم (پیروی می‌کنیم) که حق‌گرا بود و هرگز در زمره مشرکان نبود}. [البقرة: 135]. و الله متعال می‌فرماید:

{ وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا ۚ وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا }

{و آیین چه کسی بهتر از کسی است که خود را تسلیم الله کرده و نیکوکار است؛ و از آیین ابراهیم حق‌گرا پیروی نموده است؟ و الله ابراهیم را به دوستی خود برگزید}. [النساء: 125]. و الله سبحانه و تعالی بیان نموده که هرکس تابع دینی جز دین ابراهیم خلیل - علیه السلام - باشد، خودش را به سبکسری و نادانی انداخته است؛ الله متعال می‌فرماید: {و چه کسی از آیین ابراهیم روی گردانی می‌کند مگر آن (نادانی) که خود را خوار و ناچیز کرده است؟ و به راستی که ما او را در دنیا برگزیدیم و بی‌تردید، در آخرت (نیز) از زمره‌ی شایستگان خواهد بود}. [البقرة: 130].

9- الله سبحانه و تعالی نه (فرزندی) زاده و نه از کسی زاده شده است و هم‌تا و مثل و مانندی ندارد.

و الله سبحانه و تعالی نه (فرزندی) زاده و نه از کسی زاده شده است و هم‌تا و مثل و مانندی ندارد، الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

{قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (1) اللَّهُ الصَّمَدُ (2) لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (3) وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (4)}

{بگو: او الله یکتای یگانه است (1)}

الله بی‌نیاز است (و همه نیازمند او هستند) (2)

نه (فرزندى) زاده و نه زاده شده است (3)

و هیچکس همانند و همتای او نبوده و نیست (4)
[الإخلاص: 1-4]. و الله متعال می‌فرماید:

{رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ ۚ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا}

{پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آنهاست؛ پس تنها او را عبادت کن و بر عبادتش شکیبا (و پایدار) باش، آیا شبیه و همانندی برای الله می‌شناسی؟}. [مریم: 65]. الله جل شأنه می‌فرماید:

{فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا ۚ يَذُرُوكُمْ فِيهِ ۚ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ۚ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ}

{او آفریننده آسمان‌ها و زمین است، همسرانی از (جنس) خود شما برای‌تان قرار داد و از چهارپایان نیز جفت آفرید، به این صورت، تعداد شما را افزایش می‌دهد؛ هیچ چیز همانند او نیست و همو شنوای بیناست}. [الشوری: 11].

10- الله سبحانه و تعالى در هیچیک از مخلوقاتش حُلُول نمی‌کند و در قالب هیچیک از آفریدگانش تجسم نمی‌یابد.

الله سبحانه و تعالى در هیچ چیزی حُلُول نمی‌کند و در قالب چیزی از آفریده‌هایش تجسم نمی‌یابد؛ و با چیزی متحد نمی‌گردد؛ زیرا الله خالق است و هر چه جز او مخلوق است؛ او باقی است و هر چه جز او فرجامش فناست؛ و هر چیزی مِلک اوست و او مالک آن است، بنابراین در هیچیک از آفریده‌هایش حُلُول نمی‌یابد و هیچیک از آفریده‌هایش در ذات او سبحانه و تعالى حُلُول نمی‌یابند؛ و الله سبحانه و تعالى بزرگتر از هر چیزی است؛ الله متعال در انکار سخن کسانی که مدعی شدند، الله متعال در مسیح - علیه السلام - حُلُول یافته می‌فرماید:

{لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ ۚ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَأُمُّهُ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ۗ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۚ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ}

{کسانی که گفتند: الله همان مسیح پسر مریم است، یقیناً کافر شدند، (ای پیامبر، به آنان) بگو: اگر الله بخواهد مسیح پسر مریم و مادرش و همه کسانی را که روی زمین هستند، نابود کند، چه کسی در برابر الله اختیاری دارد (که مانع شود)؟ فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو قرار

دارد از آن الله است، هر چه بخواهد می‌آفریند و الله بر همه چیز تواناست. [المائدة: 17]. و الله متعال می‌فرماید:

{وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ ۚ فَأَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (115) وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا ۚ سُبْحَانَهُ ۚ بَلْ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ كُلُّ لَّهُ قَانُونٌ (116) بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (117) }

{مشرق و مغرب (و سایر جهات)، از آن الله است؛ پس به هر سو رو کنید، آنجا روی الله است، همانا الله گشایشگر داناست (115)}

{(اهل کتاب و مشرکان) گفتند: الله (برای خود) فرزندی برگزیده است، او (از چنین نسبت‌هایی) منزّه است، (الله نه تنها نیازی به فرزند ندارد) بلکه آنچه در آسمان‌ها و زمین است متعلق به اوست (و) همه فرمانبردار او هستند (116)}

{پدید آورنده آسمان‌ها و زمین است و چون به کاری اراده فرماید، تنها به آن می‌گوید: باش، پس می‌شود (117)}
[البقرة: 115-117]. و الله متعال می‌فرماید:

{ وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا (88) لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا (89) تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا (90) أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا (91) وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا (92) إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَنِ عَبْدًا (93) لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا (94) وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا (95) }

{و (یهود، نصاری و برخی از مشرکان) گفتند: (الله)
رحمان فرزندی (برای خود) برگزیده است (88)}

به راستی چیزی بسیار زشت (و زنده‌ای) می‌گویید
(89)

نزدیک است آسمان‌ها از این (سخن) متلاشی شوند و
زمین بشکافد و کوه‌ها (بشدت) در هم بشکنند و فروریزند
(90)

(از این رو) که برای (الله) رحمان فرزندی نسبت دادند
(91)

و هرگز برای (الله) رحمان سزاوار نیست که فرزندی
برگزیند (92)

هیچ چیزی در آسمان‌ها و زمین نیست، مگر اینکه
خاکسار و بنده‌وار نزد الله رحمان می‌آید (93)

یقیناً (الله همه) آنان را سرشماری کرده و به دقت شمرده
است (94)

و همگی آنان در روز قیامت تک و تنها نزد او حاضر
می‌شوند (95). [مریم: 88-95]. و الله متعال می‌فرماید:

{اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ
وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ

وَمَا خَلَقَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمُوتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ}

{الله (معبودی بر حق است) هیچ معبود بحقی جز او نیست، زنده‌ی پایدار (و جهان هستی را) نگهدار است، نه چرت و نه خواب او را فرامی‌گیرد، آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن اوست، کیست که نزد او جز به فرمانش شفاعت کند؟ آنچه در پیش روی آنان و آنچه در پشت سرشان است می‌داند و (آنان) به چیزی از علم او احاطه (و آگاهی) نمی‌یابند، مگر آنچه خود بخواهد، کرسی او آسمان‌ها و زمین را در بر گرفته است و نگهداشتن آنها برای او (سنگین و) دشوار نیست و او بلند مرتبه‌ی بزرگ است}. [البقرة: 255]. کسی که شأن و منزلتش چنین است و آفرینش این گونه می‌باشد، چگونه ممکن است در یکی از آفریده‌هایش حلول یابد یا او را به عنوان فرزند خود برگزیند یا به همراه خود او را مقام خدایی ببخشد؟

11- الله سبحانه و تعالی نسبت به بندگانش مهربان است، از همین روی به سوی آنان پیامبران را فرستاده و کتاب‌هایی نازل کرده است.

الله متعال نسبت به بندگانش رؤوف و مهربان است؛ و از باب رحمتش نسبت به بندگان، پیامبران را به سوی آنان فرستاد و کتاب‌های آسمانی را برای آنان نازل کرده است؛ تا

از آنان را از تاریکی‌های کفر و شرک به سوی نور توحید و هدایت خارج کند؛ الله متعال می‌فرماید:

{هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۚ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ}

{اوست که آیاتی روشن‌گر و واضح بر بنده‌اش نازل می‌کند تا شما را از تاریکی‌های (کفر و شرک) به سوی نور (ایمان) خارج گرداند؛ (زیرا) الله نسبت به شما بسیار با محبت و مهربان است}. [الحديد: 9].

و الله متعال می‌فرماید:

{وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ}

{و (ای پیامبر) تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم}. [الأنبياء: 107]. و الله به پیامبرش امر نموده تا به بندگان خبر دهد که او آمرزنده‌ی مهربان است؛ الله متعال می‌فرماید:

{نَبِيُّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ}

{(ای پیامبر) به بندگانم خبر بده که من بسیار آمرزنده مهربان هستم}. [الحجر: 49]. و از رأفت و رحمت الهی این است که زیان را از بندگان دور ساخته و خیر را بر آنان نازل می‌گرداند؛ الله متعال می‌فرماید:

{وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ ۖ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ ۚ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۚ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ}

{و اگر الله (بخواهد) زیانی به تو برساند، هیچکس جز او نمی‌تواند آن را برطرف سازد؛ و اگر بخواهد خیری به تو رساند، هیچکس نمی‌تواند مانع رسیدن فضل (و بخشش) او به تو شود، [او بخشش خویش را] به هرکس از بندگان که بخواهد، می‌رساند و او آمرزندهٔ مهربان است}. [یونس: 107].

12- الله متعال همان پروردگار مهربان است و تنها اوست که در روز قیامت بندگان را مورد محاسبه قرار می‌دهد، هنگامی که همهٔ آنان را از قبرهایشان برانگیخت؛ پس هرکس را برای کارهایش - چه خیر و چه شر - جزا می‌دهد؛ پس هر آن که اهل ایمان بوده و کارهای نیک انجام داده، در نعمت‌های ماندگار است و آنکه کفر ورزیده و مرتکب کارهای بد شده، برای او در آخرت، عذاب بزرگ خواهد بود.

الله متعال همان پروردگار مهربانی است که به تنهایی در روز قیامت همه‌ی خلائق را به هنگام برانگیخته نمودن از قبورشان، حسابرسی خواهد کرد و هرکس را بنابر کارهای خوب یا بدش پاداش می‌دهد، پس هر که اهل ایمان بوده و کارهای نیک انجام داده است، در روز قیامت در نعمت‌های ماندگار و ابدی خواهد بود و هرکس کفر ورزیده و کارهای زشت انجام داده است، در روز قیامت، عذاب بزرگ و ابدی

برای او خواهد بود، زیرا این از کمال عدل الله سبحانه و تعالی و حکمت و رحمتش در حق بندگانست که این دنیا را خانه‌ی تلاش قرار داده و آخرت را خانه‌ی دوم او قرار داده است که جزا و حساب و پاداش آنجا خواهد بود؛ تا آنکه نیکوکار، پاداش نیکی خود را ببیند و بدکار و ستمگر و تجاوزگر، تاوان تجاوزگری و ظلم خود را ببیند؛ و از آن جایی که ممکن است برخی از انسان‌ها این مسئله (یعنی دنیای دیگر) را بعید بدانند، الله متعال ادله‌ی بسیاری را در این زمینه مطرح می‌سازد که رستاخیز حق است و شکی در آن نیست؛ الله متعال می‌فرماید:

{ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ ۚ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِي الْمَوْتَى ۚ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ }

{از جمله نشانه‌های (قدرت) الهی این است که تو زمین خشک و فرسوده را می‌بینی، هنگامی که آب (باران) را بر آن فرو می‌ریزیم، به جنبش در می‌آید و (گیاهانش) رشد می‌کند، آن (پروردگار توانمندی) که زمین را زنده می‌کند، مردگان را نیز (در روز رستاخیز) زنده خواهد کرد، به راستی که الله بر انجام هر کاری تواناست}. [فصلت: 39]. و الله متعال می‌فرماید:

{ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن ثَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُّخَلَّقَةٍ لِّنَبِّئَنَّ لَكُمْ ۖ وَنُقَرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَسَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِنَبْلُوَكُمْ أَشَدُّكُمْ ۖ وَمِنْكُمْ مَّنْ يُؤْفَىٰ وَمِنْكُمْ مَّنْ يُّرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمْرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ

مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا ۚ وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ
اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ رَوْحٍ بِهِيجٍ}

{ای مردم، اگر دربارهٔ برانگیخته شدن (در روز قیامت) تردید دارید، (بدانید که) ما شما را از خاک آفریدیم، سپس از نطفه و آنگاه از خون بسته شده، سپس از پاره گوشتی شکل یافته و شکل نیافته؛ (چنین کردیم) تا (قدرت خویش را) برای تان آشکار سازیم؛ و هر چه را که بخواهیم، تا مدتی معین در رَحِم (مادران) نگه می‌داریم، آن گاه شما را به صورت نوزادی (در شکم مادران) بیرون می‌آوریم، سپس (پرورش می‌یابید) تا به حد رشد (و بلوغ) خود برسید؛ و از شما کسی هست که (در دوران جوانی) می‌میرد و کسی نیز هست (که آن قدر عمر می‌کند تا) به نهایت فرتوتی (و کهنسالی) می‌رسد، چنان که پس از (آن همه) دانش، (همه را فراموش می‌کند و) چیزی نمی‌داند؛ و (اما مثالی دیگر،) زمین را خشکیده می‌بینی، اما چون آب [باران] بر آن فرو می‌فرستیم، به جنبش درمی‌آید و رشد می‌کند و از هر نوع (گیاه) زیبایی می‌رویند}. [الحج: 5]. الله متعال در این آیه سه دلیل عقلی را ذکر کرده که بر حق بودن رستاخیز دلالت دارد:

1- اینکه الله متعال اولین بار انسان را از خاک آفرید و قادر است کسی را که از خاک آفریده، پس آن که (با مرگ تبدیل به) خاک می‌شود، دوباره به زندگی باز گرداند.

2- کسی که انسان را از نطفه آفریده، می‌تواند پس از مرگ، او را به زندگی بازگرداند.

3- کسی که زمین را پس از مرگش، با باران به زندگی باز می‌گرداند، قادر است که مردم را پس از مرگشان به زندگی برگرداند و این آیه دلیل بزرگی است بر اعجاز قرآن کریم، اینکه چگونه این آیه- که آیه‌ای طولانی نیست - سه برهان عقلی شگفت‌انگیز را دربارهٔ یک مسئله مهم در خود جای داده است.

و الله متعال می‌فرماید:

{ يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ ۚ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ ۖ وَعَدًا عَلَيْنَا ۚ إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ }

{روزی که آسمان را چون طوماری نوشته شده در هم می‌پیچیم (و) همان گونه که نخستین (بار) آفرینش را آغاز کردیم، (بار دیگر) آن را باز می‌گردانیم، (این) وعده‌ای است بر عهدهٔ ما که قطعاً انجامش خواهیم داد}. [الأنبياء: 104]. و الله متعال می‌فرماید:

{ وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ ۖ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ (78) قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ }

{و برای ما مثالی زد و آفرینش خویش را فراموش کرد و گفت: چه کسی این استخوان‌ها را (دوباره) زنده می‌کند درحالی‌که پوسیده است؟ (78)}

بگو: همان ذاتی زنده‌اش می‌کند که نخستین بار آن را پدید آورد و او به هر آفرینشی داناست (79)}. [یس: 78 - 79].
و الله تعالى می‌فرماید:

{ اَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءُ ۚ بَنَاهَا (27) رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا (28)
وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا (29) وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا
(30) أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا (31) وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا (32) }

{(ای منکران معاد) آیا آفرینش شما (بعد از مرگ)
سخت‌تر است یا آسمانی که (الله) آن را بنا کرده است؟ (27)
سقف آن را بر افراشت و گسترش داد و به آن نظم و
ترتیب بخشید و آراسته کرد (28)}

و شب آن را تاریک کرد و روزش را روشن گردانید
(29)

و زمین را پس از آن (آفرید و) گستراند (30)

و از آن، آب (چشمه‌ها و چاه‌ها و) چراگاه‌هایش را بیرون
آورد (31)

و کوه‌ها را محکم و استوار (بر روی زمین) قرار داد
{(32)} [نازعات: 27-32]. در اینجا الله سبحانه و تعالی تبیین
نموده که خلقت انسان از آفرینش آسمان و زمین و آنچه در
آنهاست، دشوارتر نیست و آن که توانسته آسمان‌ها و زمین را
بیافریند، از اینکه انسان را دوباره زنده کند، ناتوان نیست.

13- الله سبحانه و تعالى آدم را از خاک آفرید و نسل او را چنین قرار داد که پس از او فرزند بیاورند و افزون شوند، بنابراین همه انسان‌ها در اصل برابرند و هیچ نژادی بر نژاد دیگر برتری ندارد و هیچ گروهی بر گروه دیگر فضیلتی ندارد مگر بر مبنای تقوا.

الله سبحانه و تعالى آدم را از خاک آفرید و نسل او را چنین قرار داد که پس از او فرزند بیاورند و افزون شوند، بنابراین همه انسان‌ها در اصل برابرند و هیچ نژادی بر نژاد دیگر برتری ندارد و هیچ گروهی بر دیگری فضیلتی ندارد مگر بر مبنای تقوا؛ الله متعال می‌فرماید:

{يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ۚ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ }

{ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ بی‌تردید، بزرگوارترین شما نزد الله پرهیزگارترین شماست، بی‌گمان الله دانای آگاه است}. [حجرات: 13]. و الله متعال می‌فرماید:

{وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا ۚ وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ ۚ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ ۚ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ }

{و الله (پدر) شما (آدم) را از خاک آفرید، سپس (ذریه آدم را) از نطفه آفرید، سپس شما را جفت‌ها (ی یکدیگر) قرار

داد، هیچ (جاندار) ماده‌ای باردار نمی‌شود و زایمان نمی‌کند، مگر با دانش (و آگاهی) الله متعال؛ و هیچ (جاندار) کهنسالی عمر طولانی نمی‌کند و از عمرش کاسته نمی‌گردد، مگر آنکه در کتاب [لوح محفوظ] ثبت شده است، این کار برای الله آسان است. [فاطر: 11]. و الله متعال می‌فرماید:

{هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشْدَّكُمْ ثُمَّ لِيَتَوَخَّأَ ۖ وَمِنْكُمْ مَنْ يُوَفِّي مِنْ قَبْلُ ۖ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ }

{او کسی است که شما را از خاک آفرید، سپس (طی مراحل مختلف) از نطفه و آنگاه خون بسته آفرید، سپس شما را (به صورت) نوزادی (از شکم مادر به دنیا) می‌آورد، سپس رشد می‌کنید تا به کمال نیرو و قوت خود می‌رسید، سپس [بعد از سال‌ها زندگی کردن به مرحله‌ی] سالخوردگی می‌رسید؛ و از (میان) شما کسی است که پیش از این (مرحله) می‌میرد و (به بعضی دیگر از شما مهلت داده می‌شود) تا به وقت معینی برسید و امید است شما (از این نشانه‌های الهی درس عبرت بگیرید تا) بیندیشید. [غافر: 67]. و الله متعال در تبیین اینکه مسیح را با امر کونی آفریده، همانگونه که آدم را با امر کونی از خاک آفرید، می‌فرماید:

{إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ ۖ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ }

{همانا مثال (آفرینش) عیسی نزد الله، همچون مثال (آفرینش) آدم است که او را از خاک آفرید و سپس به او فرمود: پدیدار بشو، پس (بی‌درنگ) پدیدار شد}. [آل عمران: 59]. پیش‌تر در عبارت شماره (2) بیان کردیم که پیامبر - صلی الله علیه وسلم- بیان کرده‌اند که مردم با هم برابرند و کسی بر دیگری برتری ندارد، مگر بر مبنای تقوا.

14- و هر نوزادی بر اصل فطرت به دنیا می‌آید.

هر نوزادی بر اصل فطرت دیده به جهان می‌گشاید، الله متعال می‌فرماید:

{ فَأَوِّمَ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ۚ فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا ۚ لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ }

{روی خود را حنیف و خالصانه به سوی دین (پاک و بی‌آلایش) اسلام برپا دار که الله فطرت مردم را بر اساس آن سرشته است، هیچ تغییری در آفریده‌های الله نیست، این است (راه راست و) دین استوار، ولی بیشتر مردم (این حقیقت را) نمی‌دانند}. [الروم: 30]. منظور از حنیفیت، دین ابراهیم خلیل - علیه السلام - است، الله متعال می‌فرماید:

{ ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا ۚ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ }

{سپس (ای پیامبر) به تو وحی کردیم که از آیین ابراهیم پیروی کن که حنیف (= حق‌گرا) بود و (هرگز) از زمره

مشركان نبود. [النحل: 123]. و رسول الله -صلى الله عليه و سلم- می‌فرماید: «مَا مِنْ مَوْلُودٍ إِلَّا يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ فَأَبَوَاهُ يُهَوِّدَانِهِ أَوْ يُنَصِّرَانِهِ أَوْ يُمَجِّسَانِهِ كَمَا تُنْتَجُ الْبَهِيمَةُ بِبَهِيمَةٍ جَمْعَاءَ هَلْ تُحْسِنُونَ فِيهَا مِنْ جَذَعَاءَ» «مَا مِنْ مَوْلُودٍ إِلَّا يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ فَأَبَوَاهُ يُهَوِّدَانِهِ أَوْ يُنَصِّرَانِهِ أَوْ يُمَجِّسَانِهِ كَمَا تُنْتَجُ الْبَهِيمَةُ بِبَهِيمَةٍ جَمْعَاءَ هَلْ تُحْسِنُونَ فِيهَا مِنْ جَذَعَاءَ». «هیچ نوزادی نیست مگر آن که بر اساس فطرت به دنیا می‌آید، آنگاه پدر و مادرش او را یهودی یا نصرانی یا مجوسی می‌گردانند، همانگونه که نوزاد حیوان هنگام ولادت، صحیح و سالم است؛ آیا هیچ دیده‌اید که حیوانی، گوش بریده بدنیا بیاید». سپس ابوهریره -رضی الله عنه - گفت:

{فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَائِمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ}

{روى خود را خالصانه به سوى دين (پاك و بى‌آلايش) اسلام برپا دار كه الله فطرت مردم را بر اساس آن سرشته است، هيچ تغييرى در آفريده‌هاى الله نيست، اين است (راه راست و) دين استوار، ولى بيشتر مردم (اين حقيقت را) نمى‌دانند. [الروم: 30]. صحيح بخارى (4775). و رسول الله -صلى الله عليه و سلم- می‌فرماید: «أَلَا إِنَّ رَبِّي أَمَرَنِي أَنْ أَعْلِمَكُمْ مَا جَهِلْتُمْ مِمَّا عَلَّمَنِي يَوْمِي هَذَا كُلُّ مَالٍ نَخَلْتُهُ عَبْدًا حَلَالٌ وَإِنِّي خَلَقْتُ عِبَادِي حُنَفَاءَ كُلُّهُمْ وَإِنَّهُمْ أَتَتْهُمْ الشَّيَاطِينُ فَاجْتَالَتْهُمْ عَنْ دِينِهِمْ وَحَرَمْتُ عَلَيْهِمْ مَا أَحَلَلْتُ لَهُمْ وَأَمَرْتُهُمْ أَنْ يُشْرِكُوا بِي مَا لَمْ

أُنْزِلَ بِهِ سُلْطَانًا « أَلَا إِنَّ رَبِّي أَمَرَنِي أَنْ أَعَلِّمَكُمْ مَا جَهِلْتُمْ مِمَّا عَلَّمَنِي يَوْمِي هَذَا كُلُّ مَالٍ نَحَلْتُهُ عَبْدًا حَلَالٌ وَإِنِّي خَلَقْتُ عِبَادِي حُنَفَاءَ كُلَّهُمْ وَإِنَّهُمْ أَتَتْهُمْ الشَّيَاطِينُ فَاجْتَابَتْهُمْ عَنْ دِينِهِمْ وَحَرَمْتُ عَلَيْهِمْ مَا أَحَلَّلْتُ لَهُمْ وَأَمَرْتُهُمْ أَنْ يُشْرِكُوا بِي مَا لَمْ أُنْزِلْ بِهِ سُلْطَانًا». «بدانید که پروردگار مرا امر نموده تا آنچه را که امروز به من یاد داده و آن را نمی‌دانید، به شما بیاموزم، (الله متعال فرمود:) هر آنچه را که (حلال کرده‌ام و) به بنده‌ای داده‌ام برایش حلال است و من بندگانم را موحد آفریدم و همانا شیاطین به نزد آنان آمده و آنها را از دین‌شان برگرداندند و بر آنان چیزهایی را حرام کردند که برای آنان حلال کرده بودم و به آنان امر کردند تا به من شرک ورزند، شرکی که برایش دلیلی نازل نکرده‌ام». به روایت مسلم (2865).

15- و هیچ انسانی، گناهکار یا وارث گناه دیگری به دنیا نمی‌آید.

هیچیک از انسان‌ها گناهکار یا وارث گناه دیگری به دنیا نمی‌آید و الله تعالی ما را آگاه نموده که وقتی آدم - علیه السلام - بر خلاف امر الهی عمل نمود و او و همسرش حوا از آن درخت خوردند، پشیمان شد و توبه کرد و از الله آمرزش خواست و الله نیز به او الهام نمود تا سخنانی پاک به زبان آورد، پس الله توبه آنها را پذیرفت؛ الله متعال می‌فرماید:

{ وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ (35) فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ

عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ ۖ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ ۖ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ (36) فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ ۚ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (37) قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا ۖ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبَعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (38) {

{و گفتیم: ای آدم، تو و همسرت در بهشت سکونت کنید و از (نعمت‌های) آن از هر جا که می‌خواهید، خوش و گوارا بخورید، اما به این درخت نزدیک نشوید (و از ثمره‌ی آن نخورید) که از ستمکاران خواهید شد (35)}

اما شیطان موجب لغزش (و نافرمانی) هر دوی آنان شد، پس الله آنان را از آنچه در آن بودند (که بهشت بود) بیرون کرد و (به همه‌ی آنان) گفتیم: همگی (به روی زمین) فرود آیید، درحالی‌که برخی دشمن برخی دیگر خواهید بود و برای‌تان در زمین، تا مدتی معین قرارگاه و وسیله‌ی بهره‌برداری خواهد بود (36)

آنگاه آدم از پروردگارش کلماتی فرا گرفت (و با آنها درخواست بخشایش نمود) و الله توبه‌ی او را پذیرفت؛ چرا که الله، بسیار توبه‌پذیر مهربان است (37)

گفتیم: همگی از آنجا فرود آیید و هرگاه از جانب من رهنمودی برای‌تان آمد، کسانی که از آن (هدایت) پیروی کنند، نه ترسی بر آنان خواهد بود و نه اندوهگین می‌شوند

{(38)}. [البقرة: 35-38]. وقتی الله متعال توبه آدم را پذیرفته، دیگر بر دوش او گناهی نیست؛ بنابراین نسل و فرزندان او نیز گناه او را که با توبه از بین رفته، به ارث نمی‌برند؛ و اصل بر این است که انسان گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد، الله متعال می‌فرماید:

{وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا ۚ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ۚ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ }

{و هیچکس (کار ناشایستی) انجام نمی‌دهد، مگر آنکه (بار گناهش) بر دوش خود اوست و هیچ گناهکاری بار (گناه) دیگری را به دوش نمی‌کشد، سپس بازگشت (همه) شما به سوی پروردگارتان است، سرانجام (همه) شما را (در روز قیامت، از حقیقت) آنچه در آن اختلاف داشتید، آگاه می‌سازد}. [الأنعام: 164].

و الله متعال می‌فرماید:

{مَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ۚ وَمَنْ ضَلَّٰ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا ۚ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ۚ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا }

{کسی که هدایت یابد (تنها) به نفع خود هدایت یافته است و کسی که گمراه گردد، فقط به زیان خود گمراه شده است و هیچ گناهکاری، بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد؛ و ما هرگز (کسی یا قومی را) عذاب نخواهیم داد، مگر اینکه

پیامبری (در میان آنان) مبعوث کرده باشیم}. [الإسراء: 15].
و الله متعال می‌فرماید:

{وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ۖ وَإِن تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ جِمْلِهَآ لَا يَحْمِلُ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ۖ إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ ۖ وَمَن تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ ۖ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ }

{و هیچ کسی بار گناه دیگری را به دوش نمی‌گیرد و اگر (شخص) گرانباری، (دیگری را) برای حمل بار (گناهان) خویش فراخواند، (چیزی از بار گناهانش) برداشته نمی‌شود، هرچند که او خویشاوند (نزدیکش) باشد؛ (ای پیامبر) تو کسانی را (با این قرآن) هشدار می‌دهی که در نهان از پروردگارشان می‌ترسند و نماز برپا می‌دارند، هر کس (با تقوا نفس خود را از گناهان) پاک کند، یقیناً تنها به سود خود (نفس خویش را) پاک کرده است و بازگشت (همه) به سوی الله است}. [فاطر: 18].

16- و هدف از آفرینش مردم، عبادت کردن الله به یگانگی است.

و مقصود از خلقت انسان‌ها، عبادت موحدانه الله متعال است، الله متعال می‌فرماید:

{وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ }

{و من جن و انسان را خلق نکردم مگر برای اینکه مرا عبادت کنند}. [الذاریات: 56].

17- اسلام، انسان را - چه مرد باشد و چه زن - گرامی داشته و همه حقوقش را برای او تضمین نموده و او را در برابر انتخابها و اعمال و تصرفاتش مسئول دانسته و مسئولیت هر کاری را که به او و دیگری زیان برساند، بر عهده خودش قرار داده است.

اسلام، انسان را - چه مرد باشد و چه زن - گرامی داشته است؛ چرا که الله انسان را برای این آفریده تا جانشینان هم بر روی زمین باشند، الله متعال می‌فرماید:

{وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً }

{و (بیاد بیاور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی قرار خواهم داد}. [البقرة: 30].

این تکریم و بزرگداشت، همه فرزندان آدم را شامل می‌شود، الله متعال می‌فرماید:

{ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا }

{و براستی، ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا (با وسایل نقلیه) حمل کردیم و از انواع (نعمت‌های) پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنان را بر بسیاری

از موجوداتی که آفریده‌ایم، بطور کامل برتری بخشیدیم}.

[الإسراء: 70]. و الله متعال می‌فرماید:

{لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ}

{یقیناً ما انسان را در بهترین صورت و زیباترین سیما آفریده‌ایم}. [التین: 4].

الله، انسان را از این نهی کرده که خود را تابع و ذلیل یک معبود یا یک متبوع (آنکه از او پیروی می‌شود) یا مطاع (آنکه از او اطاعت می‌شود) جز الله قرار دهد، پروردگار متعال می‌فرماید:

{وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ ۖ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ ۖ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ. إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ}

{برخی از مردم، همتایانی غیر از الله را (برای عبادت) بر می‌گزینند و آنها را همچون الله دوست می‌دارند و کسانی که ایمان آورده‌اند بیشترین محبت را با الله دارند؛ و کسانی که (بر خود) ستم کرده‌اند، اگر می‌شد (در دنیا) عذابی را مشاهده کنند که هنگام (قیامت) آن را می‌بینند، (خواهند دانست) که تمام قدرت و عظمت از آن الله است و اینکه الله سخت‌کیفر است (165). آنگاه که رهبران (گمراه‌کننده) از پیروان خود بیزاری می‌جویند و عذاب را می‌بینند و (تمامی) اسبابی (که

موجب نجات‌شان در دنیا می‌شد، همگی) گسیخته می‌گردد}.
 [البقرة: 165-166]. و الله متعال در بیان حال و روز پیروان
 و رهبران باطل در روز قیامت می‌فرماید:

{ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعُّوْا اَنْحُنْ صَدَدًاكُمْ عَنِ الْهُدٰى
 بَعْدَ اِذْ جَاَكُمْ ۖ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِيْنَ (32) وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعُّوْا لِلَّذِيْنَ
 اسْتَكْبَرُوْا بَلْ مَكْرَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ اِذْ تَاْمُرُوْنَ اَنْ تَكْفُرَ بِاللّٰهِ وَنَجْعَلَ لَهُ
 اَنْدَادًا ۚ وَاَسْرُوْا النَّدَامَةَ لَمَّا رَاُوْا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْاَغْلَالَ فِيْ اَعْنَاقِ
 الَّذِيْنَ كَفَرُوْا ۚ هَلْ يُجْزَوْنَ اِلَّا مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ (33) }

{ کسانی که سرکشی (و تکبر) می‌کردند (در پاسخ به)
 کسانی که مستضعف شده بودند، می‌گویند: آیا ما (بودیم که)
 شما را از هدایت - پس از آنکه به سوی‌تان آمد - بازداشتیم؟
 (هرگز) بلکه شما خود گناهکار (و اهل فساد) بودید (32)

کسانی که مستضعف شده بودند (در پاسخ) به کسانی که
 سرکشی می‌کردند، می‌گویند: (چنین نیست) بلکه نیرنگ
 شبانه‌روزی (شما سبب شد که از هدایت بازمانیم) آنگاه که به
 ما دستور می‌دادید به الله کافر شویم و (در قدرت و عبادت)
 همتایانی برایش قرار دهیم، آنان هنگامی که عذاب (الهی) را
 می‌بینند، پشیمانی خود را پنهان می‌کنند و ما غل و زنجیرها
 را در گردن کسانی که کفر ورزیده‌اند می‌اندازیم، آیا جز (به
 کیفر) آنچه انجام می‌دادند، مجازات می‌شوند؟ (33)}. [سبأ:
 32 - 33].

از کمال عدل الله سبحانه و تعالی در روز قیامت آن است که دعوتگران و امامان گمراهگر را و می‌دارد تا گناهان خود و گناهان کسانی را که بدون علم گمراهشان کرده‌اند، بر دوش بکشند، الله متعال می‌فرماید:

{لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۖ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّوهُمْ
بَغَيْرِ عِلْمٍ ۖ إِلَّا سَاءَ مَا يَزُرُونَ}

{تا در روز قیامت، بار گناهان خود را به تمامی بر دوش کشند و (همچنین) برخی از بار گناهان کسانی را که از روی نادانی گمراهشان کرده‌اند؛ آگاه باشید، چه بد است آنچه بر دوش می‌کشند}. [النحل: 25].

اسلام، همه حقوق انسان را در دنیا و آخرت تضمین کرده است و بزرگترین حقوقی که اسلام بر عهده گرفته و تضمین نموده و برای مردم بیان کرده، حق الله بر مردم و حق مردم بر الله است. فعَنْ مُعَاذٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: أَنَا رَدِيفُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: «يَا مُعَاذُ» قُلْتُ: لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ ثُمَّ قَالَ مِثْلَهُ ثَلَاثًا: «هَلْ تَدْرِي مَا حَقُّ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ» قُلْتُ: لَا قَالَ: «حَقُّ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ يَعْبُدُوهُ وَلَا يُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا» ثُمَّ سَارَ سَاعَةً فَقَالَ: «يَا مُعَاذُ» قُلْتُ: لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ قَالَ: "هَلْ تَدْرِي مَا حَقُّ الْعِبَادِ عَلَى اللَّهِ إِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ: أَنْ لَا يَعِذَّبَهُمْ" از معاذ بن جبل -رضی الله عنه- روایت است که می‌گوید: أَنَا رَدِيفُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: «يَا مُعَاذُ» قُلْتُ: لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ ثُمَّ قَالَ مِثْلَهُ ثَلَاثًا: «هَلْ تَدْرِي مَا حَقُّ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ» قُلْتُ: لَا قَالَ: «حَقُّ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ يَعْبُدُوهُ وَلَا يُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا» ثُمَّ سَارَ سَاعَةً فَقَالَ: «يَا مُعَاذُ» قُلْتُ: لَبَّيْكَ

وَسَعْدَيْكَ قَالَ: "هَلْ تَدْرِي مَا حَقُّ الْعِبَادِ عَلَى اللَّهِ إِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ: أَنْ لَا يُعَذِّبَهُمْ". من همراه با پیامبر -صلی الله علیه و سلم- (سوار بر شتر) بودم که فرمود: «ای معاذ». گفتم: گوش به فرمان شما هستم؛ سپس سه بار همانند آن فرمود: «آیا می‌دانی که حق الله بر بندگان چیست؟» گفتم: نه؛ فرمود: «حق الله بر بندگان این است که او را عبادت کنند و چیزی را با او شریک نگردانند». سپس مدتی به حرکت ادامه داد، آنگاه فرمود: «ای معاذ». گفتم: گوش به فرمان شما هستم؛ فرمود: «آیا می‌دانی که حق بندگان بر الله چیست اگر چنین کنند؟ این است که آنان را عذاب ندهد». صحیح بخاری (6840).

اسلام، دین حق، نسل، مال، ناموس و آبروی انسان را برای او تضمین کرده است. رسول الله -صلی الله علیه و سلم- می‌فرماید: «فَإِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ عَلَيْكُمْ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا فِي شَهْرِكُمْ هَذَا فِي بَلَدِكُمْ هَذَا» «فَإِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ عَلَيْكُمْ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا فِي شَهْرِكُمْ هَذَا فِي بَلَدِكُمْ هَذَا». «همانا الله، خون، اموال و ناموس و آبروی‌تان را بر شما حرام کرده است؛ همانند حرمت این روز شما، در این ماه شما، در این سرزمین شما». صحیح بخاری (6501). پیامبر -صلی الله علیه و سلم- این پیمان بزرگ را در (مراسم) حجة الوداع اعلام کرد، مناسبتی که بیش از صد هزار تن از صحابه در آن حضور یافتند؛ و این معنا را تکرار کرد و در روز عید قربان در (مراسم) حجة الوداع بر آن تأکید نمود.

و اسلام، انسان را مسئول سایر انتخاب‌ها و اعمال و تصرفاتش قرار داده است، الله متعال می‌فرماید:

{ وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ ۖ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا أَفْرَأُ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا }

{و هر انسانی اعمال (خیر و شرش) را در گردنش آویخته‌ایم و در روز قیامت کتابی را برایش بیرون می‌آوریم که (تمام اعمال خیر و شری را که انجام داده است) گشوده و مبسوط در برابر خویش می‌بیند (13) (به او می‌گوییم:) کتابت را بخوان، امروز همین کافی است که خود حسابرس خود باشی}. [الإسراء: 13-14]. یعنی هر عملی - چه خیر باشد و چه شر - همراه انسان خواهد بود و به دیگری سپرده نمی‌شود، پس کسی با عمل دیگری محاسبه نمی‌شود و دیگری نیز با عمل غیر خود حسابرسی نخواهد شد، الله متعال می‌فرماید:

{يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ}

{ای انسان، بی‌گمان تو در راه (رسیدن به) پروردگارت سخت تلاش و کوشش می‌کنی؛ و سرانجام او را ملاقات خواهی کرد}. [الانشقاق: 6]. و الله متعال می‌فرماید:

{ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ۚ وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ }

{هرکس به شایستگی عمل کند، به سود خود اوست؛ و هرکس بدی کند، به زیان خویش بدی کرده است؛ و پروردگار تو هرگز به بندگان ستم نمی‌کند}. [فصلت: 46].

و اسلام مسئولیت هر عملی را که باعث زیان رسیدن به خود انسان و زیان زدن به دیگران باشد، بر عهده خود او گذاشته است، الله متعال می‌فرماید:

{وَمَنْ يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَى نَفْسِهِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا}

{و هرکس گناهی مرتکب شود، تنها به زیان خویش مرتکب شده است و همواره الله دانای حکیم است}. [النساء: 111]. و الله متعال می‌فرماید:

{مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَٰئِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا}

{به همین سبب بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هرکس انسانی را بدون اینکه مرتکب قتل نفس یا فساد در زمین شده باشد، بکشد، چنان است که گویی همه‌ی انسان‌ها را کشته باشد و هرکس انسانی را از مرگ نجات دهد، چنان است که گویی همه‌ی انسان‌ها را زنده کرده است}. [المائدة: 32]. و رسول الله -صلی الله علیه و سلم- می‌فرماید: «لَا تُقْتَلُ نَفْسٌ ظُلْمًا إِلَّا كَانَ عَلَى ابْنِ آدَمَ الْأَوَّلِ كِفْلٌ مِنْ دَمِهَا لِأَنَّهُ كَانَ أَوَّلَ مَنْ سَنَّ الْقَتْلَ» «لَا تُقْتَلُ نَفْسٌ ظُلْمًا إِلَّا كَانَ عَلَى ابْنِ آدَمَ الْأَوَّلِ كِفْلٌ مِنْ دَمِهَا»

لَأَنَّهُ كَانَ أَوَّلَ مَنْ سَنَّ الْقَتْلَ». «کسی مظلومانه به قتل نمی‌رسد مگر آن که بخشی از خون او بر گردن فرزند نخست آدم است؛ زیرا او نخستین کسی بود که رسم قتل (انسان) را بر جای نهاد». صحیح مسلم (5150).

18- اسلام مرد و زن را از نظر عمل، مسئولیت و جزا و پاداش برابر دانسته است.

اسلام مرد و زن را از جهت عمل، مسئولیت و جزا و پاداش برابر دانسته است، الله متعال می‌فرماید:

{وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا}

{و کسی که چیزی از کارهای شایسته را انجام دهد، چه مرد باشد یا زن، درحالی‌که مؤمن باشد، اینان به بهشت داخل می‌شوند و کمترین ستمی (به اندازه‌ی گودی پشت هسته‌ی خرما) به آنها نخواهد رسید}. [النساء: 124]. و الله متعال می‌فرماید:

{مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً ۖ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ}

{هر کسی که کار شایسته‌ای انجام دهد، (خواه) مرد باشد یا زن، درحالی‌که او مؤمن است، او را به حیاتی پاک و پسندیده زنده می‌داریم و مسلماً پاداش‌شان را به (حسب)

بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، به آنها می‌دهیم}. [النحل: 97]. و الله متعال می‌فرماید:

{ مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا ۖ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنشَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ }

{هرکس کار بدی مرتکب شود، جز به همسان آن، کیفر داده نمی‌شود؛ و هرکسی خواه مرد باشد یا زن و او مؤمن باشد، کار شایسته‌ای انجام دهد، پس آنان وارد بهشت می‌شوند و در آن روزی بی‌شمار به آنها داده خواهد شد}. [غافر: 40]. و الله متعال می‌فرماید:

{ إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا }

{همانا مردان مسلمان و زنان مسلمان و مردان مؤمن و زنان مؤمن و مردان فرمانبردار و زنان فرمانبردار و مردان راستگو و زنان راستگو و مردان شکیبا و زنان شکیبا و مردان فروتن و زنان فروتن و مردان انفاق‌گر و زنان انفاق‌گر و مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار و مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردان و زنانی که الله را بسیار یاد می‌کنند، الله

برای (همگی) آنان آمرزش و پاداشی بزرگ فراهم نموده است. [الأحزاب: 35].

19- اسلام، زن را گرامی داشته و زنان را همسان مردان دانسته و مرد را ملزم نموده که در صورت توانایی، نفقه زن را بپردازد، بنابراین نفقه دختر بر عهده پدر است و نفقه مادر بر عهده فرزند او واجب است در صورتی که بالغ و توانا باشند و نفقه زن بر عهده همسر اوست.

اسلام، زنان را همسان مردان دانسته است. رسول الله - صلی الله علیه و سلم - می‌فرماید: «إِنَّ النِّسَاءَ شَقَائِقُ الرِّجَالِ» «إِنَّمَا النِّسَاءُ شَقَائِقُ الرِّجَالِ». «همانا زنان، همسان مردانند». به روایت ترمذی (113).

از جلوه‌های بزرگداشت زنان در اسلام این است که اسلام نفقه مادر را بر عهده فرزندش گذاشته است، مشروط به اینکه فرزند توانایی مالی داشته باشد. رسول الله - صلی الله علیه و سلم - می‌فرماید: «يَدُ الْمُعْطَى الْعُلْيَا أُمُّكَ وَأَبَاكَ وَأُخْتُكَ وَأَخَاكَ ثُمَّ أَدْنَاكَ أَدْنَاكَ» «يَدُ الْمُعْطَى الْعُلْيَا أُمُّكَ وَأَبَاكَ وَأُخْتُكَ وَأَخَاكَ ثُمَّ أَدْنَاكَ أَدْنَاكَ». «منزلت دست بخشنده بالاتر است، (پس در بخشیدن اول از) مادرت و پدرت و خواهرت و برادرت، سپس نزدیکتر و نزدیکتر (آغاز کن)». امام احمد آن را در مسند خود روایت کرده است. در موضوع شماره (29) به یاری الله متعال به بیان جایگاه پدر و مادر خواهیم پرداخت.

از دیگر جلوه‌های بزرگداشت زنان در اسلام این است که شوهر را ملزم کرده تا در صورت توانایی مالی، نفقه‌ی همسرش را تأمین کند. الله متعال می‌فرماید:

{لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ ۖ وَمَن قُدِرَ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ ۚ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا ۚ سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا}

{کسانی که دارا (و ثروتمند) هستند، باید از دارایی (و ثروت) خود (بر زن مطلقه و فرزندش) خرج کنند و کسی که تنگدست است، باید از آنچه الله به او داده (و در توانش هست) خرج کند، الله هیچ کسی را جز به اندازه‌ای که به او (توان) داده است، مکلف نمی‌کند، الله به زودی بعد از سختی (و تنگدستی) آسانی (و گشایش) را فراهم می‌آورد}. [الطلاق:

7]. وَسَأَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلًا: مَا حَقُّ الْمَرْأَةِ عَلَى الزَّوْجِ؟ قَالَ: «تُطْعِمُهَا إِذَا طَعِمْتَ وَتَكْسُوهَا إِذَا اكْتَسَيْتَ وَلَا تَضْرِبَ الْوَجْهَ وَلَا تُفَيِّحَ» مردی از پیامبر -صلی الله علیه وسلم- پرسید: حق زن بر شوهرش چیست؟ فرمود: «تُطْعِمُهَا إِذَا طَعِمْتَ وَتَكْسُوهَا إِذَا اكْتَسَيْتَ وَلَا تَضْرِبَ الْوَجْهَ وَلَا تُفَيِّحَ». «هنگامی که غذا می‌خوری به او نیز غذا بده و هنگامی که برای خود لباس تهیه کردی، برای او نیز تهیه کن؛ و هیچوقت به چهره ضربه نزن و او را زشت نخوان». امام احمد آن را روایت کرده است. و رسول الله -صلی الله علیه وسلم- در تبیین پاره‌ای از حقوق زنان بر شوهران می‌فرماید: «وَلَهُنَّ عَلَيْكُم رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» «وَلَهُنَّ عَلَيْكُم رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ

بِالْمَعْرُوفِ». «و روزی و لباس آنان بر اساس عرف (و عادت) بر شما واجب است». صحیح مسلم. و رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «كَفَى بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يُضَيِّعَ مَنْ يَقُوتُ» «كَفَى بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يُضَيِّعَ مَنْ يَقُوتُ». «برای گناه‌کار بودن انسان همین کافی‌ست که (تأمین هزینه‌های زندگی) کسانی را که قوت آنان بر عهدهٔ اوست، ضایع سازد». امام احمد آن را روایت کرده است. امام خطابی می‌گوید: مقصود از عبارت: «من یقوت» کسانی است که قوت و مایحتاج آنان بر عهدهٔ اوست، گویا به صدقه دهنده می‌گوید: «برای طلب پاداش صدقه نده مگر از مقدار افزون بر هزینه‌های خانواده‌ات؛ در غیر این صورت صدقه تبدیل به گناه می‌شود، وقتی حق آنان را ضایع کنی».

از دیگر جلوه‌های بزرگداشت زنان در اسلام این است که نفقهٔ دختر را بر عهدهٔ پدر گذاشته است، الله متعال می‌فرماید: {وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ ۖ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ ۖ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ}

{و مادران (باید) دو سال کامل به فرزندان‌شان شیر دهند، (این) برای کسی است که قصد دارد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند و خوراک و لباس آنان بر اساس عرف بر عهده پدر است}. [البقرة: 233]. پس الله متعال بیان فرموده است که هزینه‌ی غذا و لباس کودک بر اساس عرف بر عهدهٔ پدر اوست؛ و می‌فرماید:

{ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ }

{پس اگر فرزندان تان را شیر دادند، اجرت شیر دادن شان را به آنها بپردازید}. [الطلاق: 6]. الله متعال هزینه شیر دادن به کودک را بر عهده پدر گذاشته است و این دال بر آن است که نفقه فرزندان بر عهده پدر است و فرزند شامل پسر و دختر می شود؛ و حدیث بعدی دال بر وجوب نفقه همسر و فرزندان بر پدر می باشد: عائشه - رضی الله عنها - روایت کرده است که هند به پیامبر -صلی الله علیه وسلم- گفت: ابوسفیان مردی بخیل است و نیاز دارم که از مال او بردارم، ایشان فرمودند: «خُذِي مَا يَكْفِيكِ وَوَلَدَكَ بِالْمَعْرُوفِ» «خُذِي مَا يَكْفِيكِ وَوَلَدَكَ بِالْمَعْرُوفِ». «بر اساس عرف، به اندازه ای که برای خود و فرزندان کافی است، (از مال او) بردار". صحیح بخاری. پیامبر بزرگوار، فضیلت هزینه کردن برای دختران یا خواهران را بیان کرده و می فرماید: «مَنْ عَالَ ابْنَتَيْنِ أَوْ ثَلَاثَ بَنَاتٍ أَوْ أُخْتَيْنِ أَوْ ثَلَاثَ أَخَوَاتٍ حَتَّى يَبِينَ أَوْ يَمُوتَ عَنْهُنَّ كُنْتُ أَنَا وَهُوَ كَهَاتَيْنِ. وَأَشَارَ بِأَصْبُعِهِ السَّبَّابَةِ وَالْوُسْطَى» «مَنْ عَالَ ابْنَتَيْنِ أَوْ ثَلَاثَ بَنَاتٍ أَوْ أُخْتَيْنِ أَوْ ثَلَاثَ أَخَوَاتٍ حَتَّى يَبِينَ أَوْ يَمُوتَ عَنْهُنَّ كُنْتُ أَنَا وَهُوَ كَهَاتَيْنِ». وَأَشَارَ بِأَصْبُعِهِ السَّبَّابَةِ وَالْوُسْطَى. «هرکس سرپرستی دو دختر یا سه دختر یا دو خواهر یا سه خواهر را بر عهده گیرد تا آنکه بالغ شوند یا آن که (در حال سرپرستی) آنان از دنیا برود، من و چنین

شخصی مانند این دو خواهیم بود». و به انگشت سبابه و میانی خود اشاره کرد. السلسلة الصحيحة (296).

20- و مرگ به معنای فنای ابدی نیست، بلکه انتقال از سرای عمل به سرای پاداش است؛ و مرگ هم بدن و هم روح را در بر می‌گیرد و مرگ روح جدا شدنش از بدن است که بعد از رستاخیز در روز قیامت، به بدن باز می‌گردد و روح پس از مرگ به بدنی دیگر منتقل نمی‌شود و در بدنی دیگر تناسخ نمی‌پذیرد.

مرگ به معنای فنای ابدی نیست، الله متعال می‌فرماید:

{قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ}

{(ای پیامبر) بگو: فرشته مرگ که بر شما گماشته شده است، جان‌تان را می‌گیرد، آنگاه به سوی پروردگارتان بازگردانده می‌شوید}. [السجدة: 11]. مرگ، بدن و روح را در بر می‌گیرد و مرگ روح همان جدا شدنش از بدن است که بعد از رستاخیز در روز قیامت به بدن باز می‌گردد، الله متعال می‌فرماید:

{اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا ۖ فِيمِصْرِكِ
الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ إِنَّ فِي
ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ}

{الله جان‌ها را به هنگام مرگشان قبض می‌کند و (نیز) جان کسی را که نمرده است، به هنگام خوابش (می‌گیرد)،

آنگاه جان‌های کسانی که فرمان مرگشان را صادر کرده، نگه می‌دارد و جان دیگران را تا هنگام معین (مرگشان) بازپس می‌فرستد، بی‌گمان در این (امر) نشانه‌هاییست برای قومی که می‌اندیشند. [الزمر: 42]. و رسول الله - صلی الله علیه و سلم - می‌فرماید: «إِنَّ الرُّوحَ إِذَا قُبِضَ تَبِعَهُ الْبَصَرُ» «إِنَّ الرُّوحَ إِذَا قُبِضَ تَبِعَهُ الْبَصَرُ». «هرگاه روح قبض شود، چشم آن را دنبال می‌کند». صحیح مسلم (920). پس از مرگ، انسان از سرای عمل به سرای پاداش منتقل می‌شود، الله متعال می‌فرماید:

{ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا ۖ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا ۖ إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ ۖ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ }

{بازگشت همه شما به سوی اوست، وعده الله حق است، بی‌گمان او آفرینش را آغاز می‌کند، آنگاه (پس از مرگ) آن را باز می‌گرداند تا کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، به عدالت پاداش دهد و کسانی که کافر شده‌اند، بسبب کفرشان برای آنان نوشیدنی از آب جوشان، و عذابی دردناک است. [یونس: 4].

و روح پس از مرگ به بدنی دیگر منتقل نمی‌شود و تناسخ نمی‌پذیرد؛ و ادعای تناسخ نه دلیلی از عقل دارد و نه حس و هیچ سخنی از پیامبران دال بر این عقیده وارد نشده است.

21- اسلام به اصول بزرگ ایمان و باور داشتن به آنها فرا می‌خواند، و این اصول عبارتند از: ایمان به الله و ملائکه او، ایمان به کتاب‌های الهی مانند تورات و انجیل و زبور - پیش از تحریف آنها - و قرآن؛ و ایمان به همه پیامبران و فرستادگان - علیهم السلام - و ایمان به آخرین پیامبران یعنی محمد رسول الله، خاتم انبیا و مرسلین؛ و ایمان به آخرت؛ و اینکه بدانیم اگر زندگی دنیا پایان کار بود، زندگی وجود، بیهودگی محض بود؛ و همچنین ایمان به قضا و قدر.

اسلام به سوی ایمان و باور به اساسیات بزرگ ایمان فرا می‌خواند، اصولی که همه پیامبران و رسولان - علیهم السلام - به آن فراخواندند، یعنی:

اول: ایمان به الله به عنوان پروردگار و آفریدگار و روزی‌دهنده و تدبیرگر این جهان است و اینکه تنها او شایسته‌ی عبادت است و عبادت هر چیزی جز او باطل است؛ و هر معبودی جز او باطل است و عبادت تنها لایق و شایسته‌ی اوست و عبادت تنها برای او درست است و بس. ادله این مساله در بند شماره‌ی (8) بیان شده است.

الله سبحانه و تعالی این اصول بزرگ را در آیات زیادی آورده است که در سوره‌های قرآن پراکنده هستند، از جمله اینکه الله متعال می‌فرماید:

{آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ ۚ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ ۚ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۚ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ }

{پیامبر به آنچه که از (سوی) پروردگارش بر او نازل شده ایمان آورده است و مؤمنان؛ همگی به الله و فرشتگانش و کتاب‌هایش و پیامبرانش ایمان آورده‌اند (و سخن‌شان این است که): میان هیچیک از پیامبرانش فرق نمی‌گذاریم (و به همه ایمان داریم) و گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم؛ پروردگارا، آمرزش تو را (خواه‌انیم) و بازگشت (تمام امور) به سوی توست}. [البقرة: 285]. و الله متعال می‌فرماید:

{أَلَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا ۚ وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ ۚ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ }

{نیکی (فقط) این نیست که (برای نماز) روی خود را به سوی مشرق و (یا) مغرب بگردانید، بلکه نیکی آن است که کسی به الله و روز قیامت و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیامبران ایمان آورد و مال (خود) را با وجود دوست داشتنش به خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان و

درخواست کنندگان (گدایان) و در (راه آزادی) بردگان ببخشد و نماز برپا دارد و زکات بپردازد؛ و (نیز) کسانی که چون عهد می‌بندند به پیمان‌شان وفا می‌کنند و (کسانی که) در فقر و سختی و زیان و بیماری و به هنگام (شدت گرفتن) نبرد، (پایداری و) شکیبایی می‌کنند، آنان (که به این ویژگی‌ها آراسته‌اند) کسانی هستند که راست گفتند و همانان پرهیزگار اند. [البقرة: 177]. الله متعال به ایمان آوردن به این اصول فرا خوانده و تبیین نموده که هر کس به آن کفر ورزد، دچار گمراهی دور و درازی شده است، الله متعال می‌فرماید:

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنزَلَ مِنْ قَبْلُ ۚ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا}

{ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به الله و پیامبرش و کتابی که بر فرستاده‌اش نازل کرده است و (به هر) کتابی که پیش از این فرستاده است، ایمان بیاورید (و بر آن پایدار باشید) و هر کس به الله و فرشتگان او و کتاب‌ها و پیامبران‌ش و روز قیامت کفر بورزد، بی‌تردید در گمراهی دور و درازی افتاده است. [النساء: 136]. و در حدیث، از عمر بن خطاب -

رضی الله عنه - روایت است که فرمود: (بَيْنَمَا نَحْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ يَوْمٍ إِذْ طَلَعَ عَلَيْنَا رَجُلٌ شَدِيدُ بَيَاضِ الثِّيَابِ شَدِيدُ سَوَادِ الشَّعْرِ لَا يَرَى عَلَيْهِ أَثَرُ السَّفَرِ وَلَا يَعْرِفُهُ مِنَّا أَحَدٌ

حَتَّى جَلَسَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَسْنَدَ رُكْبَتَيْهِ إِلَى رُكْبَتَيْهِ
وَوَضَعَ كَفَّيْهِ عَلَى فَخْذَيْهِ وَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ أَخْبِرْنِي عَنِ الْإِسْلَامِ فَقَالَ
رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْإِسْلَامُ أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَتُقِيمَ الصَّلَاةَ وَتُؤْتِيَ
الزَّكَاةَ وَتَصُومَ رَمَضَانَ وَتَحُجَّ الْبَيْتَ إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» قَالَ:
صَدَقْتَ قَالَ: فَعَجَبْنَا لَهُ يَسْأَلُهُ وَيُصَدِّقُهُ قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِيمَانِ قَالَ:
«أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ
خَيْرِهِ وَشَرِّهِ» قَالَ: صَدَقْتَ قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِحْسَانِ قَالَ: «أَنْ
تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ» (بَيْنَمَا نَحْنُ عِنْدَ
رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ يَوْمٍ إِذْ طَلَعَ عَلَيْنَا رَجُلٌ شَدِيدُ
بَيَاضِ الثِّيَابِ شَدِيدُ سَوَادِ الشَّعْرِ لَا يَرَى عَلَيْهِ أَثَرِ السَّفَرِ وَلَا
يَعْرِفُهُ مِنَّا أَحَدٌ حَتَّى جَلَسَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَسْنَدَ
رُكْبَتَيْهِ إِلَى رُكْبَتَيْهِ وَوَضَعَ كَفَّيْهِ عَلَى فَخْذَيْهِ وَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ
أَخْبِرْنِي عَنِ الْإِسْلَامِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:
«الْإِسْلَامُ أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَتُقِيمَ الصَّلَاةَ وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ وَتَصُومَ رَمَضَانَ
وَتَحُجَّ الْبَيْتَ إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» قَالَ: صَدَقْتَ قَالَ: فَعَجَبْنَا
لَهُ يَسْأَلُهُ وَيُصَدِّقُهُ قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِيمَانِ قَالَ: «أَنْ تُؤْمِنَ
بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ
وَشَرِّهِ» قَالَ: صَدَقْتَ قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِحْسَانِ قَالَ: «أَنْ تَعْبُدَ
اللَّهُ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ» (روزی نزد پیامبر
صلی الله علیه وسلم- بودیم که ناگهان مردی با لباسی به شدت
سفید و موی به شدت سیاه وارد شد که نه اثر سفر بر او دیده

می‌شد و نه کسی از ما او را می‌شناخت، تا آن که نزد پیامبر -صلی الله علیه وسلم- (در روبرویش) نشست و زانوانش را به زانوان پیامبر چسباند و دستانش را بر روی ران‌هایش گذاشت و گفت: ای محمد، درباره اسلام به من بگو؟ پس رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرمود: «اسلام این است که شهادت دهی معبودی (به حق) جز الله نیست و اینکه محمد صلی الله علیه وسلم فرستاده الله است، و نماز را برپا بداری و زکات پرداخت کنی و رمضان را روزه بگیری و در صورت توانایی به حج خانه (کعبه) بروی». سپس گفت: راست گفتی، (عمر -رضی الله عنه- می‌گوید:) از کار او تعجب کردیم که سوال می‌پرسد و سپس می‌گوید راست گفتی! آنگاه گفت: پس درباره ایمان به من بگو؟ فرمود: «اینکه به الله و ملائکه او و کتاب‌هایش و پیامبرانش و روز آخرت ایمان بیاوری و به تقدیر - خیر و شرش - ایمان بیاوری». آنگاه گفت: راست گفتی؛ سپس گفت: پس درباره احسان به من بگو؟ فرمود: «این است که الله را طوری عبادت کنی که گویا او را می‌بینی، پس اگر او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند». صحیح مسلم (8). در این حدیث، جبرئیل نزد پیامبر -صلی الله علیه وسلم- آمد و درباره مراتب دین یعنی اسلام و ایمان و احسان پرسید؛ و پیامبر -صلی الله علیه وسلم- به او پاسخ داد، سپس محمد -صلی الله علیه وسلم- به اصحابش -رضی الله عنهم- خبر داد که این شخص جبرئیل -علیه السلام- بود و آمده بود

تا (از طریق پرسیدن پرسش‌های مهم) دین‌شان را به آنان آموزش دهد. این اسلام است، پیامی الهی که جبرئیل - علیه السلام - (از آسمان به زمین) منتقل کرده و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به مردم ابلاغ کرده است؛ و اصحاب ایشان - رضی الله عنهم - حفظش کرده و پس از ایشان به (سایر) مردم ابلاغ نمودند.

دوم: ایمان به ملائکه؛ عالم ملائکه عالمی غیبی است؛ الله آنان را آفریده و به شکلی معین قرار داده و کارهای بزرگی را بر عهده آنان گذاشته است که از بزرگترین کارهای آنان، ابلاغ پیام‌های الهی به رسولان و پیامبران - علیهم السلام - است و گرامی‌ترین ملائکه، جبرئیل علیه السلام است؛ و از جمله آیاتی که بر نزول جبرئیل علیه السلام با وحی بر پیامبران علیهم الصلاة والسلام دلالت دارد، این آیات است که الله متعال می‌فرماید:

{يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْزِلُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ}

{به فرمان خویش فرشتگان را با وحی بر هریک از بندگان که بخواهد نازل می‌کند (با این پیام) که: (ای پیامبران، مردم را از شرک و رزیدن به الله) بیم دهید (و به آنان بگویید که) معبودی (به حق) جز من نیست، پس (ای مردم) از من پروا کنید}. [النحل: 2]. و الله متعال می‌فرماید:

{ وَإِنَّهُ لَنَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (192) نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ (193)
عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ (194) بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ (195)
وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ (196) }

{ و همانا (این) قرآن نازل شده (از سوی) پروردگار
جهانیان است (192)

روح الامین (جبرئیل) آن را (از سوی پروردگار) فرود
آورده است (193)

بر قلب تو (نازل کرده) تا بیم‌دهنده باشی (194)

(آن را) به زبان عربی روشن (نازل نمود) (195)

و همانا، (بشارت نزول) آن، در کتاب‌های پیشین (آمده)
است (196). [الشعراء: 192-196].

سوم: ایمان به کتاب‌های الهی مانند تورات و انجیل و زبور
- پیش از تحریف آنها - و همچنین قرآن؛ الله متعال می‌فرماید:

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى
رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنزَلَ مِنْ قَبْلُ ۚ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ
وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا }

{ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به الله و پیامبرش و کتابی
که بر او نازل کرده است و (به هر) کتابی که پیش از این
فرستاده است ایمان بیاورید (و بر آن پایدار باشید) و هرکس
به الله و فرشتگان او و کتاب‌ها و پیامبران او و روز قیامت کفر

بورزد، بی‌تردید، در گمراهی دور و درازی افتاده است}.

[النساء: 136]. و الله متعال می‌فرماید:

{نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابُ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنزَلَ التَّوْرَةَ
وَإِلْجِيلَ (3) مِنْ قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَأَنزَلَ الْفُرْقَانَ ۚ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۚ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ (4) }

{کتاب (قرآن) را که تصدیق کننده‌ی کتاب‌های (آسمانی)
پیشین است، به درستی بر تو نازل کرد و تورات و انجیل را...}

(3)

پیش از آن برای هدایت مردم نازل کرد و (همچنین)
فرقان را (که جداکننده حق از باطل است) نازل نمود؛ همانا
کسانی که به آیات الله کافر شدند، برای آنان عذاب سختی (در
پیش) است و الله شکست‌ناپذیر انتقام‌گیرنده است (4). {آل
عمران: 3-4}. و الله متعال می‌فرماید:

{ءَامَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ ۚ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَامَنَ بِاللَّهِ
وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ ۚ وَقَالُوا سَمِعْنَا
وَأَطَعْنَا ۚ غُفْرَانُكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ }

{رسول (الله) به آنچه که از (سوی) پروردگارش بر او
نازل شده ایمان آورده است و (همچنین) مؤمنان؛ همگی به
الله و فرشتگان و کتاب‌ها و پیامبرانش ایمان آورده‌اند (و
سخن‌شان این است که): میان هیچیک از پیامبرانش فرق
نمی‌گذاریم (و به همه ایمان داریم) و گفتند: شنیدیم و اطاعت

کردیم؛ پروردگارا، آمرزش تو را (خواهانیم) و بازگشت (تمام امور) به سوی توست}. [البقرة: 285]. و الله متعال می‌فرماید:

{ قُلْ ءَامَنَّا بِاللّٰهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ }

{(ای پیامبر) بگو: به الله و به آنچه بر ما نازل شده است ایمان آوردیم و (همچنین به) آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط (پیامبرانی که از نوادگان یعقوب) نازل گردیده است و آنچه که بر موسی و عیسی و (دیگر) پیامبران از جانب پروردگارشان داده شده ایمان آوردیم، میان هیچیک از آنان فرقی نمی‌گذاریم و تسلیم او هستیم}. [آل عمران: 84].

چهارم: ایمان به همه انبیا و رسولان - علیهم السلام -؛ ایمان به همه انبیا و مرسلین - علیهم السلام - و اعتقاد به اینکه همه آنان فرستادگانی از سوی الله هستند و پیام‌های الله و شریعت او را به امت‌های‌شان می‌رسانند، واجب است؛ الله متعال می‌فرماید:

{ قُولُوا آمَنَّا بِاللّٰهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ }

{بگوئید: ما به الله ایمان آورده ایم و به آنچه که بر ما نازل شده است و به آنچه که بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان (یعقوب) نازل گردید و (همچنین) به آنچه که به موسی و عیسی داده شده است و به آنچه که به (دیگر) پیامبران از طرف پروردگارشان داده شده است و میان هیچیک از ایشان تفاوت نمی‌گذاریم و ما (همگی) تسلیم الله هستیم}. [البقرة: 136]. و الله متعال می‌فرماید:

{ أَمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ ۚ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ ۚ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۚ غُفْرَانُكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ }

{رسول (الله) به آنچه که از (سوی) پروردگارش بر او نازل شده ایمان آورده است و مؤمنان (نیز)؛ همگی به الله و فرشتگان و کتاب‌هایش و پیامبرانش ایمان آورده‌اند (و گفتند): میان هیچیک از پیامبرانش فرق نمی‌گذاریم (و به همه ایمان داریم) و گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم؛ پروردگارا، آمرزش تو را (می‌طلبیم) و بازگشت (همه‌ی امور) به سوی توست}. [البقرة: 285]. و الله متعال می‌فرماید:

{ قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ }

{(ای پیامبر) بگو: به الله و آنچه بر ما نازل شده است ایمان آورديم و (همچنين به) آنچه بر ابراهيم و اسماعيل و اسحاق و يعقوب و (پيامبرانى كه از) نوادگان (يعقوب بودند) نازل گرديده است و آنچه به موسى و عيسى و (ديگر) پيامبران از جانب پروردگارشان داده شده است، (ايمان آورده ايم و) ميان هيچيك از آنان فرقى نمى گذاريم و تسليم (اوامر) او هستيم}. [آل عمران: 84].

و اينكه به خاتم پيامبران و رسولان يعنى محمد رسول الله صلى الله عليه وسلم- ايمان بياورد، الله متعال مى فرمايد:

{ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنَاكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ }

{و (به ياد بياوريد) هنگامى كه الله از پيامبران عهد و پيمان گرفت (و فرمود:) هرگاه به شما كتاب و حكمتى دادم سپس پيامبرى به سوى شما آمد كه آنچه را با شماست تصديق مى كند، بايد به او ايمان آوريد و به او يارى رسانيد، (آنگاه) فرمود: آيا اقرار كرديد و پيمان محكم مرا در اين باره پذيرفتيد؟ (آنان) گفتند: اقرار كرديم، (الله) فرمود: پس (بر خود و امت هاى تان) گواه باشيد و من (نيز) با شما از گواهي دهندگانم}. [آل عمران: 81].

بنابر این اسلام، ایمان آوردن به همه انبیا و رسولان را به طور کلی واجب می‌داند؛ و ایمان به خاتم آنان یعنی پیامبر خدا - محمد صلی الله علیه وسلم - را نیز واجب می‌داند، الله متعال می‌فرماید:

{قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ}

{بگو: ای اهل کتاب تا (هنگامی که) به تورات و انجیل و آنچه از پروردگارتان به سوی شما نازل شده است عمل نکرده‌اید، بر هیچ (آیین درستی) نیستید}. [المائدة: 68]. و الله متعال می‌فرماید:

{قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ}

{بگو: ای اهل کتاب بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است اینکه جز الله را عبادت نکنیم و چیزی را شریک او نسازیم؛ و بعضی از ما برخی دیگر را به جای الله به معبودی نگیرد، پس اگر (از این دعوت) روی گردانند، بگویید: گواه باشید که ما مسلمانیم}. [آل عمران: 64].

و هرکسی که به یک پیامبر کافر شود در حقیقت به همه انبیا و رسولان -علیهم السلام- کفر ورزیده است، از همین رو الله متعال در حکم خود بر قوم نوح می‌فرماید:

{ كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ }

{قوم نوح، پیامبران را دروغگو انگاشتند}. [الشعراء: 105]. مشخص است که پیش از نوح - علیه السلام - رسولی نبوده، با این همه همین که قومش او را تکذیب نمودند، این تکذیب، تکذیب همهٔ انبیا و رسولان تلقی شد؛ زیرا دعوت و غایت همهٔ پیامبران یکی است.

پنجم: ایمان به روز آخرت یعنی روز قیامت؛ در پایان زندگی دنیا، الله متعال به اسرافیل که یکی از ملائکه است، امر می‌کند تا یکبار در صور بدمد، پس اولین نفخ دهشت‌آور را می‌دمد که باعث مدهوش شدن و مرگ هرکسی می‌شود که الله بخواهد، الله متعال می‌فرماید:

{ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ۖ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ }

{و در صور دمیده می‌شود؛ آنگاه هر کسی که در آسمان‌ها و در زمین است، مدهوش شده (و می‌میرد)، مگر کسی که الله بخواهد؛ آنگاه بار دیگر در آن دمیده می‌شود و ناگهان همگی (زنده می‌شوند و) بر می‌خیزند و می‌نگرند}. [الزمر: 68]. و وقتی همهٔ کسانی که در آسمان و زمین هستند، جز آنکه الله بخواهد، مردند، الله آسمان‌ها و زمین را در هم می‌پیچد، چنانکه می‌فرماید:

{يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ لِلْكِتَابِ ۖ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ
 ۖ وَغَدَاً عَلَيْنَا ۖ إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ }

{روزی که آسمان را چون طوماری نوشته شده در هم می‌پیچیم (و) همانطور که نخستین (بار) آفرینش را آغاز کردیم، (بار دیگر) آن را باز می‌گردانیم، (این) وعده‌ای است بر عهده‌ی ما که قطعاً انجامش خواهیم داد. [الأنبياء: 104]. و الله متعال می‌فرماید:

{ وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
 وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ ۖ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ }

{ و آنان الله را چنانکه سزاوار اوست، ارج ننهادند، حال آنکه در روز قیامت، زمین یک‌سره در قبضه اوست و آسمان‌ها در دست راست او در هم پیچیده خواهند شد، الله منزّه و برتر است از آنچه شریک او می‌پندارند. [الزمر: 67]. و رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: «يَطْوِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ السَّمَاوَاتِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ يَأْخُذُهَا بِيَدِهِ الْيُمْنَى ثُمَّ يَقُولُ: أَنَا الْمَلِكُ أَيْنَ الْجَبَّارُونَ؟ أَيْنَ الْمُتَكَبِّرُونَ. ثُمَّ يَطْوِي الْأَرْضَ بِيَمِينِهِ ثُمَّ يَقُولُ: أَنَا الْمَلِكُ أَيْنَ الْجَبَّارُونَ؟ أَيْنَ الْمُتَكَبِّرُونَ؟» «يَطْوِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ السَّمَاوَاتِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ يَأْخُذُهَا بِيَدِهِ الْيُمْنَى ثُمَّ يَقُولُ: أَنَا الْمَلِكُ أَيْنَ الْجَبَّارُونَ؟ أَيْنَ الْمُتَكَبِّرُونَ. ثُمَّ يَطْوِي الْأَرْضَ بِيَمِينِهِ ثُمَّ يَقُولُ: أَنَا الْمَلِكُ أَيْنَ الْجَبَّارُونَ؟ أَيْنَ الْمُتَكَبِّرُونَ؟» «الله عزوجل در روز قیامت آسمان‌ها را در هم می‌پیچد، سپس آنها را در دست راست خود می‌گیرد، آنگاه می‌فرماید: من پادشاهم،

کجایند ستمگران؟ کجایند متکبران؟ سپس زمین را به دست
چپ خود گرفته، آنگاه می‌فرماید: من پادشاهم، کجایند
ستمگران؟ کجایند متکبران؟». به روایت مسلم.

سپس الله متعال فرشته را امر می‌کند و بار دیگر در صور
می‌دمد که ناگهان همگی (زنده می‌شوند و) بر می‌خیزند و
می‌نگرند؛ الله متعال می‌فرماید:

{ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ}

{آنگاه بار دیگر در آن دمیده می‌شود و ناگهان همگی
(زنده می‌شوند و) بر می‌خیزند و می‌نگرند}. [الزمر: 68].
و هنگامی که الله متعال مردم را برانگیخت، آنان را برای
حسابرسی محشور می‌نماید، الله متعال می‌فرماید:

{يَوْمَ تَشْقَى الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكِ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ}

{روزی که زمین از (روی) آنها شکافته شود (و آنان)
شتابان (در میان خاک‌ها بیرون می‌آیند)، این (روز)
گردآوری برای ما آسان است}. [ق: 44]. و الله متعال
می‌فرماید:

{يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ ۖ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ ۚ لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ
ۖ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ}

{روزی که مردم حاضر و نمایان می‌شوند و چیزی از
آنان بر الله پوشیده نخواهد ماند، (الله می‌فرماید:) امروز

فرمانروایی از آن کیست؟ (آنگاه خود می‌فرماید:) از آن الله یگانه‌ی پیروزمند است. [غافر: 16]. در این روز همه مردم مورد حسابرسی قرار می‌گیرند و برای هر مظلومی از ظالم قصاص گرفته می‌شود و هر کسی بر اساس آنچه انجام داده است، پاداش داده می‌شود؛ الله متعال می‌فرماید:

{ الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ ۖ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ ۚ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ }

{امروز هرکس در برابر آنچه انجام داده است، جزا و پاداش داده می‌شود؛ امروز هیچ ستمی نیست؛ بی‌گمان الله حسابرس سریعی است. [غافر: 17]. و الله متعال می‌فرماید: {إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ ۖ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يُّضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا }

{بی‌گمان، الله به اندازه ذره‌ای ستم نمی‌کند و اگر کار نیکی باشد، آن را دوچندان می‌کند و از پیشگاه خود (به آنان) پاداش بزرگی می‌بخشد. [النساء: 40]. و الله متعال می‌فرماید: {پس هرکس به اندازه ذره‌ای کار نیک انجام داده باشد (پاداش) آن را خواهد دید. (7)}

{وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (8)}

و هرکس به اندازه ذره‌ای کار بدی کرده باشد، (کیفر) آن را خواهد دید (7). [الزلزله: 7 - 8]. و الله متعال می‌فرماید:

{ وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا ۖ وَإِنْ كَانَ مُتَقَالًا حَبَّةٌ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا ۖ وَكَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ }

{و ما ترازوهای عدل را در روز قیامت خواهیم نهاد، پس به هیچکس کمترین ستمی نمی‌شود و اگر (کردارشان) همسنگ دانه خردلی باشد، آن را (به حساب) می‌آوریم و کافی است که ما حساب‌رس باشیم}. [الأنبياء: 47].

پس از رستاخیز و حساب‌رسی، پاداش و جزاست، بنابراین هرکس عمل خیری انجام داده است، در نعمت‌های ماندگار و دائمی است که فناپذیر نیستند؛ و هرکس مرتکب کار بد و کفر شده باشد، برای او عذاب (جنهم) خواهد بود. الله متعال می‌فرماید:

{ الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ ۖ فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ (56) وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (57) }

{فرمانروایی در آن روز، از آن الله است (و) میان آنان داوری می‌کند، کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، در باغ‌های پر نعمت (بهشت) بسر خواهند برد. (56)}

و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را تکذیب کردند، عذاب خوارکننده‌ای خواهند داشت (57)}. [الحج: 56-57].

و می‌دانیم که اگر زندگی دنیا پایان راه بود، زندگی و وجود (این دنیا)، بیهودگی محض بود؛ الله متعال می‌فرماید:

{ أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ }

{آیا پنداشته‌اید که شما را بیهوده آفریده‌ایم و همانا شما به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟!}. [المؤمنون: 115].

ششم: ایمان به قضا و قدر که عبارتست از: واجب بودن ایمان به اینکه الله متعال هر آنچه را که در این هستی بوده و هر آنچه که خواهد بود، می‌داند؛ و همه آنها را پیش از آفرینش آسمان‌ها و زمین نوشته است؛ الله متعال می‌فرماید:

{ وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ ۖ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ۚ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ }

{و کلیدهای غیب نزد اوست و جز او هیچکس آن را نمی‌داند؛ و آنچه را که در خشکی و دریاست می‌داند و هیچ برگی (از درختی) نمی‌افتد، مگر اینکه آن را می‌داند و هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین و هیچ تر و خشکی نیست، مگر اینکه در کتابی واضح و آشکار (در لوح محفوظ به ثبت) رسیده است}. [الأنعام: 59]. و اینکه علم الله متعال همه چیز را در بر گرفته است؛ الله متعال می‌فرماید:

{اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا }

{الله (همان) کسی است که هفت آسمان و همانند آن زمین را (نیز) آفریده است و فرمان (الله) پیوسته در میان آنها نازل می‌شود، تا بدانید که الله بر همه چیز تواناست و اینکه علم الله همه چیز را فراگرفته است}. [الطلاق: 12]. و در این هستی هیچ چیز رخ نمی‌دهد مگر اینکه الله آن را اراده کرده و خواسته و خلق نموده و اسباب آن را میسر ساخته است؛ الله متعال می‌فرماید:

{الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا }

{همان کسی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست و فرزندی (برای خویش) برنگزیده است و در فرمانروایی هیچ شریکی ندارد و همه چیز را آفریده و اندازه و تناسب هر چیز را دقیقاً اندازه‌گیری نموده است}. [الفرقان: 2]. و او در همه این کارها حکمتی بس رسا دارد که مردم نمی‌توانند به درک آن احاطه یابند؛ الله متعال می‌فرماید:

{حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ ۖ فَمَا تُغْنِ النُّذُرُ }

{این (نشانه‌ها) حکمتی بس رسا هستند، ولی (برای افراد بی‌باک و لجوج) هشدارها و بیم دادن‌ها سودی ندارند}. [القمر: 5]. و الله متعال می‌فرماید:

{وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ }

{و او کسی است که آفرینش را آغاز کرده است، سپس آن را باز می‌گرداند و این (باز گرداندن) بر او آسان‌تر است و برترین و بالاترین وصف در آسمان‌ها و زمین متعلق به اوست و او شکست‌ناپذیر حکیم است}. [الروم: 27]. الله متعال خودش را به حکمت متصف کرده و خود را حکیم نامیده است؛ الله متعال می‌فرماید:

{شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ ۚ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ}

{الله گواهی داده است که معبودی (بحق) جز او نیست و فرشتگان و علما (نیز بر این مطلب گواهی می‌دهند) که معبودی (بحق) جز او نیست و او شکست‌ناپذیر حکیم است}. [آل عمران: 18]. و الله متعال خبر داده که عیسی - علیه السلام - در روز قیامت خطاب به الله متعال می‌فرماید:

{إِنْ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عَبْدُكَ ۖ وَإِنْ تَغْفِرَ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ}

{اگر آنان را (با عدالت خویش) عذاب دهی، بندگان تو هستند و اگر آنان را (با رحمت خویش) ببخشایی، تویی که شکست‌ناپذیر حکیم هستی}. [المائدة: 118]. و الله متعال هنگامی که موسی - علیه السلام - در کنار کوه طور قرار داشت و او را ندا داد و به وی فرمود:

{يَا مُوسَى إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ}

{ای موسی! همانا من الله، پیروز مند حکیم هستم}. [النمل: 9].

و همچنین قرآن بزرگ را به حکمت توصیف نموده و فرموده است:

{الرَّ َ كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ}

{الر (الف. لام. را)، این (قرآن) کتابی است که آیات آن استحکام یافته است، سپس از جانب حکیمی آگاه، به روشنی بیان شده است}. [هود: 1]. و الله متعال می‌فرماید:

{ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَى إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ ۚ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَى فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَدْحُورًا}

{این (احکام) از جمله حکمت‌هایی است که از جانب پروردگارت به تو وحی شده است و هرگز معبود دیگری را با الله قرار نده که نکوهیده و رانده شده به دوزخ افکنده می‌شوی}. [الإسراء: 39].

22- پیامبران در آنچه از سوی الله ابلاغ می‌کنند معصومند؛ و از هر آنچه مخالف با عقل یا اخلاق سلیم است معصومند؛ و مکلفند تا اوامر الله را به بندگانش برسانند؛ و پیامبران از هیچ ویژگی ربوبیت و الوهیت برخوردار نیستند؛ بلکه همانند دیگر

انسان‌ها هستند با این تفاوت که خداوند پیامش را به آنان وحی کرده است.

و پیامبران درباره آنچه از سوی الله ابلاغ می‌کنند معصومند؛ زیرا الله متعال بهترین بندگان را برای تبلیغ پیامش بر می‌گزیند؛ الله متعال می‌فرماید:

{اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ}

{الله از فرشتگان رسولانی را بر می‌گزیند و (نیز) از (میان) مردم؛ بی‌گمان الله شنوای بیناست}. [الحج: 75]. و الله متعال می‌فرماید:

{إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ}

{به راستی که الله آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برگزید}. [آل عمران: 33]. و الله متعال می‌فرماید:

{قَالَ يُمُوسَىٰ إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَتِي وَبِكَلْمِي فَخُذْ مَا آتَيْنَاكَ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ}

{(الله) فرمود: ای موسی! من تو را با پیام‌هایم و کلام خویش بر مردمان (برتری دادم و) برگزیدم، پس آنچه را به تو داده‌ام بگیر و از سپاسگزاران باش}. [الأعراف: 144]. و پیامبران - علیهم السلام - می‌دانستند آنچه بر آنان نازل

می‌شود وحی الهی است؛ و فرشته‌ای را که با وحی نازل می‌شد، می‌دیدند؛ الله متعال می‌فرماید:

{عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا (26) إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا (27) لِّيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا (28)}

{(الله) آگاه بر غیب است و هیچکس را بر غیب خویش آگاه نمی‌سازد (26)}

مگر پیامبری که الله وی را برگزیده باشد که بی‌گمان از پیش و روی او نگهبانی (از فرشتگان) می‌گمارد (27)

تا معلوم کند که (پیامبران) پیام‌های پروردگارشان را ابلاغ کرده‌اند و (الله) به آنچه نزد آنهاست احاطه دارد و تعداد هر چیزی را برشمرده است. [الجن: 26-28]. و الله پیامبران را به تبلیغ پیام‌هایش امر کرده است؛ الله متعال می‌فرماید:

{يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ۚ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ ۚ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ}

{ای پیامبر! آنچه را که از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است (به مردم) ابلاغ کن؛ و اگر چنین نکنی، رسالت او را نرسانده‌ای؛ و الله تو را از (گزند) مردم حفظ می‌کند، همانا

الله گروه کافران را هدایت نمی‌کند}. [المائدة: 67]. و الله متعال می‌فرماید:

{رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا}

{پیامبرانی (را فرستادیم) که بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده بودند تا برای مردم پس از (بعثت این) پیامبران، در مقابل الله (هیچگونه) حجتی نباشد و الله همواره پیروزمند حکیم است}. [النساء: 165].

پیامبران - علیهم السلام - به شدت از الله بیم دارند و از او می‌ترسند، در نتیجه چیزی به پیام‌های الهی نمی‌افزایند و چیزی از آنها نمی‌کاهند؛ الله متعال می‌فرماید:

{وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ (44) لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ (45) ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ (46) فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ (47)}

{و اگر (پیامبر) سخنانی (به دروغ) بر ما می‌بست (44)

مسلاً ما دست راست او را می‌گرفتیم (45)

سپس (شاه) رگ قلبش را قطع می‌کردیم (46)

و کسی از شما نمی‌توانست مانع او گردد}. [الحاقة: 44-47].

{ابن کثیر - رحمه الله - می‌گوید: {الله متعال می‌فرماید:

{اگر سخنانی (به دروغ) بر ما می‌بست} یعنی: محمد - صلی

الله علیه وسلم - چنانکه اینها به دروغ ادعا می‌کنند، به دروغ

چیزی را به ما نسبت می‌داد و بر رسالت چیزی می‌افزود یا چیزی از آن می‌کاست و یا چیزی از خود می‌گفت و به ما نسبت می‌داد - درحالی‌که چنین نیست - فوری او را مجازات می‌کردیم، چنین است که می‌فرماید: {لَا خَذْنًا مِنْهُ بِالْيَمِينِ} گفته شده: یعنی: با دست راست از او انتقام می‌گرفتیم؛ زیرا در گرفتن شدیدتر است؛ و گفته شده: دست راست او را می‌گرفتیم. و الله متعال می‌فرماید:

{وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يُعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ءَأَنْتَ قُلْتُ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّي إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَنَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَالِمُ الْغُيُوبِ . مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مِمَّا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ}

{و (به یاد آور) آنگاه که الله (در روز قیامت) خطاب به عیسی پسر مریم می‌فرماید: آیا تو به مردم گفتی: من و مادرم را به عنوان دو معبود به جای الله قرار دهید؟ (آنگاه عیسی - علیه السلام - می‌گوید:) تو پاک و منزهی! سزاوار من نیست که جز حق به آنها بگویم، اگر چنین گفته باشم، به طور قطع آن را می‌دانستی، تو از آنچه که در نفس من است اطلاع داری و من از آنچه در نفس توست اطلاع ندارم، به راستی که تو از هر نهان آگاه هستی (116) به مردم چیزی نگفتم جز آنچه مرا به گفتن آن فرمان دادی؛ که الله پروردگار من و

پروردگارتان را عبادت کنید و تا مدتی که در میان آنان بودم شاهد و گواهشان بودم، پس هنگامی که مرا گرفتی (و به آسمان بالا بردی) خود نگهبان اعمالشان بودی و تو بر هر چیزی گواهی}. [المائدة: 116-117].

و از فضل و بخشش الله متعال بر انبیا و رسولانش - علیهم السلام - است که آنان را در ابلاغ رسالتشان پایدار می‌گرداند؛ الله متعال می‌فرماید:

{قَالَ إِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ وَ أَشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ (54) مِنْ دُونِهِ فَكِيدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنْظِرُونَ (55) إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ}

{(هود) گفت: همانا من الله را گواه می‌گیرم و شما هم گواه باشید که من از آنچه شریک (الله) قرار می‌دهید، بیزارم (54) غیر از الله؛ پس همگی علیه من نیرنگ کنید، سپس مهلتم ندهید (55)}

من بر الله که پروردگار من و شماست، توکل کرده‌ام؛ هیچ جنبنده‌ای نیست، مگر اینکه تحت فرمان اوست، بی‌گمان پروردگارم بر راه راست است}. [هود: 54-56]. و الله متعال می‌فرماید:

{وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُوكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهُ ۖ وَإِذَا لَا تَأْخُذُكَ خَلِيلًا (73) وَلَوْلَا أَنْ تَبْتَئْنَاكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكُنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا}

(74) إِذَا لَأَذْنُكَ ضِعْفَ الْحَيَاةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا
نَصِيرًا (75){

{و (ای پیامبر) نزدیک بود (مشرکان با وسوسه‌های
خود) تو را از آنچه بر تو وحی کرده‌ایم، منصرف کنند تا غیر
قرآن را به ما نسبت دهی و آنگاه تو را دوست خود بگیرند
(73)}

و اگر ما تو را ثابت قدم نمی‌کردیم، به راستی نزدیک بود
اندکی به آنان تمایل نشان دهی (74)

(اگر چنین می‌کردی) آنگاه دو چندان عذاب در زندگی
دنیا و دو چندان عذاب (بعد از) مرگ را به تو می‌چساندیم،
سپس در برابر ما برای خود یاوری نمی‌یافتی}. [الإسراء:
73-75]. این آیات و آیات پیشین گواه و دلیلی است بر اینکه
قرآن از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است؛ زیرا اگر
این قرآن از سوی محمد -صلی الله علیه وسلم- بود، هرگز
دربردارنده‌ی چنین سخنانی متوجه او نبود.

الله سبحانه و تعالی پیامبران را از گزند مردم حفظ
می‌کند؛ الله متعال می‌فرماید:

{يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ۖ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ
رِسَالَتَهُ ۗ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ
{

{ای پیامبر، آنچه را که از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است ابلاغ کن؛ و اگر این کار را نکنی، رسالت او را نرسانده‌ای و الله تو را از (گزند) مردم حفظ می‌کند؛ بی‌تردید الله گروه کافران را هدایت نمی‌کند}. [المائدة: 67]. و الله متعال می‌فرماید:

{وَأَنذِرْ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذِكْرِي بآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تَنْظِرُونَ}

{ (ای پیامبر) سرگذشت نوح را برای آنان بخوان، آنگاه که به قومش گفت: ای قوم من، اگر ماندن من (در میان‌تان) و اندرز دادن من (به شما) با آیات الله، بر شما گران آمده است، (بدانید که من) بر الله توکل کرده‌ام، شما تدبیر (و اندیشه‌ی) خود و معبودهای‌تان را جمع کنید، سپس هیچ چیز از کارهای‌تان بر شما پوشیده نماند، آنگاه به سوی من هجوم آورید و (لحظه‌ای) مرا مهلت ندهید}. [یونس: 71]. الله متعال سخن موسی - علیه السلام - را اینگونه نقل می‌کند: {(موسی و هارون) گفتند: پروردگارا ما می‌ترسیم که بر ما پیش‌دستی کند یا طغیان کند (و به ما آسیبی برساند) (45) (الله) فرمود: نترسید یقیناً من همراهتان هستم (و همه چیز را) می‌شنوم و می‌بینم}. [طه: 45-46]. بنابراین الله متعال بیان نموده که پیامبرانش را از گزند دشمنان‌شان حفظ نموده و زبانی به آنان نخواهند رساند؛ همچنین الله متعال بیان نموده که وحی خود

را حفظ خواهد کرد و چیزی به آن افزوده یا از آن کم نمی‌شود؛
الله متعال می‌فرماید:

{إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ}

{همانا ما قرآن را نازل کردیم، و قطعاً ما نگهبان آن
می‌باشیم}. [الحجر: 9].

و پیامبران - علیهم السلام - از هر آنچه مخالف عقل یا
اخلاق باشد، معصوم و به دورند، الله متعال در تزکیه
پیامبرش محمد - صلی الله علیه و سلم - می‌فرماید:

{وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ}

{و یقیناً تو (ای محمد) دارای اخلاق بسیار نیکو و والایی
هستی}. [القلم: 4]. و همچنین درباره ایشان می‌فرماید:

{وَمَا صَاحِبُكُم بِمَجْنُونٍ}

{(و ای مردم) همنشین شما (محمد) دیوانه نیست}.
[التکویر: 22]. و این برای آن است که به بهترین نحو، به
ادای رسالت پردازند؛ و پیامبران - علیهم السلام - مکلف به
ابلاغ دستورات الله متعال به بندگان هستند و هیچیک از
ویژگی‌های ربوبیت یا الوهیت را ندارند؛ بلکه همانند دیگر
انسان‌ها هستند، (با این تفاوت که) الله پیام‌های خود را به آنان
وحی می‌کند؛ الله متعال می‌فرماید:

{ قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَا يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۖ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۖ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ }

{پیامبران‌شان به آنان گفتند: ما جز انسان‌هایی مانند شما نیستیم، ولی الله بر هرکس از بندگان‌ش که بخواهد منت (نبوت) را می‌نهد؛ و سزاوار نیست که ما جز به اجازه الله دلیلی برای شما بیاوریم؛ و مؤمنان باید بر الله توکل کنند}. [ابراهیم: 11].
الله متعال نیز پیامبرش محمد - صلی الله علیه و سلم - را امر نموده که به قوم خود بگوید:

{قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ ۖ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا }

{ (ای پیامبر) بگو: من فقط انسانی همچون شما هستم (با این تفاوت که) بر من وحی می‌شود که تنها معبودتان، الله یکتاست؛ پس هرکس که به دیدار پروردگارش (در آخرت) امیدوار است، باید کار شایسته انجام دهد و هیچکس را در عبادت پروردگارش شریک نسازد}. [الکھف 110].

23- اسلام مردم را به عبادت موحدانه‌ی الله، از طریق عبادت‌های اصلی فرا می‌خواند که عبارتند از:
نماز که شامل قیام، رکوع، سجود، یاد الله، ثنا و دعای اوست و انسان روزانه پنج بار آن را ادا می‌کند و در هنگام ادای آن در صف نماز همه تفاوت‌ها میان ثروتمند و فقیر و رئیس و زیردست از

بین می‌رود؛ و زکات که مقدار کمی از مال است - و بر اساس شروط و مقادیری که الله آنها را قرار داده - در اموال ثروتمندان واجب است که از آنان گرفته شده به فقیران و دیگر مستحقان داده می‌شود؛ و تنها سالی یک بار پرداخت می‌شود؛ و روزه که به معنای خودداری از باطل کننده‌های روزه در روزهای ماه رمضان (از طلوع فجر تا غروب خورشید) است؛ و باعث پرورش اراده و صبر در نفس بشری می‌شود؛ و حج که به معنای قصد بیت الله در مکه مکرمه برای یک بار در طول عمر انسان برای شخصی واجب است که توانایی ادای آن را دارد؛ و در حج، همه مردم در روی آوردن به سوی خالق متعال برابرند و همه تفاوت‌ها و وابستگی‌ها از بین می‌رود.

اسلام از طریق عبادت‌های بزرگ و دیگر عبادات، (انسان) را به عبادت الله فرا می‌خواند؛ و الله متعال این عبادت‌های بزرگ را بر همه انبیا و رسولان - علیهم السلام - واجب نموده است؛ و بزرگ‌ترین عبادات عبارتند از:

اول: نماز که الله متعال بر مسلمانان فرض نموده است چنانکه بر دیگر انبیا و رسولان - علیهم السلام - فرض نموده بود؛ و الله پیامبرش ابراهیم خلیل - علیه السلام - را امر نمود تا خانه او را برای طواف کنندگان و نمازگزاران که برای الله رکوع و سجده می‌کنند، پاک سازد؛ الله متعال می‌فرماید:

{وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى
 ۞ وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ
 وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ}

{و (به یاد آورید) هنگامی که خانه (کعبه) را محل
 بازگشت و (مکان) امنی برای مردم قرار دادیم و مقام ابراهیم
 را نمازگاهی برای خود برگزینید؛ و ما به ابراهیم و اسماعیل
 وحی کردیم که: خانه مرا برای طواف کنندگان و مُعتکفان و
 رکوع و سجده‌کنندگان پاک و پاکیزه کنید}. [البقرة: 125].
 همچنین الله متعال در نخستین ندایش خطاب به موسی - علیه
 السلام - نماز را بر او واجب گرداند؛ الله متعال می‌فرماید:

{إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ ۖ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى (12) وَأَنَا
 اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ (13) إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي
 وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي (14)}

{به راستی، من پروردگارت هستم؛ پس کفش‌هایت را
 درآور (که) تو در سرزمین مقدس «طوی» هستی (12)
 و من تو را (به پیامبری) برگزیدم؛ پس به آنچه (بر تو)
 وحی می‌شود گوش فراده (13)}

همانا من الله هستم که معبود (بحقی) جز من نیست، پس
 تنها مرا عبادت کن و نماز را برای یاد من برپا بدار}. [طه:
 14-12]. و عیسی مسیح - علیه السلام - نیز خبر داده که الله

او را به نماز و زکات امر نموده است؛ چنانکه الله متعال خبر می‌دهد:

{ وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا }

{و مرا هر جا که باشم پر برکت و فرخنده قرار داده و تا زنده‌ام مرا به نماز و زکات توصیه نموده است}. [مریم: 31].
و نماز در اسلام شامل قیام و رکوع و سجود و یاد الله و ثنای او و دعاست که انسان روزی پنج بار آن را به جای می‌آورد؛
الله متعال می‌فرماید:

{ حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ }

{بر (ادای) همه نمازها و (بویژه) نماز میانه (عصر) کوشا باشید و با فروتنی و فرمانبرداری برای الله به پا خیزید}.
[البقرة: 238]. و الله متعال می‌فرماید: {نماز را از زوال خورشید (در هنگام ظهر) تا تاریکی (اول) شب (نماز مغرب، سپس نماز عشاء را) برپا دار و (به ویژه) قرآن فجر (نماز صبح) را، همانا که قرآن فجر (و نماز صبح) مورد مشاهده (و حضور فرشتگان روز و شب) است}. [الإسراء:

78]. و رسول الله - صلی الله علیه و سلم - می‌فرماید: (فَأَمَّا الرُّكُوعُ فَعِظُّمُوا فِيهِ الرَّبَّ عَزَّ وَجَلَّ وَأَمَّا السُّجُودُ فَاَجْتَهِدُوا فِي الدُّعَاءِ فَقَمِنْ أَنْ يُسْتَجَابَ لَكُمْ) «فَأَمَّا الرُّكُوعُ فَعِظُّمُوا فِيهِ الرَّبَّ عَزَّ وَجَلَّ وَأَمَّا السُّجُودُ فَاَجْتَهِدُوا فِي الدُّعَاءِ فَقَمِنْ أَنْ يُسْتَجَابَ

لَكُمْ». «در رکوع پروردگار - عزوجل - را تعظیم گوئید و در سجود، بسیار دعا گوئید؛ زیرا شایسته است که (در این حالت) دعا‌های تان مستجاب گردند». صحیح مسلم.

دوم: زکات از جمله فرایضی است که الله متعال آن را بر مسلمانان فرض کرده است، چنانکه آن را بر انبیا و رسولان پیشین - علیهم السلام - فرض کرده است؛ و آن مقدار اندکی از مال - بر اساس شروط و مقادیری که الله متعال قرار داده است - و در اموال ثروتمندان واجب شده که به فقیران و دیگر مستحقان، سالی یک بار داده می‌شود؛ الله متعال می‌فرماید:

{ خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ ۚ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ ۚ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ }

{از اموال آنان زکات (و صدقه) بگیر تا به وسیله آن، آنان را پاک گردانی و آنان را تزکیه کنی؛ و برای‌شان دعا و طلب آمرزش کن (چرا که) یقیناً دعا و طلب آمرزش تو به آنان آرامش می‌دهد و الله شنوای داناست}. [التوبة: 103]. و هنگامی که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- معاذ رضی الله عنه را به یمن فرستاد، خطاب به ایشان فرمود: «إِنَّكَ تَأْتِي قَوْمًا أَهْلَ كِتَابٍ فَأَدْعُهُمْ إِلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَتِي رَسُولُ اللَّهِ فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوكَ لِذَلِكَ فَأَعْلِمُهُمْ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَفْتَرَضَ عَلَيْهِمْ خُمْسَ صَلَوَاتٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ فَإِنْ أَطَاعُوا لِذَلِكَ فَأَعْلِمُهُمْ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَفْتَرَضَ عَلَيْهِمْ صَدَقَةً فِي أَمْوَالِهِمْ تُؤْخَذُ مِنْ أَعْيُنِهِمْ وَتُرَدُّ فِي فُقَرَائِهِمْ فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوكَ لِذَلِكَ فَإِيَّاكَ وَكَرَائِمَ أَمْوَالِهِمْ وَاتَّقِ دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ فَإِنَّهَا

لَيْسَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حِجَابٌ» «تو نزد مردمانی از اهل کتاب می‌روی پس آنان را به این دعوت کن که گواهی دهند معبودی (به حق) جز الله نیست و اینکه من فرستادهٔ الله هستم؛ پس اگر در این مورد از تو اطاعت کردند، آنان را آگاه کن که الله - عزوجل - پنج نماز در هر شبانه‌روز بر آنان فرض کرده است، پس اگر در این مورد از تو اطاعت کردند، آنان را آگاه کن که الله - عزوجل - زکاتی را در اموال آنان فرض نموده که از ثروتمندان آنان گرفته می‌شود و به فقراشان باز گردانده می‌شود، پس اگر در این باره از تو اطاعت کردند، زنهاری که به اموال نفیس آنان نزدیک شوی و از دعای مظلوم بترس که میان آن و الله - عزوجل - پرده و حجابی نیست».

ترمذی آن را روایت کرده است، (625).

سوم: الله متعال روزه را بر مسلمانان فرض نموده است؛ چنانکه بر انبیا و رسولان پیشین فرض کرده بود؛ الله متعال می‌فرماید:

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ}

{ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما واجب شده است، همانگونه که بر مردمان پیش از شما، واجب شده بود؛ شاید پرهیزگار شوید}. [البقرة: 183]. و روزه [رمضان] عبارتست از: دوری از باطل‌کننده‌های آن در روز رمضان؛ و روزه اراده و صبر را در نفس انسان پرورش می‌دهد.

رسول الله - صلى الله عليه و سلم - می فرماید: «يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: الصَّوْمُ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ يَدْعُ شَهْوَتَهُ وَأَكْلَهُ وَشُرْبَهُ مِنْ أَجْلِي وَالصَّوْمُ جُنَّةٌ وَلِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ: فَرْحَةٌ حِينَ يُفْطِرُ وَفَرْحَةٌ حِينَ يَلْقَى رَبَّهُ» «يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: الصَّوْمُ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ يَدْعُ شَهْوَتَهُ وَأَكْلَهُ وَشُرْبَهُ مِنْ أَجْلِي وَالصَّوْمُ جُنَّةٌ وَلِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ: فَرْحَةٌ حِينَ يُفْطِرُ وَفَرْحَةٌ حِينَ يَلْقَى رَبَّهُ». «الله - عزوجل - می فرماید: روزه برای من است و من پاداش آن را می دهم؛ (زیرا) روزه دار شهوت، غذا و نوشیدنی اش را بخاطر من ترک می کند؛ و روزه سپر است و روزه دار دو شادی دارد: شادمانی در هنگام افطاری و بار دیگر در هنگام ملاقات پروردگار شاد می شود». صحیح بخاری (7492).

چهارم: حج را الله متعال بر مسلمانان فرض نموده، چنانکه بر انبیا و رسولان پیشین - علیهم السلام - فرض کرده بود؛ و الله پیامبرش ابراهیم خلیل - علیه السلام - را امر نمود تا مردم را به ادای حج فراخواند؛ الله متعال می فرماید:

{وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ }

{ (ای پیامبر) در میان مردم ندای حج فرا بده؛ تا (مردمان مسلمان) پیاده و سواره بر شتران باریک اندام (مخصوص پیمودن راه های دور یا هر وسیله ی نقلیه ی دیگری)، از هر راه دوری به سوی شما بشتابند}. [الحج: 27]. و الله متعال

ابراهیم - علیه السلام - را امر نمود تا خانه عتیق (کعبه) را برای حاجیان پاک و مطهر سازد؛ الله متعال می‌فرماید:

{وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ }

{ (ای پیامبر یاد کن) آنگاه که مکان خانه (کعبه) را برای ابراهیم تعیین کردیم (و به وی گفتیم): چیزی را شریک من قرار نده و خانه‌ام را برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان و سجده کنندگان پاک گردان. [الحج: 26].

حج به معنای قصد نمودن خانه الله متعال در مکه مکرمه برای انجام اعمالی مشخص برای یکبار در عمر توسط شخص توانای مستطیع است؛ الله متعال می‌فرماید:

{وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا ۚ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ }

{و حج این خانه، واجب الهی بر مردمانی است که توانایی (مالی و بدنی برای ادای آن) را دارند؛ و هرکسی که (توانایی داشته باشد و حج را بجای نیاورد و) کفر ورزی کند، بی‌گمان الله از همه‌ی جهانیان بی‌نیاز است. [آل عمران: 97]. در مراسم حج، حاجیان مسلمانان در یک مکان معین جمع می‌شوند؛ درحالی‌که عبادت‌شان را خالصانه برای الله انجام می‌دهند؛ و همه‌ی حاجیان حج را با یک روش انجام می‌دهند،

بطوریکه همه تفاوت‌های محیطی، فرهنگی و طبقاتی در میان آنان از بین می‌رود.

24- از بزرگ‌ترین ویژگی‌های عبادت در اسلام این است که کیفیت و وقت و شروط آن را الله سبحانه و تعالی مشروع نموده و پیامبر او -صلی الله علیه وسلم- آن را ابلاغ کرده و تا به امروز هیچ بشری چیزی به آن نیفزوده و از آن نکاسته است؛ و همه پیامبران - علیهم السلام - (ملت‌های خود را) به این عبادت‌های بزرگ فراخوانده‌اند.

از بزرگ‌ترین ویژگی‌های عبادات در اسلام این است که کیفیت و وقت و شروط آن را الله سبحانه و تعالی تشریع نموده و پیامبر او -صلی الله علیه وسلم- آن را ابلاغ نموده و تا امروز هیچ بشری چیزی به آن نیفزوده و از آن نکاسته است؛ الله متعال می‌فرماید:

{ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا }

{امروز دین‌تان را برای‌تان کامل ساختم و نعمتم را بر شما به اتمام رساندم و برای شما دین اسلام را برگزیدم}.
[المائدة: 3]. و الله متعال می‌فرماید:

{ فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ }

{پس به آنچه بر تو وحی شده است، تمسک بجوی که بی‌گمان تو بر راه راست قرار داری}. [الزخرف: 43]. و الله متعال درباره نماز می‌فرماید:

{فَإِذَا قُضِيَتْ الصَّلَاةُ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ ۚ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ ۚ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا}

{پس چون نماز را به پایان رساندید، الله را (در همه حال) ایستاده و نشسته و (خوابیده) بر پهلو و خویشتن یاد کنید؛ و هرگاه اطمینان خاطر حاصل کردید (و ترستان از بین رفت)، نماز را (بطور کامل) برپا دارید (چرا که) بی‌گمان، نماز (فریضه‌ای است که) در اوقات معینی بر مؤمنان واجب شده است}. [النساء: 103]. الله متعال درباره مستحقان زکات می‌فرماید:

{ إِنَّمَا الصَّدَقَتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَمِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغُرَمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ }

{همانا زکات به فقیران و مستمندان و کارگزاران (جمع) آنان و توزیع‌کنندگان) آن و دلجویی‌شدگان (برای پذیرش اسلام) و برای (آزاد کردن) بردگان و (پرداخت بدهی) بدهکاران و (جهادگران) در راه الله (و نشر دین اسلام) و (کمک به مسافران) در راه مانده است، (این) فریضه‌ای

(مقرر شده) از جانب الله می‌باشد و الله دانای حکیم است. [التوبة: 60]. و الله متعال درباره روزه می‌فرماید:

{ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ
وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ
سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ
وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ }

{ماه رمضان، (ماهی) است که قرآن در آن نازل شده است، (قرآنی) که هدایتگر مردم است و دلایل آشکاری از هدایت (در درون خود دارد) و جداکننده (حق از باطل) است، پس هر کسی از شما (که مُقیم و سالم باشد و) این ماه را دریابد، باید در آن روزه‌دار باشد و هر کسی که بیمار یا در سفر باشد، (باید به تعداد روزهایی که بیمار بوده یا در سفر بوده و روزه نگرفته است) روزهای دیگری (را روزه بگیرد)، الله (با قرار دادن این احکام) برای‌تان آسانی می‌خواهد و برای‌تان دشواری نمی‌خواهد؛ تا تعداد (روزهای رمضان) را کامل کنید؛ و الله را برای آنکه هدایت‌تان نموده، به بزرگی یاد کنید، شاید شکر گزار باشید. [البقرة: 185]. و الله متعال درباره حج می‌فرماید:

{ الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَةٌ فَمَن فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ
وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ
الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ }

{حج در ماه‌های معلوم و مشخصی است؛ پس کسی که در این ماه‌ها حج را (بر خود) واجب گرداند، (باید) در حج نه آمیزش جنسی و نه (ارتکاب) گناه و نه جدال انجام دهد؛ و آنچه از کارهای نیک انجام دهید، الله آنها را می‌داند؛ و توشه بگیرید که بهترین توشه پرهیزگاری است و ای خردمندان از من بپرهیزید}. [البقرة: 197]. و همهٔ پیامبران به سوی این عبادت‌های بزرگ فراخوانده‌اند.

25- پیامبر اسلام، محمد بن عبدالله- صلی الله علیه وسلم- از نسل اسماعیل بن ابراهیم -علیهما السلام- است؛ ایشان در سال ۵۷۱ میلادی در مکه دیده به جهان گشود و در همین شهر به پیامبری مبعوث شده و سپس به مدینه مهاجرت کرد؛ و در بت‌پرستی با قوم خود همراه نشد، اما در کارهای ارزشمند با آنان همکاری می‌کرد و پیش از بعثت نیز دارای اخلاقی والا بود و قومش او را «امین» می‌نامیدند؛ با رسیدن وی به چهل سالگی، الله متعال ایشان را به پیامبری مبعوث نمود و با (معجزات) و نشانه‌های بزرگی وی را تأیید کرد که بزرگ‌ترین این معجزات، قرآن کریم است؛ قرآن کریم، بزرگ‌ترین معجزهٔ تمام پیامبران و تنها معجزه‌ی باقیمانده از پیامبران (پیشین) تا امروز است؛ پس از آنکه الله متعال به واسطهٔ ایشان دین را کامل نمود و رسول الله -صلی الله علیه وسلم- دین را به بهترین شکل ابلاغ نمود،

در سن شصت و سه سالگی وفات نمود و در مدینه
 به خاک سپرده شد؛ محمد -صلی الله علیه وسلم-
 خاتم انبیا و مرسلین است که الله او را با هدایت و
 دین حق فرستاد تا مردم را از تاریکی های بت پرستی
 و کفر و جهالت به سوی نور توحید و ایمان هدایت
 کند؛ و الله گواهی داده که ایشان را با فرمان خود
 برای دعوت به سوی او فرستاده است.

پیامبر اسلام، محمد بن عبدالله -صلی الله علیه وسلم- از
 نسل اسماعیل بن ابراهیم -علیهما السلام- است؛ ایشان در
 سال ۵۷۱ میلادی در مکه دیده به جهان گشود و در همین
 شهر به پیامبری مبعوث شد و سپس به مدینه مهاجرت کرد؛
 در بت پرستی با قوم خود همراه نشد، اما در کارهای ارزشمند
 و گرانقدر با آنان همکاری می کرد؛ و پیش از بعثت نیز دارای
 اخلاقی والا بود؛ پروردگارش او را به اخلاق بسیار بزرگ
 و والا ستوده و فرموده است:

{وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ}

{و یقیناً تو دارای اخلاق بسیار نیکو و والایی هستی}.

[القلم: 4]. وقتی پیامبر -صلی الله علیه وسلم- به سن چهل
 سالگی رسید، الله متعال او را به پیامبری مبعوث نمود و با
 (معجزات) و نشانه های بسیار بزرگی تایید نمود که
 بزرگترین آنها قرآن کریم است. رسول الله -صلی الله علیه
 وسلم- می فرماید: «مَا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ نَبِيٍّ إِلَّا أُعْطِيَ مَا مِثْلُهُ أَمَّنَ عَلَيْهِ
 الْبَشَرُ وَإِنَّمَا كَانَ الَّذِي أُوتِيَتْ وَحْيًا أَوْحَاهُ اللَّهُ إِلَيَّ فَأَرْجُو أَنْ أَكُونَ

أَكْثَرَهُمْ تَابِعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ» «مَا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ نَبِيٍّ إِلَّا أُعْطِيَ مَا مِثْلُهُ
 آمَنَ عَلَيْهِ الْبَشَرُ وَإِنَّمَا كَانَ الَّذِي أُوتِيَتْ وَحْيًا أَوْحَاهُ اللَّهُ إِلَيَّ
 فَأَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَكْثَرَهُمْ تَابِعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ». «هیچیک از
 پیامبران نیست مگر اینکه معجزه‌ای به او عطا شده که با
 وجود (امری خارق عادت) مانند آن، بشر به او ایمان می‌آورد
 و همانا آنچه به من عنایت شده، وحی است که الله متعال به
 من وحی کرده است، پس امیدوارم که در روز قیامت بیشترین
 پیروان را از میان پیامبران داشته باشم». صحیح بخاری
 (4981). قرآن عظیم وحی الهی به پیامبرش -صلی الله علیه
 و سلم- می‌باشد؛ الله متعال درباره آن می‌فرماید:

{ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ ۚ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ }

{این کتابی است که هیچگونه شکی در آن وجود ندارد و
 مایه هدایت پرهیزگاران است}. [البقرة: 2]. و الله متعال
 درباره آن می‌فرماید:

{ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْفُرْقَانَ ۖ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا
 كَثِيرًا }

{آیا در قرآن نمی‌اندیشند؟ که اگر از جانب غیر از الله بود،
 قطعاً اختلاف (و تناقض) بسیاری در آن می‌یافتند}. [النساء:
 82]. الله متعال جنیان و انسان‌ها را به مبارزه طلبیده تا همانند
 آن را بیاورند؛ الله متعال می‌فرماید:

{قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا }

{(ای پیامبر) بگو: اگر (همه‌ی) انس و جن جمع شوند تا همانند این قرآن را بیاورند، (هرگز) همانند آن را نخواهند آورد؛ هرچند برخی از آنان یاری‌دهنده برخی (دیگر) باشند}.

[الإسراء: 88]. و الله متعال آنان را به چالش طلبید که ده سوره همانند آن را بیاورند؛ الله متعال می‌فرماید:

{أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ ۚ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَاذْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ }

{یا می‌گویند: (محمد این قرآن را از جانب خودش نوشته و) به دروغ آن را به الله نسبت می‌دهد، بگو: اگر (در این ادعای خود) راست می‌گویید، شما ده سوره دروغین همانند آن را بیاورید و غیر از الله هر کسی را که می‌توانید به یاری خود بطلبید}. [هود: 13]. بلکه آنان را به چالش طلبید که یک سوره همانند آن را بیاورند؛ الله متعال فرمودند: {و اگر درباره آنچه که بر بنده خود (محمد) نازل کرده‌ایم در شک و تردید هستید، سوره‌ای همانند آن را بیاورید و گواهان خود را - غیر از الله - فراخوانید، اگر راست می‌گویید}. [البقرة: 23].

قرآن بزرگ، تنها معجزه‌ی باقیمانده از معجزات پیامبران (پیشین) تا امروز است و چون الله متعال دین را برای پیامبر - صلی الله علیه و سلم - کامل نمود و ایشان دین را به بهترین

نحو ابلاغ کرد، رسول الله - صلی الله علیه و سلم - در سن شصت و سه سالگی از دنیا رفت و در مدینه نبوی به خاک سپرده شد.

پیامبران محمد - صلی الله علیه و سلم - آخرین انبیا و رسولان است؛ الله متعال می فرماید:

{ مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ ۚ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا }

{محمد (صلی الله علیه و سلم) پدر هیچیک از مردان شما نیست، بلکه فرستاده الله و خاتم پیامبران است و الله از هر چیزی آگاه است}. [الأحزاب: 40]. ابو هریره - رضی الله عنه - روایت کرده که رسول الله -صلی الله علیه و سلم- فرمودند: «إِنَّ مَثَلِي وَمَثَلَ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ قَبْلِي كَمَثَلِ رَجُلٍ بَنَى بَيْتًا فَأَحْسَنَهُ وَأَجْمَلَهُ إِلَّا مَوْضِعَ لَبْنَةٍ مِنْ زَاوِيَةِ فَجَعَلَ النَّاسُ يَطُوفُونَ بِهِ وَيَعْجَبُونَ لَهُ وَيَقُولُونَ هَلَّا وُضِعَتْ هَذِهِ اللَّبْنَةُ؟ قَالَ: فَأَنَا اللَّبْنَةُ وَأَنَا خَاتَمُ النَّبِيِّينَ» «إِنَّ مَثَلِي وَمَثَلَ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ قَبْلِي كَمَثَلِ رَجُلٍ بَنَى بَيْتًا فَأَحْسَنَهُ وَأَجْمَلَهُ إِلَّا مَوْضِعَ لَبْنَةٍ مِنْ زَاوِيَةِ فَجَعَلَ النَّاسُ يَطُوفُونَ بِهِ وَيَعْجَبُونَ لَهُ وَيَقُولُونَ هَلَّا وُضِعَتْ هَذِهِ اللَّبْنَةُ؟ قَالَ: فَأَنَا اللَّبْنَةُ وَأَنَا خَاتَمُ النَّبِيِّينَ». «مثال من و پیامبران پیش از من، همانند مردی است که خانه‌ای را ساخته و آن را به خوبی بنا نموده و آراسته است، مگر موضع یک خشت در زاویه‌ای از آن؛ پس مردم اطراف آن می‌گردند و از (زیبایی) آن شگفت‌زده می‌شوند و می‌گویند: چه می‌شد اگر این یک خشت

را هم می‌گذاشتند؟ رسول خدا فرمودند: من آن یک خِشتم هستم و من خاتم پیامبرانم». صحیح بخاری (3535). و در انجیل آمده است که مسیح - علیه السلام - به قدوم محمد - صلی الله علیه وسلم - بشارت داده و فرمود: «سنگی را که بَنّاها رد کردند، اکنون در سر زاویه است، آیا هرگز در کتاب‌ها نخوانده‌اید که: یسوع از جانب پروردگار به آنان گفت: این بود و او در چشمان ما شگفت‌آور بود. و در سفر توراتی که تاکنون موجود است این سخن الله متعال خطاب به موسی - علیه السلام - آمده است که: برایشان پیامبری همانند تو از میان برادران‌شان برانگیخته می‌کنیم و سخن خود را در دهان او می‌گذارم، پس هر آنچه را که به او توصیه کرده‌ام، به آنان می‌گویم».

و الله متعال، پیامبرمان محمد - صلی الله علیه وسلم - را با هدایت و دین حق فرستاده و گواهی داده که او بر حق است و او را با اجازه‌ی خود به عنوان دعوت‌گری فرستاده تا به سوی حق دعوت کند؛ الله متعال می‌فرماید:

{لَکِنَ اللّٰهُ یَشْهَدُ بِمَا اَنْزَلَ اِلَیْکَ ۚ اَنْزَلَهُ بِعِلْمِہٖ ۚ وَالْمَلٰٓئِکَةُ یَشْهَدُوْنَ ۚ وَکَفٰی بِاللّٰهِ شَہِیْدًا}

{(ای پیامبر، کافران حقیقت نزول قرآن را بر تو انکار می‌کنند) ولی الله به (درستی) آنچه که بر تو نازل کرده، گواهی می‌دهد، آن را با علم خویش نازل کرده و فرشتگان

نیز گواهی می‌دهند، و (اگر چه) گواهی الله کافی است}.

[النساء: 166]. و الله متعال می‌فرماید:

{هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ
وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا}

{او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد
تا آن را بر همه‌ی ادیان پیروز گرداند و کافی است که الله گواه
باشد}. [الفتح: 28]. الله متعال پیامبر را با (نور) هدایت
مبعوث گرداند تا مردم را از تاریکی‌های بت‌پرستی، کفر و
جهالت به سوی نور توحید و ایمان هدایت کند؛ الله متعال
می‌فرماید:

{يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ
إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ}

{الله از طریق قرآن کسانی را که به دنبال خشنودی او
هستند، به راه‌های سلامت هدایت می‌کند و به فرمان خویش
آنان را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی می‌رساند و آنان را به
راه راست هدایت می‌کند}. [المائدة: 16]. و الله متعال
می‌فرماید:

{الرَّ َّ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ
رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ }

{الف. لام. را، این (قرآن) کتابی است که بر تو (ای
پیامبر) نازل کردیم تا مردم را به فرمان پروردگارشان، از

تاریکی‌های (شرک و جهالت) به روشنائی (ایمان و دانش)
بیرون آوری (و آنان را) به (سوی) راه (پروردگار)
شکست‌ناپذیر ستوده (برسانی)؛}. [ابراهیم: 1].

26- شریعت اسلام که پیامبرمان محمد -صلی الله علیه وسلم- آن را آورده، خاتمۀ پیام‌ها و رسالت‌های الهی و شریعت‌های ربانی است؛ و شریعتی کامل می‌باشد؛ و در آن صلاح دین و دنیای مردم نهفته است؛ و در درجۀ نخست به حفظ دین، خون، مال، عقل و نسل مردم اهمیت می‌دهد؛ شریعت اسلامی ناسخ همه شریعت‌های پیشین است، چنانکه شریعت‌های پیشین نسخ‌کننده‌ی هم بوده‌اند.

شریعت اسلام که پیامبرمان محمد -صلی الله علیه وسلم- آن را آورده، خاتمۀ پیام‌ها و رسالت‌های الهی و شریعت‌های ربانی است و الله متعال به واسطۀ این پیام، دین را کامل ساخت؛ و با بعثت محمد -صلی الله علیه وسلم- نعمت را بر مردم کامل نمود؛ الله متعال می‌فرماید:

{الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا}

{امروز دین‌تان را برای‌تان کامل ساختم و نعمتم را بر شما به کمال رساندم و برای شما اسلام را (به عنوان دین) پسندیدم}. [المائدة: 3].

شریعت اسلام، شریعت کمال است و صلاح دین و دنیای مردم را در خود دارد؛ زیرا همه شرایع پیشین را در خود گنجانده و آنها را کامل ساخته است؛ الله متعال می‌فرماید:

{ إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا }

{ همانا این قرآن به راهی که استوارترین راه‌هاست هدایت می‌کند و به مؤمنانی که کارهای شایسته انجام می‌دهند، مژده می‌دهد که برای آنان پاداشی بزرگ (در پیش) است. [الإسراء: 9]. شریعت اسلام، قید و بندهایی را که بر امت‌های پیشین وجود داشت، از مردم برداشته است؛ الله متعال می‌فرماید:

{ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَدْعُوهُمْ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ ۚ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ ۙ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ }

{ کسانی که از (این) فرستاده و پیامبر درس ناخوانده‌ی (الله) پیروی می‌کنند، (پیامبری) که (همانا) نام (و) نشانه‌های) نوشته شده او را نزد خود در تورات و انجیل می‌یابند، (کسی که) آنان را به نیکی‌ها فرمان می‌دهد و از پلیدی‌ها باز می‌دارد و پاکیزه‌ها را برای‌شان حلال می‌گرداند و پلیدی‌ها را بر آنان حرام می‌کند و بار گران (تکالیف

شرعی) را که بر آنان (واجب) بوده، از (عهده) آنان بر می‌دارد، پس کسانی که به او ایمان آوردند و او را گرامی داشتند و به او یاری رساندند و از نوری که بر او نازل شده، پیروی نمودند، آنانند که رستگارند. [الأعراف: 157].

شریعت اسلام، ناسخ همه‌ی شریعت‌های پیشین است؛ الله متعال می‌فرماید:

{ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ ۖ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ ۚ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ ۚ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا ۚ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ ۚ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ۚ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ }

{و قرآن را به حق بر تو نازل کردیم، درحالی‌که تصدیق‌کننده کتاب‌های پیش از آن و بر آنها شاهد و نگاهبان است؛ پس به آنچه الله نازل نموده، در میان آنان حکم کن و از هوا و هوس‌های آنان به جای آنچه از حق به تو رسیده، پیروی نکن؛ ما برای هر کدام از شما، شریعت و طریقه روشنی قرار دادیم؛ و اگر الله می‌خواست همه شما را یک امت قرار می‌داد، اما (می‌خواهد) شما را با آنچه که به خودتان بخشیده است، بیازماید؛ پس در نیکی‌ها بر یکدیگر سبقت بگیرید، بازگشت همه شما به سوی الله است، آنگاه شما را از آنچه در آن اختلاف می‌ورزیدید، با خبر می‌کند. [المائدة: 48]. قرآن کریم که

شریعت را در خود گنجانیده است، مؤید کتاب‌های الهی پیش از خود، شاهد و گواه بر آنها و نسخ‌کننده‌ی آنهاست.

27- الله سبحانه وتعالى دینی به جز دین اسلام را نمی‌پذیرد، دینی که بواسطه‌ی پیامبرمان محمد -صلی الله علیه وسلم- آمده است و هرکس جز اسلام دین دیگری را برگزیند، از او پذیرفته نخواهد شد.

الله سبحانه وتعالى بعد از بعثت محمد -صلی الله علیه وسلم- دینی جز اسلام که توسط پیامبر خدا محمد -صلی الله علیه وسلم- آمده است، نخواهد پذیرفت و هرکس جز اسلام دین دیگری را برگزیند، از او پذیرفته نخواهد شد. الله متعال می‌فرماید:

{وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ}

{و هرکس دینی غیر از اسلام را برگزیند، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد و او در آخرت از زیانکاران است}. [آل عمران: 85]. و الله متعال می‌فرماید:

{إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ۚ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أَوْثَرُوا فِي الْكِتَابِ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْثًا بَيْنَهُمْ ۚ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ}

{همانا دین (حق) نزد الله اسلام است و کسانی که کتاب (آسمانی) به آنان داده شد، با یکدیگر اختلاف نکردند، مگر

پس از آنکه علم و آگاهی حاصل کردند (و حجت بر آنان تمام شد) و آن (اختلاف و تفرقه‌ای که در میان‌شان بود)، نتیجه‌ی سرکشی و حسادت‌ی بود که در بین آنان وجود داشت؛ و هرکسی که به آیات الله کفر ورزد، (آگاه باشد که) الله در حسابرسی سریع است. [آل عمران: 19]. و این اسلام همان دین ابراهیم خلیل - علیه السلام - است؛ الله متعال می‌فرماید:

{وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ ۚ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا ۖ وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ}

{چه کسی از آیین ابراهیم روی گردان خواهد شد جز کسی که خود را به نادانی و سبکسری افکند؛ و همانا ما او را در دنیا برگزیدیم و قطعاً او در آخرت از شایستگان خواهد بود. [البقرة: 130]. و الله متعال می‌فرماید:

{وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا ۚ وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا}

{و چه کسی نیک آیین‌تر از کسی است که خود را تسلیم الله کرده و نیکوکار باشد و از آیین راستین، (پاک و مخلصانه) ابراهیم پیروی نماید؟ و الله ابراهیم را به دوستی خود برگزید. [النساء: 125]. الله متعال نیز به پیامبرش محمد - صلی الله علیه وسلم - امر نمود که بگوید:

{قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا ۚ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ}

{(ای پیامبر) بگو: بی‌تردید، پروردگارم مرا به راه راست رهنمود کرده است و آن دین راست، پایدار و آیین ابراهیم است که حقگرا بود و هرگز در زمره مشرکان نبود}.

[الأنعام: 161].

28- قرآن کریم، کتابی است که الله متعال آن را به پیامبرش محمد -صلی الله علیه وسلم- وحی کرده و کلام پروردگار جهانیان است، کتابی که الله به واسطه آن انسان‌ها و جنیان را به مبارزه طلبیده تا همانند آن یا سوره‌ای مانند یکی از سوره‌هایش بیاورند؛ و هنوز این مبارزه‌طلبی تاکنون ادامه دارد. قرآن کریم به پرسش‌های مهمی پاسخ می‌دهد که میلیون‌ها انسان را به حیرت واداشته است؛ قرآن عظیم تاکنون به همان شکلی که به زبان عربی نازل شده باقیمانده و حرفی از آن کم نشده است و چاپ شده و (در جهان) منتشر می‌باشد. این کتاب بزرگ یا ترجمه معانی آن شایسته مطالعه است، چنانکه سنت پیامبرمان محمد -صلی الله علیه وسلم- و آموزه‌ها و زندگی‌نامه‌ی ایشان محفوظ است و توسط سلسله‌ای از راویان مورد اعتماد نقل شده و به زبان عربی که زبان پیامبر بود، چاپ شده و در دسترس می‌باشد؛ و به بسیاری از زبان‌های دنیا ترجمه شده است. قرآن کریم و سنت پیامبر -صلی الله علیه وسلم- تنها منابع احکام اسلام و تشریعات آن است؛ چراکه اسلام از رفتار افراد منتسب به آن گرفته نمی‌شود، بلکه از

وحی الهی که شامل قرآن عظیم و سنت نبوی گرفته می‌شود.

قرآن کریم کتابی است که الله متعال آن را به رسول عربی (از قبیله قریش)، محمد -صلی الله علیه وسلم- و به زبان عربی وحی کرده و کلام پروردگار جهانیان است؛ الله متعال می‌فرماید:

{ وَإِنَّهُ لَنَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (192) نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ (193) عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ (194) بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ (195) }
{ و همانا (این) قرآن فرو فرستاده پروردگار جهانیان است (192)

(جبرئیل) روح الامین آن را فرود آورده است (193)

بر قلب تو (نازل شده) تا بیم‌دهنده باشی (194)

{و} به زبان عربی روشن و واضح (نازل شده است){}.

[الشعراء: 192-195]. و الله متعال می‌فرماید:

{ وَإِنَّكَ لَتُلْقَى الْفُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ }

{و تو (ای پیامبر) همانا قرآن را از پیشگاه (پروردگار) حکیم دانا دریافت می‌داری}{. [النمل: 6]}. این قرآن نازل شده از سوی الله متعال و تصدیق‌کننده کتاب‌های الهی پیش از خود است؛ الله متعال می‌فرماید:

{وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ}

{و (سزاوار) نیست این قرآن، به دروغ به الله نسبت داده شود؛ بلکه تصدیق کننده‌ی کتاب‌های آسمانی است که پیش از آن (نازل شده) است و بیانگر (آن) کتاب‌هاست و شکی در آن نیست؛ و از (جانب) پروردگار جهانیان فرستاده شده است}. [یونس: 37]. قرآن کریم حقیقت بسیاری از مسائلی را بیان کرده که یهود و نصاری در دین خود درباره آنها دچار اختلاف شده‌اند؛ الله متعال می‌فرماید:

{إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَفُصِّلُ عَلَىٰ بُنْيِ إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ}

{بی‌گمان، این قرآن (حقیقت) بیشتر آنچه را که بنی‌اسرائیل درباره‌اش اختلاف دارند، برای‌شان بیان می‌دارد}. [النمل: 76]. قرآن کریم دربردارنده‌ی ادله و براهینی است که حجت را در رابطه با حقایق مربوط به شناخت الله، دین و جزایش، بر همه‌ی مردم تمام نموده است؛ الله متعال می‌فرماید:

{وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ}

{همانا ما در این قرآن، هرگونه مثلی را برای مردم آورده‌ایم تا اینکه پند و اندرز گیرند}. [الزمر: 27]. و الله متعال می‌فرماید:

{وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيِيحًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ
لِّلْمُسْلِمِينَ}

{و ما (این) کتاب را بر تو نازل کردیم که بیان کننده همه
چیز و هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است}.

[النحل: 89].

و قرآن کریم به بسیاری از پرسش‌های مهم پاسخ می‌گوید
که باعث شگفتی میلیون‌ها انسان شده‌اند؛ چنانکه قرآن کریم
بیان می‌دارد که چگونه الله آسمان‌ها و زمین را آفریده است؛
الله متعال می‌فرماید:

{أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا ۖ
وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ ۖ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ }

{آیا کسانی که کافر شدند، ندیدند که (در ابتدای خلقت،)
آسمان‌ها و زمین، به همدیگر پیوسته بودند، سپس آنها را از
یکدیگر جدا ساختیم و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید
آورده‌ایم؟! آیا ایمان نمی‌آورند؟!}. [الانبیاء: 30]. و چگونه
الله متعال انسان را آفریده است؛ الله متعال می‌فرماید:

{يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تَرَابٍ ثُمَّ
مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِّنْ مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَّكُمْ ۖ
وَنُقَرِّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِنَبْلُوًا
أَشْدَكُمْ ۖ وَمِنْكُمْ مَّن يُتَوَفَّىٰ وَمِنْكُمْ مَّن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمْرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ
مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا ۖ وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ
اهْتَرَتْ وَرَبَّتْ وَأَنْبَتَتْ مِن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ }

{ای مردم! اگر درباره‌ی برانگیخته شدن (دوباره مردگان) در شک هستید، پس (به این نکته دقت کنید): همانا ما شما را از خاک آفریدیم، سپس از نطفه و سپس از خون بسته شده، سپس از پاره گوشتی شکل یافته و شکل نیافته، تا (قدرت و حکمت خود را) برای شما آشکار سازیم؛ و هر چه را که بخواهیم تا زمانی معین در رحم (مادران) نگه می‌داریم، آنگاه شما را به صورت طفل بیرون می‌آوریم، تا اینکه به حد رشد (و بلوغ) خود برسید و برخی از شما می‌میرند و برخی دیگر از شما (آنقدر عمر می‌کند که) به نهایت پیری و فرتوتی می‌رسند، تا آنکه پس از علم و دانش، چیزی از آن به یاد نداشته باشند؛ و (به مثال دیگر توجه کنید): زمین را خشکیده می‌بینی، پس هنگامی که آب (باران) بر آن فرو می‌فرستیم، به حرکت در می‌آید و رشد می‌کند و از هر نوع گیاه زیبا (و خرم) رویش می‌کند}. [الحج:5]. براستی فرجام انسان چیست؟ و پاداش نیکوکار و بدکار پس از این دنیا چه خواهد شد؟ ادله این مسئله را در بخش شماره (20) بیان کردیم؛ و اینکه آیا این جهان تصادفی به وجود آمده یا برای یک هدف ارزشمند پدید آمده است؟. الله متعال می‌فرماید:

{أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجْلُهُمْ ۖ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ}

{آیا در مُلک (گسترده، عظیم و شگفت انگیز) آسمان ها و زمین و آنچه را که الله آفریده، نمی‌نگرند؟ و (آیا فکر نمی‌کنند) شاید اجل‌شان نزدیک شده باشد؟ پس بعد از این (قرآن) به کدام سخن ایمان می‌آورند؟}. [الأعراف: 185]. و الله متعال می‌فرماید:

{ أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ }

{آیا پنداشته‌اید که ما شما را بیهوده آفریده‌ایم و همانا شما به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟}. [المؤمنون: 115].

قرآن بزرگ، تا امروز به همان زبانی که با آن نازل شد محفوظ است؛ الله متعال می‌فرماید:

{ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ }

{همانا ما قرآن را نازل کردیم و همانا ما پاسدار آن هستیم}. [الحجر: 9]. حرفی از آن کم نشده و محال است که در آن تناقض یا نقص یا تبدیلی رخ دهد؛ الله متعال می‌فرماید:

{ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ ۚ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا }

{آیا در قرآن نمی‌اندیشند؟ و اگر از سوی غیر الله بود، قطعاً اختلاف (و تناقض) بسیاری در آن می‌یافتند}. [النساء: 82]. قرآن چاپ شده و منتشر می‌باشد و کتابی عظیم و معجزه‌ای است که شایسته‌ی خواندن یا گوش سپردن به آن یا

خواندن ترجمه معانی آن است؛ همچنین سنت پیامبرمان محمد -صلی الله علیه وسلم- و تعالیم و سیرت ایشان محفوظ و توسط سلسله‌ای از راویان مورد اعتماد نقل شده است؛ و سنت ایشان به زبان عربی چاپ شده، زبانی که رسول الله -صلی الله علیه وسلم- با آن سخن گفته است. و به بسیاری از زبان‌های جهان ترجمه شده است. قرآن کریم و سنت رسول الله -صلی الله علیه وسلم- تنها منابع احکام اسلام و تشریعات آن است. اسلام از رفتارهای منتسبان به این دین گرفته نمی‌شود بلکه از وحی معصوم الهی یعنی قرآن عظیم و سنت نبوی دریافت می‌گردد، چنانکه الله متعال درباره قرآن می‌فرماید:

{ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ - لَا يَأْتِيهِ الْبُطْلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ }

{بی‌گمان کسانی که به قرآن در هنگام رسیدن (و ابلاغ) به آنان کفر ورزیدند، (بر ما پوشیده نیستند) و همانا آن کتابی ارجمند است (41) و هیچگونه باطلی (از هیچ جهت و نظری) نه از پیش رو آن و نه از پشت سر آن، بدو راه نمی‌یابد، (چون) از سوی (الله) حکیم ستوده نازل شده است. [فصلت: 41-42]. و الله متعال درباره سنت نبوی و اینکه وحی الهی است، می‌فرماید:

{وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ فَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ }

{و هر آنچه که پیامبر (از احکام و تشریعات) برای شما آورده است، بگیرید (و اجرا کنید) و از هر آنچه شما را باز داشته است، دست بکشید (و ترک کنید) و از الله بترسید که همانا الله عقوبت سختی دارد}. [الحشر: 7].

29- و اسلام به نیکی کردن به پدر و مادر دستور می‌دهد، حتی اگر مسلمان هم نباشند و به نیکی کردن به فرزندان نیز توصیه می‌کند.

اسلام به نیکی در حق والدین دستور می‌دهد؛ الله متعال می‌فرماید:

{وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ۖ إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا }

{و پروردگارت چنین فرمان داده است که: جز او را عبادت نکنید و به پدر و مادر نیکی کنید، هرگاه یکی از آن دو یا هر دوی آنان نزد تو به سن پیری رسیدند، حتی کمترین اهانتی که (کلمه) اف است به ایشان نگو و بر سرشان فریاد نزن؛ و با آنان با نیکی (و محترمانه) سخن بگو}. [الإسراء: 23]. و الله متعال می‌فرماید:

{وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ }

{ما انسان را (برای نیکوکاری) به پدر و مادرش سفارش کرده‌ایم (زیرا) مادرش او را با ناتوانی پی در پی (دوران بارداری) حمل کرده است و (دوران شیرخوارگی و) بازگرفتن او دو سال می‌باشد، (و به او سفارش کردیم) که: شکرگزار من و پدر و مادرت باش (و بدان که) بازگشت (همگان) به سوی من است}. [لقمان: 14]. و الله متعال می‌فرماید:

{وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا ۖ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا ۖ وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا ۖ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي ۚ إِنَّي تَبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ }

{ما به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، (به ویژه) مادرش که او را با دشواری (در دوران بارداری) حمل می‌کند و او را با دشواری (در وقت زایمان) وضع حمل می‌کند و (دوران) بارداری و شیرخوارگی او سی ماه طول می‌کشد، (آنگاه دوران پرورش کودکانه و جوانانه او به پایان می‌رسد) تا (اینکه) به حد (کمال جسدی و) رشد (عقلانی) می‌رسد (و زمانی که) به سن چهل سالگی رسید، می‌گوید: پروردگارا، به من توفیق عطا فرما تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای، به جای آورم و کار شایسته‌ای انجام دهم که آن را می‌پسندی و فرزندان من را

نیکوکار گردان، همانا توبه کرده‌ام و به سوی تو بازگشته‌ام و همانا من از زمره مسلمانان هستم}۔ [الأحقاف: 15]۔ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ أَحَقُّ النَّاسِ بِحُسْنِ صَحَابَتِي؟ قَالَ: «أُمُّكَ» قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: «ثُمَّ أُمُّكَ» قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: «ثُمَّ أَبُوكَ» و ابوهريره - رضى الله عنه - روايت کرده است که مردی نزد رسول الله -صلى الله عليه وسلم- آمد و گفت: ای رسول الله، چه کسی اولتر به نیکرفتاری و همصحبتی من است؟ فرمود: "مادرت"، گفت: سپس چه کسی؟ فرمود: "سپس مادرت"، گفت: سپس چه کسی؟ فرمود: "سپس مادرت"، گفت: سپس چه کسی؟ فرمود: "سپس پدرت". صحيح مسلم.

و این توصیه برای همه پدر و مادر هاست، خواه مسلمان باشند یا نباشند. فَعَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ أَبِي بَكْرٍ قَالَتْ: (قَدِمْتُ أُمِّي وَهِيَ مُشْرِكَةٌ فِي عَهْدِ قُرَيْشٍ وَمُدَّتْهُمْ إِذْ عَاهَدُوا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَعَ ابْنِهَا فَاسْتَفْتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقُلْتُ: إِنَّ أُمِّي قَدِمَتْ وَهِيَ رَاغِبَةٌ، أَفَأَصِلُهَا؟ قَالَ: «نَعَمْ صِلِي أُمُّكَ» از اسماء دختر ابوبکر -رضی الله عنهما- روایت است که گفت: در مدتی که میان پیامبر -صلی الله علیه وسلم- و قریش عهد و پیمان صلح بود، مادرم که هنوز مشرک بود به همراه فرزندش (به مدینه) آمد، پس از پیامبر -صلی الله علیه وسلم- پرسیدم: مادرم آمده و اشتیاق (دیدن من را) دارد، آیا صله رحم را با او بجای آورم؟ فرمود: «بله، صله رحم را با او بجای بیاور». صحيح

بخاری. اما اگر پدر و مادر تلاش کنند تا فرزندشان را از اسلام به کفر برگردانند، در این صورت، اسلام به فرزند دستور می‌دهد که از آنان اطاعت نکند و مؤمن باقی بماند، و در حق‌شان نیکی کند و با آنان به خوبی رفتار کند؛ الله تعالی می‌فرماید:

{ وَإِنْ جُهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا ۚ وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفٌ ۚ وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ }

{و اگر آن دو (مشرک باشند و) تلاش کنند چیزی را شریک و انباز من قرار دهی که در مورد آن دانشی نداری، پس از آن دو اطاعت نکن و در دنیا با آنان به شایستگی و نیکویی رفتار کن و از راه کسی پیروی کن که (توبه کنان) به سوی من بازگشته است، آنگاه بازگشت‌تان به سوی من است و شما را از آنچه انجام می‌دادید آگاه می‌سازم.} [لقمان: 15].

اسلام، مسلمان را از نیکی کردن به خویشاوندان یا غیر خویشاوندان مشرک باز نمی‌دارد، مادامی که آنان با اسلام در ستیز نیستند؛ الله متعال می‌فرماید:

{ لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ }

{الله شما را از نیکی کردن و رعایت نمودن عدالت نسبت به کسانی که در (امر) دین، با شما نجنگیده‌اند و شما را از

دیارتان بیرون نکرده‌اند، نهی نمی‌کند؛ بی‌گمان الله عدالت پیشگان را دوست دارد. [الممتحنة: 8].

اسلام دستور داده که به فرزندان سفارش کنیم و مهمترین چیزی که اسلام دربارهٔ فرزند به پدر توصیه می‌کند، آموزش حقوق پروردگارشان بر آنان است؛ چنانکه پیامبر -صلی الله علیه وسلم- به پسر عمویش عبدالله بن عباس -رضی الله عنهما- فرمود: «يَا غُلَامُ أَوْ يَا غُلِيمُ أَلَا أُعَلِّمُكَ كَلِمَاتٍ يَنْفَعُكَ اللَّهُ بِهِنَّ؟ فَقُلْتُ: بَلَى. فَقَالَ: "أَحْفَظِ اللَّهَ يَحْفَظَكَ أَحْفَظِ اللَّهَ تَجِدْهُ أَمَامَكَ تَعْرِفْ إِلَيْهِ فِي الرَّخَاءِ يَعْرِفَكَ فِي الشَّدَّةِ وَإِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ وَإِذَا اسْتَعَنْتَ فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ» «يَا غُلَامُ أَوْ يَا غُلِيمُ أَلَا أُعَلِّمُكَ كَلِمَاتٍ يَنْفَعُكَ اللَّهُ بِهِنَّ؟ فَقُلْتُ: بَلَى. فَقَالَ: "أَحْفَظِ اللَّهَ يَحْفَظَكَ أَحْفَظِ اللَّهَ تَجِدْهُ أَمَامَكَ تَعْرِفْ إِلَيْهِ فِي الرَّخَاءِ يَعْرِفَكَ فِي الشَّدَّةِ وَإِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ وَإِذَا اسْتَعَنْتَ فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ».

«ای پسر، آیا سخنانی را به تو آموزش دهم که الله به وسیله آنها به تو سود رساند؟ گفتم: آری؛ فرمود: (اوامر و نواهی) الله را حفظ کن تا تو را محفوظ بدارد، (اوامر و نواهی) الله را حفظ کن، او را در جلوی خود خواهی یافت، در هنگام خوشی‌ها او را یاد کن تا در وقت سختی‌ها تو را یاد کند، و اگر خواسته‌ای داری، از الله درخواست کن؛ و اگر یاری جستی از الله یاری بخواه». امام احمد آن را روایت کرده است (287/4).

و الله متعال والدین را امر نموده تا آنچه از امور دین و دنیا به سود فرزندان‌شان باشد، به آنان آموزش دهند؛ الله متعال می‌فرماید:

{ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا فُؤَا أَنفُسِكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَفُودُهَا النَّاسُ
وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ
مَا يُؤْمَرُونَ }

{ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خودتان و خانواده‌تان را
از آتشی که ماده‌ی شعله‌ورکننده آن مردم و سنگ‌هاست،
محفوظ دارید، (آتشی که) فرشتگان خشن و سخت‌گیر بر آن
(گمارده شده‌اند) که هرگز از الله در (مورد) آنچه به آنان
فرمان داده است، نافرمانی نمی‌کنند و هرچه فرمان می‌یابند،
انجام می‌دهند}. [التحریم: 6]. علی - رضی الله عنه - درباره
این سخن الله متعال:

{فُؤَا أَنفُسِكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا }

{فُؤَا أَنفُسِكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا }. {ای کسانی که ایمان آورده‌اید،
خودتان و خانواده‌ی‌تان را از آتش محفوظ دارید}. می‌گوید:
«آنان را ادب کنید و آموزش دهید». و پیامبر -صلی الله علیه
وسلم- به پدران دستور داده که نماز را به فرزندان‌شان
آموزش دهند تا فرزندان همراه با نماز بزرگ شوند، پیامبر -
صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: (مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ
سَبْعِ سِنِينَ) «مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ سِنِينَ».
«فرزندان‌تان را درحالی‌که هفت سال دارند به نماز خواندن
امر کنید». ابوداود آن را روایت کرده است. و رسول الله -
صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ
رَعِيَّتِهِ الْإِمَامُ رَاعٍ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَالرَّجُلُ رَاعٍ فِي أَهْلِهِ وَهُوَ

مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ فِي بَيْتِ زَوْجِهَا وَمَسْئُولَةٌ عَنْ رَعِيَّتِهَا وَالْخَادِمُ رَاعٍ فِي مَالِ سَيِّدِهِ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَكُلُّكُمْ رَاعٍ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ الْإِمَامُ رَاعٍ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَالرَّجُلُ رَاعٍ فِي أَهْلِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ فِي بَيْتِ زَوْجِهَا وَمَسْئُولَةٌ عَنْ رَعِيَّتِهَا وَالْخَادِمُ رَاعٍ فِي مَالِ سَيِّدِهِ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَكُلُّكُمْ رَاعٍ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ». «همه‌ی شما مسئول هستید، حاکم و همه‌ی شما مسئول رعیت خود (زیردستان‌تان) هستید، حاکم مسئول است و در مورد رعیت خود بازخواست می‌شود؛ و مرد نسبت به خانواده خود مسئول است و از زیردستان خود سوال می‌شود؛ و زن در خانه شوهرش مسئول است و مسئول زیردستان خود است؛ و خدمتکار در مال صاحب‌کارش مسئول است و مسئول زیردستان خود است؛ و همه شما مسئولیت دارید و مسئول زیردستان خود هستید». صحیح ابن حبان (4490).

و اسلام به پدر دستور داده تا برای فرزندان و خانواده‌اش هزینه کند؛ پیش‌تر در بخش شماره (18) اندکی به این موضوع پرداختیم. پیامبر -صلی الله علیه وسلم- فضیلت انفاق کردن بر فرزندان و پرداخت هزینه‌های آنها را بیان نموده و فرموده است: «أَفْضَلُ دِينَارٍ يُنْفَقُهُ الرَّجُلُ: دِينَارٌ يُنْفَقُهُ عَلَى عِيَالِهِ وَدِينَارٌ يُنْفَقُهُ الرَّجُلُ عَلَى ذَاتِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَدِينَارٌ يُنْفَقُهُ عَلَى أَصْحَابِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». قَالَ أَبُو قَلَابَةَ: "وَبَدَأَ بِالْعِيَالِ ثُمَّ قَالَ أَبُو قَلَابَةَ: وَآيُ رَجُلٍ أَعْظَمَ أَجْرًا مِنْ رَجُلٍ يُنْفِقُ عَلَى عِيَالٍ صِغَارٍ يُعْفَقُهُمْ أَوْ

يَنْفَعُهُمُ اللَّهُ بِهِ وَيُغْنِيهِمْ" «أَفْضَلُ دِينَارٍ يُنْفِقُهُ الرَّجُلُ: دِينَارٌ يُنْفِقُهُ عَلَى عِيَالِهِ وَدِينَارٌ يُنْفِقُهُ الرَّجُلُ عَلَى دَابَّتِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَدِينَارٌ يُنْفِقُهُ عَلَى أَصْحَابِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». «بهترین دیناری که مرد آن را انفاق می‌کند، دیناری است که برای افراد تحت سرپرستیش انفاق می‌نماید و همچنین دیناری است که برای وسیله‌ی نقلیه خود جهت جهاد در راه الله انفاق می‌نماید؛ و همچنین دیناری است که برای دوستانش در راه الله هزینه می‌کند». ابو قلابه (که یکی از راویان است) می‌گوید: "رسول الله -صلی الله علیه وسلم- افراد تحت سرپرستی فرد را در اولویت قرار دادند؛ سپس ابوقلابه گفت: اجر و پاداش چه کسی بزرگتر از پاداش کسی است که بر فرزندان کوچکش انفاق کند و اینگونه آنان را پاکدامن تربیت نماید یا الله به وسیله‌ی او به آنان نفع برساند و بی‌نیازشان گرداند". صحیح مسلم (994).

30- اسلام به رعایت کردن عدالت در گفتار و کردار -حتی با دشمنان- دستور می‌دهد.

الله سبحانه و تعالی در تمام اعمال و تدبیر خود میان بندگان عادل و منصف است؛ و در آنچه امر و نهی کرده و در آنچه آفریده و مقدر فرموده بر راه راست است؛ الله متعال می‌فرماید:

{شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَانِمًا بِالْإِسْطِ ۚ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ }

{الله گواهی داده که معبودی (بحق) جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش (نیز) گواهی می‌دهند که (الله در

جهان هستی) عدالت را برپا کرده است، معبودی (بحق) جز او نیست، او توانمند حکیم است. [آل عمران: 18]. و الله متعال دستور به عدالت می‌دهد:

{قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ}

{بگو: پروردگارم به دادگری دستور داده است. [الأعراف: 29]. و همه انبیا و رسولان - علیهم السلام - برای عدالت و دادگری آمده‌اند؛ الله متعال می‌فرماید:

{لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ}

{به راستی که پیامبران خود را با دلایل آشکار و روشنی فرستاده‌ایم و همراه با آنان کتاب و میزان (تعیین) عدالت و دادپروری را نازل کردیم تا مردم (در بین خود) به عدالت برخیزند. [الحديد: 25]. میزان به معنای عدالت در گفتار و کردار است.

و اسلام به عدالت در گفتار و کردار - حتی با دشمنان - دستور داده است؛ الله متعال می‌فرماید:

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ ۚ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا ۖ فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا ۚ وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ نَعَرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا}

{ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برپادارنده عدالت باشید
(و) برای الله شهادت دهید، هرچند به زیان خودتان یا پدر و
مادر و نزدیکان (شما) باشد، اگر (یکی از دو طرف دعوا)
توانگر یا نیازمند باشد، الله از آنان سزاوارتر است؛ پس از
هوا و هوس خود پیروی نکنید که (از حق) منحرف می‌شوید؛
و اگر زبان را از ادای حق بپیچانید [(و حق را تحریف کنید)
یا (از اظهار آن) خودداری نمایید، مسلماً الله به آنچه انجام
می‌دهید آگاه است]. [النساء: 135]. و الله متعال می‌فرماید:

{وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ اَنْ صَدُّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اَنْ تَعْتَدُوْا
وَتَعَاوَنُوْا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوٰی ۚ وَلَا تَعَاوَنُوْا عَلَى الْاِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ۚ
وَاتَّقُوا اللّٰهَ ۚ اِنَّ اللّٰهَ شَدِيْدُ الْعِقَابِ}

{و دشمنی گروهی که شما را از مسجد الحرام بازداشتند،
نباید شما را به تعدی و تجاوز وادارد؛ و در راه نیکوکاری و
پرهیزگاری با همدیگر همکاری کنید و (هرگز) در راه گناه
و تجاوزگری همکاری نکنید؛ و از الله بترسید، بی‌گمان الله
سخت‌کیفر است}. [المائدة: 2]. و الله متعال می‌فرماید:

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ ۚ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ
شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَى اَلَّا تَعْدِلُوا ۚ اْعْدِلُوا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰی}

{ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای (انجام
واجبات) الله قیام کنید و عادلانه گواهی دهید، دشمنی با
گروهی شما را بر آن ندارد که عدالت‌گر نباشید، عدالت‌گر

باشید که به پرهیزگاری نزدیکتر است}]. [المائدة: 8]. آیا در قوانین یا ادیان ملت‌های امروزی چنین دستوری وجود دارد که فرد به حق و حقیقت شهادت دهد و سخن راست بگوید، هرچند علیه خود یا والدین یا نزدیکانش باشد؟ و دستور دهد تا نسبت به دوست و دشمن عادل باشد.

و پیامبر -صلی الله علیه وسلم- به برقراری عدالت در میان فرزندان امر نموده است. فَعَنْ عَامِرٍ قَالَ: سَمِعْتُ النُّعْمَانَ بْنَ بَشِيرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا وَهُوَ عَلَى الْمَنْبَرِ يَقُولُ: أَعْطَانِي أَبِي عَطِيَّةً فَقَالَتْ عَمْرَةُ بِنْتُ رَوَاحَةَ: لَا أَرْضَى حَتَّى تُشْهَدَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَتَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: إِنِّي أَعْطَيْتُ ابْنِي مِنْ عَمْرَةَ بِنْتِ رَوَاحَةَ عَطِيَّةً فَأَمَرَنِي أَنْ أَشْهَدَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: «أَعْطَيْتَ سَائِرَ وَلَدِكَ مِثْلَ هَذَا؟» قَالَ: لَا قَالَ: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ» قَالَ: فَرَجَعَ فَرَدَّ عَطِيَّتَهُ) از عامر روایت شده که می‌گوید: "شنیدم درحالی‌که نَعْمَان بن بَشِير -رضی الله عنهما- بر روی منبر بود، می‌گفت: پدرم چیزی را به من بخشید؛ پس عَمْرَة دختر رَوَاحَة گفت: راضی نمی‌شوم تا آنکه رسول الله -صلی الله علیه وسلم- به آن گواهی دهد؛ پس نزد رسول الله -صلی الله علیه وسلم- رفت و گفت: من به این فرزندم (که) از (فرزندان) عَمْرَة دختر رَوَاحَة است، چیزی بخشیده‌ام؛ ای رسول خدا، او از من خواسته است که شما را گواه آن بگردانم؛ پس ایشان فرمودند: «آیا به دیگر فرزندانمانند آن را بخشیده‌ای؟». گفت: خیر، فرمود: «پس تقوای الله را پیشه کنید و میان فرزندان خود عدالت را برقرار کنید». (راوی)

می‌گوید: پس برگشت و بخشش را پس داد". صحیح بخاری (2587).

زیرا امور مردم و دولت‌ها سر و سامان نمی‌گیرد، مگر با دادگری؛ و امنیت دینی، جانی، نسلی، ناموسی، مالی و سرزمینی مردم برقرار نمی‌شود، مگر با دادگری؛ از همین رو می‌بینیم که هنگامی که کافران مکه عرصه را بر مسلمانان تنگ کردند، پیامبر -صلی الله علیه وسلم- به مسلمانان دستور می‌دهد تا به حبشه مهاجرت کنند؛ و علت آن را چنین بیان نمودند که در آنجا پادشاهی دادگر وجود دارد که نزد وی به کسی ستم نمی‌شود.

31- اسلام به نیکی کردن در حق همه مردم دستور داده است و به سوی مکارم اخلاقی و رفتار پسندیده دعوت می‌کند.

اسلام به نیکی کردن در حق همه خلق دستور داده است، الله متعال می‌فرماید:

{إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ}

{همانا الله به عدالت، نیکوکاری و بخشش به نزدیکان دستور می‌دهد}. [النحل: 90]. و الله متعال می‌فرماید:

{الَّذِينَ يُنفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ ۗ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ}

{آن کسانی که در توانگری و تنگدستی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از مردم در می‌گذرند؛ و الله نیکوکاران را دوست می‌دارد}. [آل عمران: 134]. و پیامبرمان محمد -صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْإِحْسَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، فَإِذَا قَتَلْتُمْ فَأَحْسِنُوا الْقِتْلَةَ، وَإِذَا ذَبَحْتُمْ فَأَحْسِنُوا الذَّبْحَ، وَلْيُجِدْ أَعْدَاكُمْ شَفْرَةً، فَلْيُرْخَ ذَبِيحَتَهُ» «إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْإِحْسَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، فَإِذَا قَتَلْتُمْ فَأَحْسِنُوا الْقِتْلَةَ، وَإِذَا ذَبَحْتُمْ فَأَحْسِنُوا الذَّبْحَ، وَلْيُجِدْ أَعْدَاكُمْ شَفْرَةً، فَلْيُرْخَ ذَبِيحَتَهُ». «الله متعال نیکی کردن در هر موردی را واجب کرده است، پس اگر (به حق کسی را) به قتل رساندید، به روشی نیکو (او را) بکشید و اگر (حیوانی را) سر بریدید به خوبی آن را سر ببرید و باید هریک از شما چاقوی خود را تیز کند، تا حیوان را به راحتی سر ببرد». صحیح مسلم (1955).

و اسلام به مکارم اخلاقی و رفتار پسندیده فرامی‌خواند، الله متعال در وصف پیامبرمان محمد -صلی الله علیه وسلم- در کتاب‌های آسمانی پیشین می‌فرماید:

{الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَدْعُوهُمْ مَكْنُوبًا عِنْدَهُمْ فِي النُّورَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ ۚ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ}

{کسانی که از (این) فرستاده و پیامبر درس نخوانده‌ی (الله) پیروی می‌کنند، (پیامبری) که (همانا) نام (و) نشانه‌های) نوشته شده او را نزد خود در تورات و انجیل می‌یابند، (کسی که) آنان را به نیکی‌ها فرمان می‌دهد و از پلیدی‌ها باز می‌دارد و پاکیزه‌ها را برای‌شان حلال می‌گرداند و پلیدی‌ها را بر آنان حرام می‌کند و بار گران (تکالیف شرعی) را که بر آنان (واجب) بوده، از (عهده) آنان بر می‌دارد، پس کسانی که به او ایمان آوردند و او را گرامی داشتند و به او یاری رساندند و از نوری که بر او نازل شده، پیروی نمودند، آنانند که رستگارند}. [الأعراف: 157]. و

رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: «يَا عَائِشَةُ إِنَّ اللَّهَ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرَّفْقَ وَيُعْطِي عَلَى الرَّفْقِ مَا لَا يُعْطِي عَلَى الْعُنفِ وَمَا لَا يُعْطِي عَلَى مَا سِوَاهُ» «يَا عَائِشَةُ! إِنَّ اللَّهَ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرَّفْقَ وَيُعْطِي عَلَى الرَّفْقِ مَا لَا يُعْطِي عَلَى الْعُنفِ وَمَا لَا يُعْطِي عَلَى مَا سِوَاهُ». «ای عایشه، همانا الله مهربان است و نرمی و مهربانی را دوست دارد؛ و در مقابل مهربانی پاداش یا نتایجی می‌بخشد که در مقابل خشونت و چیزهای دیگر نمی‌بخشد». صحیح مسلم (2593). و رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ عَلَيْكُمْ: عُقُوقَ الْأُمّهَاتِ وَوَأْدَ الْبَنَاتِ وَمَنْعَ وَهَاتٍ وَكَرّهَ لَكُمْ قَيْلٍ وَقَالَ وَكَثْرَةَ السُّؤَالِ وَإِضَاعَةَ الْمَالِ» «إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ عَلَيْكُمْ: عُقُوقَ الْأُمّهَاتِ وَوَأْدَ الْبَنَاتِ وَمَنْعَ وَهَاتٍ وَكَرّهَ لَكُمْ قَيْلٍ وَقَالَ وَكَثْرَةَ السُّؤَالِ وَإِضَاعَةَ الْمَالِ». «همانا الله بدرفتاری

با مادران، زنده به گور کردن دختران و خودداری از ادای حقوق واجب و درخواست ناحق را حرام کرده است؛ و برای شما قیل و قال، سوال‌های زیاد (و درخواست‌های بی‌مورد فراوان) و هدر دادن و ضایع کردن مال را حرام کرده است». صحیح بخاری (2408). و رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: «لَا تَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى تُؤْمِنُوا وَلَا تُؤْمِنُوا حَتَّى تَحَابُّوا أَوْ لَا أدُلُّكُمْ عَلَى شَيْءٍ إِذَا فَعَلْتُمُوهُ تَحَابَبْتُمْ؟ أَفَشُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ؟» «لَا تَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى تُؤْمِنُوا وَلَا تُؤْمِنُوا حَتَّى تَحَابُّوا أَوْ لَا أدُلُّكُمْ عَلَى شَيْءٍ إِذَا فَعَلْتُمُوهُ تَحَابَبْتُمْ؟ أَفَشُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ؟». «به بهشت وارد نمی‌شوید تا آنکه ایمان بیاورید و ایمان نمی‌آورید تا آنکه یکدیگر را دوست داشته باشید؛ آیا شما را به چیزی راهنمایی نکنم که اگر آن را انجام دهید، همدیگر را دوست خواهید داشت؟ سلام کردن را میان خود منتشر کنید». صحیح مسلم (54).

32- اسلام به اخلاق شایسته مانند: راستی، امانتداری، پاکدامنی، حیا، شجاعت، بخشش، سخاوتمندی، یاری نیازمند، کمک به ستم‌دیده، غذا دادن به گرسنه، نیکی به همسایه، بجا آوردن صله رَحِم و مهربانی با حیوانات فرامی‌خواند.

اسلام به اخلاق پسندیده دستور می‌دهد؛ رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: (إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ صَالِحَ الْأَخْلَاقِ) (إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ صَالِحَ الْأَخْلَاقِ). «همانا مبعوث شده‌ام تا

اخلاق شایسته را تکمیل نماید». "صحیح الأدب المفرد" (207). و رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می فرماید: (نَّ مِنْ أَحَبِّكُمْ إِلَيَّ ، وَأَقْرَبُكُمْ مِنِّي مَجْلِسًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقًا ، وَإِنَّ أَبْغَضَكُمْ إِلَيَّ وَأَبْعَدَكُمْ مِنِّي مَجْلِسًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ الثَّرَثَارُونَ ، وَالْمُتَشَدِّقُونَ ، وَالْمُتَفَيِّهُونَ ، قَالُوا : قَدْ عَلِمْنَا الثَّرَثَارُونَ وَالْمُتَشَدِّقُونَ ، فَمَا الْمُتَفَيِّهُونَ ؟ قَالَ : الْمُتَكَبِّرُونَ) «نَّ مِنْ أَحَبِّكُمْ إِلَيَّ ، وَأَقْرَبُكُمْ مِنِّي مَجْلِسًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقًا ، وَإِنَّ أَبْغَضَكُمْ إِلَيَّ وَأَبْعَدَكُمْ مِنِّي مَجْلِسًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ الثَّرَثَارُونَ ، وَالْمُتَشَدِّقُونَ ، وَالْمُتَفَيِّهُونَ»، قَالُوا: قَدْ عَلِمْنَا الثَّرَثَارُونَ وَالْمُتَشَدِّقُونَ، فَمَا الْمُتَفَيِّهُونَ؟ قَالَ: «الْمُتَكَبِّرُونَ». «همانا محبوبترین شما نزد من و نزدیکترین شما به من در روز قیامت، خوش اخلاقترین شماست؛ و همانا مبغوضترین شما نزد من و دورترین شما از همنشینی من در روز قیامت، افراد بیهوده گو و گزافه گو و "مُتَفَيِّهُونَ" هستند؛ گفتند: ای رسول خدا، افراد بیهوده گو و گزافه گو را می شناسیم، اما "مُتَفَيِّهُونَ" چه کسانی هستند؟ فرمود: «متکبران». "السلسلة الصحيحة"، (791). وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: " لَمْ يَكُنِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَاحِشًا وَلَا مُتَفَحِّشًا" وَكَانَ يَقُولُ: (إِنَّ مِنْ خِيَارِكُمْ أَحْسَنَكُمْ أَخْلَاقًا) و از عبدالله بن عمرو بن العاص -رضی الله عنهما - روایت است که می گوید: به هیچ وجه رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بدگفتار و بدکردار نبود و می فرمود: «إِنَّ مِنْ خِيَارِكُمْ أَحْسَنَكُمْ أَخْلَاقًا». «همانا بهترین شما نیکرفتارترین تان است». صحیح بخاری (3559). و دیگر آیات و احادیثی که نشان می دهد اسلام به مکارم اخلاقی و رفتار پسندیده تشویق می نماید.

از دیگر مواردی که اسلام به آن دستور می‌دهد، راستی و صداقت است؛ رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: (عَلَيْكُمْ بِالصِّدْقِ فَإِنَّ الصِّدْقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ وَإِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ وَمَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَصْدُقُ وَيَتَحَرَّى الصِّدْقَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ صِدِّيقًا) «عَلَيْكُمْ بِالصِّدْقِ فَإِنَّ الصِّدْقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ وَإِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ وَمَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَصْدُقُ وَيَتَحَرَّى الصِّدْقَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ صِدِّيقًا». «راستگو باشید، همانا راستگویی به سوی نیکوکاری فرامی‌خواند و نیکوکاری به سوی بهشت فرامی‌خواند و فردی پیوسته راست می‌گوید و در پی راستگویی می‌باشد تا اینکه نزد الله به عنوان فرد بسیار راستگو نوشته می‌شود». صحیح مسلم، (2607).

از دیگر مواردی که اسلام به آن دستور می‌دهد: ادای امانت است؛ الله متعال می‌فرماید:

{إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا}

{همانا الله به شما دستور می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بازگردانید}. [النساء: 58].

و از دیگر مواردی که اسلام به آن دستور می‌دهد، پاکدامنی است؛ رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: «ثَلَاثَةٌ حَقُّ عَلَى اللَّهِ عَوْنُهُمْ: وَذَكَرُ مِنْهُمْ: وَالنَّكَاحُ الَّذِي يَرِيدُ الْعَفَافَ» «ثَلَاثَةٌ حَقُّ عَلَى اللَّهِ عَوْنُهُمْ». «سه تن این حق را نزد خداوند دارند که آنان را یاری رساند»؛ و یکی از مواردی که رسول الله -صلی الله علیه وسلم- ذکر نمود: «النَّكَاحُ الَّذِي يُرِيدُ الْعَفَافَ» «کسی است که برای پاکدامنی از دواج می‌کند». سنن

ترمذی (1655). و از دعاهاى پیامبر -صلی الله علیه وسلم- این بود که می فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَالتَّقَى وَالْعَفَافَ وَالْغِنَى» «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَالتَّقَى وَالْعَفَافَ وَالْغِنَى». «الهی من از تو هدایت، تقوا، پاکدامنی و بی نیازی را خواهانم». صحیح مسلم (2721).

و از دیگر مواردی که اسلام به آن دستور می دهد، حیا است؛ رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می فرماید: «الْحَيَاءُ لَا يَأْتِي إِلَّا بِخَيْرٍ» «الْحَيَاءُ لَا يَأْتِي إِلَّا بِخَيْرٍ» «حیا جز خیر و خوبی به همراه نمی آورد». صحیح بخاری (6117). و رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می فرماید: «لِكُلِّ دِينٍ خُلُقٌ وَخُلُقُ الْإِسْلَامِ الْحَيَاءُ» «لِكُلِّ دِينٍ خُلُقٌ وَخُلُقُ الْإِسْلَامِ الْحَيَاءُ». «در هر دینی اخلاق (ویژه ای) وجود دارد و اخلاق اسلام، حیا است». امام بیهقی آن را در شعب الایمان روایت کرده است، (6 / 2619).

و از دیگر اموری که اسلام به آن دستور می دهد، شجاعت است؛ از انس -رضی الله عنه- روایت است که می گوید: «كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَحْسَنَ النَّاسِ وَأَشْجَعَ النَّاسِ وَأَجْوَدَ النَّاسِ وَلَقَدْ فَرَعَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ فَكَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَبَقَهُمْ عَلَى فَرَسٍ» "پیامبر -صلی الله علیه وسلم- بهترین، شجاع ترین و بخشنده ترین مردم بود؛ یکبار اهل مدینه (به سبب صدایی بلند) دچار وحشت شدند، پس پیامبر -صلی الله علیه وسلم- زودتر از آنان سوار بر اسب (به سوی آن صدا) شتافت". صحیح بخاری (2820). و رسول الله -صلی الله علیه وسلم- از بزدلی به الله پناه می برد و می فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ

الْجُبْنِ» «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ». "الهی من از ترس و
بزدلی به تو پناه می‌آورم». صحیح بخاری (6374).

از دیگر مواردی که اسلام به آن دستور می‌دهد، بذل و
بخشش و بزرگواری است؛ الله متعال می‌فرماید:

{مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ
فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ ۗ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ
عَلِيمٌ }

{مثل کسانی که اموال خود را در راه الله انفاق می‌کنند،
همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه
یکصد دانه باشد و الله برای هر کسی که بخواهد چند برابر
می‌کند و الله گشایشگر داناست}. [البقرة: 261]. و از جمله
اخلاق رسول الله -صلی الله علیه وسلم- بخشنده‌گی بود؛ از ابن
عباس -رضی الله عنهما- روایت است که می‌گوید: «كَانَ
النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَجْوَدَ النَّاسِ بِالْخَيْرِ وَكَانَ أَجْوَدَ مَا يَكُونُ
فِي رَمَضَانَ حِينَ يَلْقَاهُ جَبْرِيْلُ وَكَانَ جَبْرِيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَلْقَاهُ كُلَّ لَيْلَةٍ
فِي رَمَضَانَ حَتَّى يَنْسَلَخَ يَغْرُضُ عَلَيْهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
الْقُرْآنَ فَإِذَا لَقِيَهُ جَبْرِيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ أَجْوَدَ بِالْخَيْرِ مِنَ الرِّيحِ
الْمُرْسَلَةِ» «پیامبر -صلی الله علیه وسلم- بخشنده‌ترین مردم
در خیرخواهی بود؛ و در رمضان بخشنده‌گی او بیشتر بود؛
هنگامی که جبرئیل به دیدارش می‌آمد؛ و جبرئیل - علیه
السلام - هر شب در رمضان تا پایان آن به دیدارش می‌آمد؛ و
پیامبر -صلی الله علیه وسلم- قرآن را بر وی عرضه

می‌داشت، پس هرگاه جبرئیل به دیدار ایشان می‌آمد، در خیررسانی، بخشنده‌تر از باد وزان بود». صحیح بخاری (1902).

و از جمله اموری که اسلام به آن دستور می‌دهد، یاری رساندن به نیازمند، فریادری ستم‌دیده، غذا دادن به گرسنه، حسن همجواری، ادای صلۀ رحم و مهربانی با حیوانات است. فَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَيُّ الْإِسْلَامِ خَيْرٌ؟ قَالَ: «تُطْعِمُ الطَّعَامَ وَتَقْرَأُ السَّلَامَ عَلَى مَنْ عَرَفْتَ وَمَنْ لَمْ تَعْرِفْ» چنانکه از عبدالله بن عمرو - رضی الله عنهما - روایت است که مردی از پیامبر -صلی الله علیه وسلم- پرسید: "کدام (بخش از) اسلام بهتر است؟ فرمود: «تُطْعِمُ الطَّعَامَ وَتَقْرَأُ السَّلَامَ عَلَى مَنْ عَرَفْتَ وَمَنْ لَمْ تَعْرِفْ».

«غذا دادن و سلام کردن بر کسی که می‌شناسی و کسی که نمی‌شناسی». صحیح بخاری (12). و رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: «بَيْنَمَا رَجُلٌ يَمْشِي بِطَرِيقٍ اشْتَدَّ عَلَيْهِ الْعَطَشُ فَوَجَدَ بَيْرًا فَنَزَلَ فِيهَا فَشَرِبَ ثُمَّ خَرَجَ فَإِذَا كَلْبٌ يَلْهَثُ يَأْكُلُ التُّرَى مِنَ الْعَطَشِ فَقَالَ الرَّجُلُ: لَقَدْ بَلَغَ هَذَا الْكَلْبُ مِنَ الْعَطَشِ مِثْلُ الَّذِي كَانَ بَلَغَ بِي فَنَزَلَ الْبَيْرَ فَمَلَأَ خُفَّهُ ثُمَّ أَمْسَكَهُ فِيهِ فَسَقَى الْكَلْبَ فَشَكَرَ اللَّهُ لَهُ فَعَفَرَ لَهُ» قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَإِنَّ لَنَا فِي الْبَهَائِمِ أَجْرًا؟ فَقَالَ: «نَعَمْ فِي كُلِّ ذَاتٍ كَبِدٍ رَطْبَةٍ أَجْرٌ» «مردی درحالی‌که بسیار تشنه بود پیاده راهی را می‌پیمود که چاه آبی یافت و از آن پایین رفت و آب نوشید؛ سپس بیرون آمد و سگی را دید که له له می‌زند و از شدت تشنگی خاک می‌خورد؛ پس آن مرد با خود گفت: این سگ از شدت تشنگی به همان وضعیتی رسیده

که من به آن رسیده بودم؛ پس از چاه پایین رفت و پاپوش خود را پر از آب کرد و به دهان گرفت (و بالا آمد) و به آن سگ آب داد، پس الله از او تشکر کرد و او را آمرزید». گفتند: ای رسول خدا، آیا در خوشرفتاری با حیوانات هم برای ما اجر و پاداش است؟ فرمود: «آری، در (غذا دادن یا آب دادن) به هر (مخلوقی که) دارای جگر خیس است (هر زنده جانی)، پاداش وجود دارد». صحیح ابن حبان (544). و رسول الله - صلی الله علیه و سلم - می‌فرماید: «السَّاعِي عَلَى الْأَرْمَلَةِ وَالْمِسْكِينَ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ الْقَائِمِ اللَّيْلَ الصَّائِمِ النَّهَارَ» «السَّاعِي عَلَى الْأَرْمَلَةِ وَالْمِسْكِينَ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ الْقَائِمِ اللَّيْلَ الصَّائِمِ النَّهَارَ». «کسی که به بیوزن و بینوا کمک می‌کند مانند مجاهد در راه الله است یا کسی که شب نماز می‌خواند و روز را روزه می‌گیرد». صحیح بخاری (5353).

و اسلام بر حقوق خویشاوندان تأکید می‌کند و صله‌ی رحم با خویشاوندان را واجب می‌داند؛ الله متعال می‌فرماید:

{النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ ۖ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ ۗ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَقُولُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا ۚ كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ۝}

{پیامبر نسبت به مؤمنان، از خودشان سزاوارتر است و همسران او مادران مؤمنان هستند؛ و در کتاب الله، خویشاوندان نسبت به همدیگر از مؤمنان و مهاجران سزاوارترند، مگر اینکه به دوستان‌تان نیکی کنید (و سهمی

از اموال تان را به آنان ببخشید) این (حکم) در آن کتاب (لوح محفوظ) نوشته شده است. [الأحزاب: 6]. و نسبت به قطع پیوند خویشاوندی هشدار داده است و آن را مقرون به فساد در زمین آورده است؛، الله متعال می‌فرماید:

{فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ (22) أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ (23) }

{آیا هنگامی که زمام امور را در دست بگیرید (و بر ضد مردم دسیسه‌چینی نموده و از دستورات الهی سرپیچی کنید و) در زمین تباهی ورزید و پیوند خویشاوندی‌تان را قطع کنید (22)}

{آنان کسانی هستند که الله نفرین‌شان کرده، پس گوش‌های‌شان را (از شنیدن حق) گر کرده و چشم‌های‌شان را (دیدن حقیقت) کور ساخته است (23)} [محمد: 22-23]. و رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَاطِعٌ رَحِمٍ». «قطع کننده پیوند خویشاوندی وارد بهشت نمی‌شود». صحیح مسلم (2556). و خویشاوندانی که حفظ پیوند خویشاوندی با آنان واجب است، عبارتند از: پدر و مادر، خواهران و برادران، عموها، عمه‌ها، دایی‌ها و خاله‌ها. و اسلام بر حق همسایه تاکید دارد، حتی اگر کافر باشد؛ الله متعال می‌فرماید:

{وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا ۚ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ
وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ
بِالْجَنْبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ
مُخْتَلًا فَخُورًا}

{و الله را عبادت كنيد و چيزی را با او شريك نگرديد و
به پدر و مادر نيکی كنيد و (همچنين) به خويشاوندان، يتيمان،
بينوايان، همسايه خويشاوند و همسايه غير خويشاوند، همنشين
و (مسافران) درمانده و بردگانی که مالک آنان هستيد (نيکی
كنيد و بدانيد که) يقيناً الله کسی را که متکبر و فخر فروش
باشد، دوست ندارد}. [النساء: 36]. و رسول الله -صلی الله
عليه و سلم- می فرماید: (مَا زَالَ جِبْرِيلُ يُوصِينِي بِالْجَارِ حَتَّى
ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُورُّهُ) «مَا زَالَ جِبْرِيلُ يُوصِينِي بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ
أَنَّهُ سَيُورُّهُ». «همواره جبريل در مورد همسايه مرا توصيه
می کرد تا جایی که گمان کردم همسايه از همسايه ارث خواهد
برد». صحيح ابوداود (5152).

**33- اسلام خوردنی ها و نوشيدنی های پاکيزه را
حلال کرده است و به پاکيزگی قلب و پاکيزگی بدن و
منزل دستور داده و به همين خاطر ازدواج را حلال
نموده است؛ چنانکه به پيامبرانش چنين دستور داده**

است؛ و آنان به (استفاده کردن از) هر چیز پاکیزه‌ای
دستور می‌دهند.

و اسلام خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های پاکیزه را حلال کرده
است؛ رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا
النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ لَا يَقْبَلُ إِلَّا الطَّيِّبَ وَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا أَمَرَ
بِهِ الْمُرْسَلِينَ قَالَ تَعَالَى: {يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا
صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ} وَقَالَ تَعَالَى: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا
مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ} الْآيَةَ قَالَ:
ثُمَّ ذَكَرَ الرَّجُلَ يُطِيلُ السَّفَرَ أَشْعَثَ أَغْبَرَ يَمُدُّ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ: يَا رَبِّ
يَا رَبِّ وَمَطْعَمُهُ حَرَامٌ وَمَلْبَسُهُ حَرَامٌ وَمَشْرَبُهُ حَرَامٌ وَغَدْيِي بِالْحَرَامِ
فَأَنِّي يُسْتَجَابُ لِذَلِكَ؟!» «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ لَا يَقْبَلُ إِلَّا
الطَّيِّبَ وَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا أَمَرَ بِهِ الْمُرْسَلِينَ. قَالَ تَعَالَى:
{يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا} إِنِّي بِمَا
تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ» [المؤمنون: 51] وَقَالَ تَعَالَى: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ} [البقرة: 172]
قَالَ: ثُمَّ ذَكَرَ الرَّجُلَ يُطِيلُ السَّفَرَ أَشْعَثَ أَغْبَرَ
يَمُدُّ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ: يَا رَبِّ يَا رَبِّ وَمَطْعَمُهُ حَرَامٌ وَمَلْبَسُهُ حَرَامٌ
وَمَشْرَبُهُ حَرَامٌ وَغَدْيِي بِالْحَرَامِ فَأَنِّي يُسْتَجَابُ لِذَلِكَ?!». «ای
مردم، همانا الله پاک است و جز پاکی را نمی‌پذیرد و همانا الله
مؤمنان را به همان چیزی امر نموده که پیامبران را نیز به آن
امر نموده است؛ الله متعال می‌فرماید: {ای پیامبران از
پاکیزه‌ها بخورید و اعمال نیک انجام دهید، من به آنچه انجام
می‌دهید، آگاهم}. و الله متعال می‌فرماید: {ای کسانی که ایمان
آورده‌اید، از چیزهای پاکیزه‌ای که روزی شما قرار داده‌ایم
بخورید و شکر الله را به جای آورید، اگر تنها او را عبادت

می‌کنید؟». راوی می‌گوید: «سپس مردی را ذکر نمود که سفرش طولانی بوده، (به همین خاطر) موهایش ژولیده و غبار آلود شده، (با این حالت) دستانش را (برای دعا) به سوی آسمان بلند می‌کند (و می‌گوید): یا الهی یا الهی! درحالی‌که غذایش حرام است و لباسش حرام است و نوشیدنی‌اش حرام و (بدنش) با حرام تغذیه شده است، پس چگونه دعایش مستجاب می‌شود؟». صحیح مسلم، (1015). و الله متعال می‌فرماید:

{قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ ۚ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۚ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ}

{بگو: چه کسی لباس (و زینت‌هایی) را که الله برای بندگانش پدید آورده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟! بگو: این (نعمت‌های پاکیزه) در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند، (اگر چه کافران نیز در این دنیا از آنها بهره‌مند می‌شوند، اما) روز قیامت خاص (برای مومنان) خواهد بود، اینچنین آیات (خود) را برای گروهی که می‌دانند بیان می‌کنیم}. [الأعراف: 32].

همچنین اسلام به پاکی قلب و پاکیزگی بدن و منزل دستور داده است؛ و به همین خاطر ازدواج را حلال نموده است؛ چنانکه به انبیا و رسولان چنین دستور داده است؛ و آنان به همه‌ی پاکیزه‌ها دستور می‌دهند؛ الله متعال می‌فرماید:

{وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ اَزْوَاجِكُمْ بَنِيْنَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ اَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُوْنَ وَبِِنِعْمَتِ اللّٰهِ هُمْ يَكْفُرُوْنَ}

{و الله برای شما از (جنس) خودتان همسرانی قرار داد و از همسران تان برای شما فرزندان و نوادگان پدید آورد و از پاکیزه ها به شما روزی داد، آیا به باطل ایمان می آورند و آنان به نعمت الله کفر می ورزند؟!}. [النحل: 72]. و الله متعال می فرماید:

{ وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ (4) وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ (5) }

{و لباس هایت را پاکیزه بدار (4)}

و از پلیدی دوری کن (5)}. [المدرثر: 4-5]. و رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می فرماید: (لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبَرٍ. قَالَ رَجُلٌ: إِنَّ الرَّجُلَ يُحِبُّ أَنْ يَكُونَ ثَوْبُهُ حَسَنًا وَنَعْلُهُ حَسَنَةً قَالَ: إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ الْكِبَرُ بَطَرُ الْحَقِّ وَغَمَطُ النَّاسِ) «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبَرٍ». قَالَ رَجُلٌ: إِنَّ الرَّجُلَ يُحِبُّ أَنْ يَكُونَ ثَوْبُهُ حَسَنًا وَنَعْلُهُ حَسَنَةً قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ الْكِبَرُ بَطَرُ الْحَقِّ وَغَمَطُ النَّاسِ». «کسی که در دلش به اندازه ی ذره ای تکبر وجود داشته باشد، وارد بهشت نمی شود». مردی (از ایشان) پرسید: شخصی دوست دارد لباس و کفشش خوب و زیبا باشد (آیا این مصداق تکبر است)؟ فرمود: «الله زیباست و زیبایی را

دوست دارد؛ تکبر، زیر پا نهادن حق و تحقیر مردم است». صحیح مسلم (91).

34- و اسلام اصول و پایه‌های محرمات، مانند شرک و ورزیدن به الله، کفر، بت‌پرستی، نسبت دادن سخنی به الله بدون علم و دانش، کشتن فرزندان، کشتن جانی که حرمت دارد، تباهی در زمین، سحر و جادوگری، زشتی‌های آشکار و پنهان، زنا، لواط و همجنس‌گرایی، ربا خواری، خوردن گوشت مردار، خوردن آنچه برای بت‌ها قربانی شده، گوشت خوک و دیگر نجاست‌ها و ناپاکی‌ها، خوردن مال یتیم، کم کردن پیمان‌ها یا وزن و قطع پیوند خویشاوندی را حرام کرده است؛ و (تشریعات) همه پیامبران -علیهم السلام- بر تحریم این موارد اتفاق دارد.

اسلام اصول و پایه‌های محرمات، مانند شرک و ورزیدن به الله، کفر، بت‌پرستی، نسبت دادن سخنی به الله بدون علم و دانش و کشتن فرزندان را حرام کرده است؛ الله متعال می‌فرماید:

{ قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا أَلْفُوحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطْنٌ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكَمْ وَصَلَكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْكَيلِ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تَكْفِ

نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا
ذَٰلِكُمْ وَصَلَّيْكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ}

{بگو: بیاپید آنچه را که پروردگارتان بر شما حرام کرده است، برایتان بخوانم: اینکه چیزی را با او شریک قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید و فرزندان خود را از (ترس) تنگدستی نکشید، ما به شما و آنان روزی می‌دهیم و به (کارهای) زشت و ناشایست آنچه آشکار باشد یا پنهان، نزدیک نشوید و کسی که الله (کشتن) او را حرام کرده است، جز به حق نکشید، این چیزی است که الله شما را به آن سفارش نموده است، شاید که خرد ورزید (151)}

و به مال یتیم نزدیک نشوید، مگر به بهترین صورتی (که در راستای منفعت او باشد) تا به سن (بلوغ و) رشد (عقلی) خود برسد؛ و (سنجش) پیمانه و (وزن) ترازو را به عدالت رعایت کنید، ما هیچکس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌کنیم و هنگامی که سخن می‌گویید (یا گواهی می‌دهید) عدالت را رعایت کنید، هرچند (درباره) خویشاوند باشد و به عهد و پیمان الله وفا کنید، این است (آنچه الله) شما را به (پیروی از) آن سفارش کرده است، شاید که پند گیرید (152). [الأنعام: 151-152]. و الله متعال می‌فرماید:

{ قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ
بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى
اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ}

{بگو: همانا (الله) کارهای زشت را، چه آشکارا باشد و چه پنهان و (نیز) گناه و سرکشی به ناحق را حرام کرده است؛ و اینکه چیزی را شریک الله قرار دهید که الله دلیلی بر (حقانیت) آن نازل نکرده است و چیزی را که نمی‌دانید به الله نسبت دهید (حرام نموده است)}. [الأعراف: 33].

و اسلام کشتن جان محترم را حرام دانسته است؛ الله متعال می‌فرماید:

{وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا}

{و کسی که الله (به قتل رساندن آن را) حرام کرده است جز به حق نکشید؛ و هرکس به ستم کشته شود، به قیّم او قدرت (و حق قصاص) داده‌ایم، او نیز نباید در (کیفر) قتل زیاده‌روی کند، بی‌تردید او (ولیّ دم) تحت حمایت (الله و شریعت او) قرار دارد}. [الإسراء: 33]. و الله متعال می‌فرماید:

{وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ أَنْفُسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ ۚ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا}

{و کسانی که معبود دیگری با الله نمی‌خوانند و کسی که الله [کشتن او را] حرام کرده است، جز به حق نمی‌کشند و زنا نمی‌کنند؛ و هرکس این (گناهان) را مرتکب شود، کیفر گناه (خویش) را می‌بیند}. [الفرقان: 68].

و همچنین اسلام، فساد و تبهکاری در زمین را حرام دانسته است؛ الله متعال می‌فرماید:

{وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا}

{و در زمین پس از اصلاح آن تباهی نکنید}. [الأعراف:

56].

وقال الله تعالى مخبراً عن النبي شعيب عليه السلام أن قال لقومه: {يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ ۖ قَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ ۖ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ۚ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ}

الله متعال از پیامبرش شعيب - عليه السلام - خبر می‌دهد که ایشان خطاب به قومش فرمود:

{ای قوم من، الله را عبادت کنید که جز او معبودی (بحق) ندارید، یقیناً از (سوی) پروردگارتان برای شما دلیلی روشن آمده است، پس (حق) پیمان‌ها و ترازو را کامل (و صحیح) ادا کنید و از (ارزش) کالای مردم نگاهید و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید، اگر ایمان دارید؛ این برای شما بهتر است}. [الأعراف: 85].

اسلام سحر و جادوگری را حرام کرده است؛ الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

{وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلَقَفَ مَا صَنَعُوا ۚ إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سِحْرٌ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى}

{و آنچه در دست راست خود داری، بیفکن تا [تمام] آنچه ساخته‌اند ببلعد؛ بی‌تردید، آنچه آنان ساخته‌اند، فقط نیرنگ جادوگر است و جادوگر هر جا که باشد (و هر چه انجام دهد)، رستگار نمی‌گردد}. [طه: 69]. و رسول الله -صلی الله علیه

وسلم- می‌فرماید: «اجْتَنِبُوا السَّبْعَ الْمُوبِقَاتِ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا هُنَّ؟ قَالَ: الشِّرْكَ بِاللَّهِ وَالسِّحْرُ وَقَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَكْلُ الرِّبَا وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ وَالنَّوْلِي يَوْمَ الزَّحْفِ وَقَذْفُ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ الْغَافِلَاتِ» «اجْتَنِبُوا السَّبْعَ الْمُوبِقَاتِ». قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا هُنَّ؟ قَالَ: «الشِّرْكَ بِاللَّهِ وَالسِّحْرُ وَقَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَكْلُ الرِّبَا وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ وَالنَّوْلِي يَوْمَ الزَّحْفِ وَقَذْفُ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ الْغَافِلَاتِ». «از هفت گناه هلاک‌کننده دوری کنید». گفتند: یا رسول الله، آنها چه هستند؟ فرمودند: «شُرک ورزیدن به الله متعال، سحر، کشتن کسی که الله متعال (کشتن) او را حرام کرده است مگر به حق؛ رباخواری، خوردن مال یتیم، فرار کردن هنگام نبرد و تهمت زدن به زنان مؤمن پاکدامن بی‌گناه». صحیح بخاری (6857).

اسلام زشتی‌های آشکار و پنهان و زنا و عمل قوم لوط را حرام دانسته است؛ در آغاز این بخش آیات مربوط به تحریم این موارد ذکر گردید؛ همچنین اسلام رباخواری را حرام کرده است؛ الله متعال می‌فرماید:

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (278) فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ ۖ وَإِن تُبْنُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ (279)}

{ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از الله بترسید اگر مؤمن هستید و آنچه را که از (مطالبات) ربا باقیمانده است، رها کنید (278)}

پس اگر (چنین) نکرديد، بدانيد که الله و رسولش با شما خواهند جنگيد و اگر توبه کرديد، اصل سرمايه‌های‌تان از آن شماست، (بنابر این) نه ستم می‌کنيد و نه بر شما ستم می‌شود. [البقرة: 278-279]. الله متعال هیچ گناهکاری را همچون رباخواران تهديد به جنگ نکرده است؛ زیرا رباخواری به تباهی دين، وطن، مال و جان می‌انجامد.

اسلام مردارخواری و خوردن آنچه برای بت‌ها ذبح شده و گوشت خوک را حرام کرده است؛ الله متعال می‌فرماید:

{حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخَنزِيرِ وَمَا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ۚ ذَٰلِكُمْ فِسْقٌ }

{(گوشت) مردار و خون و گوشت خوک و آنچه (هنگام ذبح) نام غیر الله بر آن برده شود و (حیوانی که) خفه شده و با ضربه مرده باشد و از بلندی افتاده و به ضربه‌ی شاخ (حیوان دیگری) مرده باشد و آنچه درندگان خورده باشند، -

مگر آنکه ذبح (شرعی) کرده باشید - و آنچه برای بت‌ها ذبح شده و آنکه با تیرهای فال بخت و قسمت طلب کنید (همه) بر شما حرام شده و (روی آوردن به تمام) اینها فسق و نافرمانی است. [المائدة: 3].

اسلام نوشیدن مست کننده‌ها و دیگر انواع نجاست‌ها و ناپاکی‌ها را حرام کرده است؛ الله متعال می‌فرماید:

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجَسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (90) إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ ۖ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ (91)}

{ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بی‌تردید شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه‌کشی (فالگیری) پلید (و) از عمل شیطان هستند، پس از آنها دوری کنید، شاید که رستگار شوید (90)}

{همانا شیطان می‌خواهد با شراب و قمار، در میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد الله و از نماز بازدارد، پس آیا از آنها دست برمی‌دارید؟}. [المائدة: 90-91]. پیش‌تر در بخش شماره (31) بیان شد که الله متعال یکی از صفات رسول الله -صلی الله علیه و سلم- در تورات را چنین ذکر نموده که ناپاکی‌ها را بر آنان حرام می‌گرداند؛ الله متعال می‌فرماید:

{ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْنُوبًا عِنْدَهُمْ فِي
النُّورَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ
الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي
كَانَتْ عَلَيْهِمْ } }

{کسانی که از (این) فرستاده و پیامبر درس خوانده‌ی
(الله) پیروی می‌کنند، (پیامبری) که (همانا) نام (و)
نشانه‌های) نوشته شده او را نزد خود در تورات و انجیل
می‌یابند، (کسی که) آنان را به نیکی‌ها فرمان می‌دهد و از
پلیدی‌ها باز می‌دارد و پاکیزه‌ها را برای‌شان حلال می‌گرداند
و پلیدی‌ها را بر آنان حرام می‌کند و اعمال مشقت‌بار و قید و
بندهایی را که بدان مکلف شده بودند از [عهده] آنان
برمی‌دارد}. [الأعراف: 157].

اسلام، خوردن مال یتیم را حرام کرده است؛ الله متعال
می‌فرماید:

{وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ ۖ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ ۖ وَلَا تَأْكُلُوا
أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ ۚ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا}

{و به یتیمان اموال‌شان را تحویل دهید و (اموال) ناپاک
(خود) را با (اموال) پاک (یتیمان) عوض نکنید و اموال آنان
را (با مخلوط کردن در) اموال خودتان نخورید، به راستی که
این گناه بزرگی است}. [النساء: 2]. و الله متعال می‌فرماید:

{إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا ۖ وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا}

{در حقیقت، کسانی که اموال یتیمان را به ستم می‌خورند، جز این نیست که آتش در شکم خویش فرو می‌برند و به زودی به آتشی برافروخته درمی‌آیند}. [النساء: 10].

اسلام کم‌فروشی از طریق دستکاری پیمان‌ها و ترازو را حرام نموده است؛ الله متعال می‌فرماید:

{وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ (1) الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ (2) وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ (3) أَلَا يَظُنُّ أُولَٰئِكَ أَنَّهُم مَّبْعُوثُونَ (4)}

{وای به حال کم‌فروشان (در پیمان‌ها و وزن‌ها) (1)}

کسانی که چون (برای خود) از مردم پیمان‌ها می‌کنند، حق خود را کامل می‌گیرند (2)

و هنگامی که (می‌خواهند) برای آنان پیمان‌ها یا وزن کنند، کم می‌گذارند (3)

آیا آنان گمان نمی‌کنند که (روز قیامت فرا می‌رسد و آنان از قبرها) برانگیخته می‌شوند؟ (4)}. [المطففين: 1-4].

اسلام قطع پیوند خویشاوندی را حرام کرده است؛ در بخش شماره (31) به ذکر آیات و احادیث دال بر آن پرداختیم و

(شریعت) همه این انبیا و رسولان - علیهم السلام- بر تحریم این محرمات اتفاق دارد.

35- اسلام از اخلاق نکوهیده و ناپسندی مانند:
دروغ، کلاهبرداری، خیانت، فریبکاری، حسادت،
نیرنگ زشت، دزدی، تجاوزگری و ستمگری نهی
کرده و از هرگونه اخلاق ناپسندیده‌ای نهی کرده
است.

اسلام به طور کلی از اخلاق ناپسند نهی می‌کند؛ الله متعال
می‌فرماید:

{ وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ
كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ }

{و (با بی‌اعتنایی) از مردم روی مگردان و مغرورانه
روی زمین راه نرو؛ همانا الله هیچ متکبر فخرفروشی را
دوست ندارد}. [لقمان: 18]. رسول الله -صلی الله علیه وسلم-
می‌فرماید: « إِنْ مِنْ أَحَبِّكُمْ إِلَيَّ وَأَقْرَبُكُمْ مِنِّي مَجْلِسًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ
أَحَاسَنُكُمْ أَخْلَاقًا وَإِنَّ أَبْغَضَكُمْ إِلَيَّ وَأَبْعَدَكُمْ مِنِّي مَجْلِسًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ
الثَّرَاوُونَ وَالتَّمْتَذِقُونَ وَالتَّمْتَذِقُونَ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ عَلِمْنَا
الثَّرَاوُونَ وَالتَّمْتَذِقُونَ فَمَا التَّمْتَذِقُونَ قَالَ الْمُتَكَبِّرُونَ » « إِنْ مِنْ
أَحَبِّكُمْ إِلَيَّ وَأَقْرَبُكُمْ مِنِّي مَجْلِسًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحَاسَنُكُمْ أَخْلَاقًا وَإِنَّ
أَبْغَضَكُمْ إِلَيَّ وَأَبْعَدَكُمْ مِنِّي مَجْلِسًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ الثَّرَاوُونَ
وَالتَّمْتَذِقُونَ وَالتَّمْتَذِقُونَ ». قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ عَلِمْنَا
الثَّرَاوُونَ وَالتَّمْتَذِقُونَ فَمَا التَّمْتَذِقُونَ؟ قَالَ: « الْمُتَكَبِّرُونَ ».

«همانا محبوبترین شما نزد من و نزدیکترین شما به همنشینی من در روز قیامت، خوش اخلاقترین شماست؛ و همانا مبعوضترین شما نزد من و دورترین شما از همنشینی من در روز قیامت، افراد بیهوده‌گو و گزافه‌گو و "مُتَفَيِّهَقُونَ" هستند». گفتند: ای رسول الله، افراد بیهوده‌گو و گزافه‌گو را می‌شناسیم، اما "مُتَفَيِّهَقُونَ" چه کسانی هستند؟ فرمود: «متکبران». السلسلة الصحيحة (791).

اسلام از دروغ گفتن نهی می‌کند؛ الله متعال می‌فرماید:

{ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ }

{همانا الله کسی را که اسرافکار دروغ‌گو باشد، هدایت نمی‌کند}. [غافر: 28]. و رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: «وَأَيَّاكُمْ وَالْكَذِبَ فَإِنَّ الْكَذِبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ وَإِنَّ الْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ وَمَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَكْذِبُ وَيَتَحَرَّى الْكَذِبَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ كَذَّابًا» «وَأَيَّاكُمْ وَالْكَذِبَ فَإِنَّ الْكَذِبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ وَإِنَّ الْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ وَمَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَكْذِبُ وَيَتَحَرَّى الْكَذِبَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ كَذَّابًا». «از دروغ‌گویی برحذر باشید؛ زیرا دروغ‌گویی (انسان را) به سوی گناهان هدایت می‌کند و گناهان (انسان را) به سوی دوزخ هدایت می‌کند؛ و شخص پیوسته دروغ می‌گوید و در پی دروغ‌گویی می‌باشد تا اینکه به عنوان دروغ‌گو نزد الله نوشته می‌شود». صحیح مسلم (2607). و رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: «آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ: إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا

اَوْثُمِينَ خَانَ» «آیَةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ: إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا اَوْثُمِينَ خَانَ». «نشانه منافق سه چیز است: هرگاه سخن گوید، دروغ می‌گوید و هرگاه وعده دهد خلاف وعده می‌کند و هرگاه امانتی به او سپرده شود، در آن خیانت می‌کند». صحیح بخاری (6095).

اسلام از کلاهبرداری نهی می‌کند. وجاء في الحديث أن رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّ عَلَى صُبْرَةٍ طَعَامٍ فَأَدْخَلَ يَدَهُ فِيهَا فَنَالَتْ أَصَابِعُهُ بَلًّا فَقَالَ: «مَا هَذَا يَا صَاحِبَ الطَّعَامِ؟» قَالَ أَصَابَتْهُ السَّمَاءُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: أَفَلَا جَعَلْتَهُ فَوْقَ الطَّعَامِ كَيْ يَرَاهُ النَّاسُ مَنْ غَشَّ فَلَيْسَ مِنِّي» در حدیثی آمده که رسول الله -صلی الله علیه وسلم- (در بازار مدینه) از کنار کیسه‌ای غذا (غلات و حبوبات) می‌گذشت، پس دستش را درون آن فرو برد که انگشتانش خیس شد، پس فرمود: «این چیست ای صاحب غذا؟» گفت: ای رسول خدا، باران خورده است؛ فرمود: «چرا (قسمت خیس شده‌ی) آن را بالا قرار نداده‌ای تا مردم آن را ببینند؟ کسی که تقلب و کلاهبرداری کند از (پیروان واقعی) من نیست». صحیح مسلم (102).

اسلام از خیانت و فریب نهی کرده است؛ الله متعال می‌فرماید:

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ}

{ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به الله و پیامبر خیانت نکنید و (همچنین) در امانت‌های تان خیانت نکنید، در حالی که آگاهی دارید}. [الأنفال: 27]. و الله متعال می‌فرماید:

{الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْعَمِيَّتَ}

{(همان) کسانی که به پیمان الله وفادار هستند و عهدشکنی نمی‌کنند}. [الرعد: 20]. و رسول الله -صلی الله علیه وسلم- هنگام فرستادن لشکری برای جهاد، خطاب به آنان می‌فرمود: «اغْزُوا وَلَا تَغْلُوا وَلَا تَغْدِرُوا وَلَا تَمْتَلُوا وَلَا تَقْتُلُوا وَلِيدًا» «اغْزُوا وَلَا تَغْلُوا وَلَا تَغْدِرُوا وَلَا تَمْتَلُوا وَلَا تَقْتُلُوا وَلِيدًا». «جهاد کنید و در غنائم خیانت نکنید و عهدشکنی نکنید و مثله نکنید و کودکان را نکشید». صحیح مسلم (1731). و رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: «أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ مُنَافِقًا خَالِصًا وَمَنْ كَانَ فِيهِ خَصْلَةٌ مِنْهُنَّ كَانَتْ فِيهِ خَصْلَةٌ مِنَ النِّفَاقِ حَتَّى يَدْعَاهَا: إِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ وَإِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا عَاهَدَ غَدَرَ وَإِذَا خَاصَمَ فَجَرَ» «أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ مُنَافِقًا خَالِصًا وَمَنْ كَانَ فِيهِ خَصْلَةٌ مِنْهُنَّ كَانَتْ فِيهِ خَصْلَةٌ مِنَ النِّفَاقِ حَتَّى يَدْعَاهَا: إِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ وَإِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا عَاهَدَ غَدَرَ وَإِذَا خَاصَمَ فَجَرَ». «چهار (خصلت) وجود دارد که اگر در کسی وجود داشته باشند، منافقی خالص است؛ و هرکس در وی یک خصلت از آنها وجود داشته باشد، خصلتی از نفاق در او وجود دارد تا اینکه آن را رها کند: هرگاه او را امانتدار چیزی قرار دهند خیانت کند و هرگاه سخن گوید دروغ گوید و هرگاه عهد و پیمان بندد

عهدشکنی کند و هرگاه با کسی خصومت ورزد حق‌کشی کند». صحیح بخاری (34).

اسلام از حسادت نهی می‌کند؛ الله متعال می‌فرماید:

{أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۖ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا}

{آیا به مردم به خاطر آنچه الله از فضل خویش به آنان بخشیده، حسادت می‌ورزند؟ یقیناً ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت عطا کردیم و به آنان فرمانروایی بزرگی بخشیدیم}. [النساء: 54]. و الله متعال می‌فرماید:

{وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِندِ أَنفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ ۖ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ}

{بسیاری از اهل کتاب، از روی حسدی که در وجودشان است، آرزو دارند که شما را بعد از ایمان‌تان به حال کفر باز گردانند، پس از اینکه حق برای آنان روشن شده است؛ پس شما عفو کنید و در گذرید، تا الله فرمان خویش را (برای جهاد با آنان) صادر نماید، همانا الله بر هر چیزی تواناست}. [البقرة: 109]. و رسول الله -صلی الله علیه و سلم-

می‌فرماید: «دَبَّ إِلَيْكُم دَاءُ الْأُمَمِ قَبْلَكُمْ: الْحَسَدُ وَالْبَغْضَاءُ هِيَ الْحَالِقَةُ لَا أَقُولُ تَخْلُقُ الشَّعَرَ وَلَكِنْ تَخْلُقُ الدِّينَ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ حَتَّىٰ تُوْمِنُوا وَلَا تُوْمِنُوا حَتَّىٰ تَحَابُّوا أَفَلَا أُنبِئُكُمْ بِمَا يُنْبِئُ ذَلِكَ

لَكُمْ؟ أَفَسُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ» «دَبَّ إِلَيْكُمْ دَاءُ الْأُمَمِ قَبْلَكُمْ: الْحَسَدُ وَالْبَغْضَاءُ هِيَ الْحَالِقَةُ لَا أَقُولُ تَخْلُقُ الشَّعَرَ وَلَكِنْ تَخْلُقُ الدِّينَ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ حَتَّى تُؤْمِنُوا وَلَا تُؤْمِنُوا حَتَّى تَحَابُّوا أَفَلَا أُنبِئُكُمْ بِمَا يُنْبِئُ ذَلِكَ لَكُمْ؟ أَفَسُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ».

«بیماری‌های (درونی) امت‌های پیش از شما که حسادت و کینه‌توزی است، در میان شما هم پدیدار شده‌اند و آنها تراشده هستند، نمی‌گویم: موها را می‌تراشند، بلکه دین را می‌تراشند (و از بین می‌برند)، قسم به آنکه جانم در دست اوست، وارد بهشت نمی‌شوید تا آنکه ایمان بیاورید، و ایمان نمی‌آورید تا اینکه یکدیگر را دوست بدارید؛ آیا شما را از چیزی آگاه نسازم که این دوستی و محبت را برای شما پایدار می‌کند؟ سلام کردن را در بین یکدیگر منتشر کنید». سنن ترمذی (2510).

اسلام از نیرنگ‌های بد نهی می‌کند؛ الله متعال می‌فرماید:

{وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكْبَرًا مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا ۖ وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ}

{و اینگونه در هر شهری بزرگان آن را بزهکاران قرار دادیم تا در آن به نیرنگ بپردازند و آنان جز به خود نیرنگ نمی‌زنند، ولی خودشان درک نمی‌کنند}. [الأنعام: 123]. الله متعال ما را آگاه نموده که یهودیان تلاش کردند مسیح - علیه السلام - را بکشند، اما الله نیرنگشان را به آنان بازگرداند و بیان داشت که نیرنگ بد تنها گریبان نیرنگ‌کنندگان را خواهد گرفت؛ الله متعال می‌فرماید:

{فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ ۚ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (52) رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ (53) وَمَكَرُوا مَكَرَ اللَّهِ ۚ وَاللَّهُ خَبِيرٌ الْمَاكِرِينَ (54) إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَىٰ إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۚ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (55) }

{پس هنگامی که عیسی از ایشان احساس کفر (و نافرمانی) کرد، گفت: چه کسانی یاوران من (در راه دعوت) به سوی الله هستند؟ حواریون گفتند: ما یاوران (دین) الله هستیم، به الله ایمان آورده‌ایم و (تو نیز) گواه باش که ما تسلیم (او) هستیم (52)}

پروردگارا، به آنچه نازل کرده‌ای ایمان آوردیم و از فرستاده (تو) پیروی نمودیم، پس ما را در زمره گواهان بنویس (53)

پس (یهودیان و دشمنان عیسی برای کشتن او) مکر ورزیدند و الله (نیز در مقابل‌شان) مکر نمود و الله بهترین مکرکنندگان است (54)

(به یاد آورید) هنگامی که الله به عیسی فرمود: ای عیسی، من تو را (هم اکنون) به سوی خویش بالا می‌برم و (بعد از آنکه تو را به زمین فروفرستادم) می‌میرانم و تو را از

(تهمت‌های) کسانی که کفر ورزیده‌اند، پاک می‌گردانم (و) رها می‌سازم) و تا روز رستاخیز کسانی را که از تو پیروی کرده‌اند، برتر از کسانی قرار می‌دهم که کفر ورزیده‌اند، سپس بازگشت‌تان به سوی من است، آنگاه در (مورد) آنچه اختلاف داشتید، در میان‌تان داور می‌کنم}. [آل عمران: 52-55]. و الله متعال خبر داده که قوم پیامبرش صالح - علیه السلام - نیز قصد کشتن او را داشتند و تدبیر و نیرنگ بخرج دادند که الله نیرنگ‌شان را به خودشان باز گرداند و خودشان و قوم‌شان را نابود ساخت. الله متعال می‌فرماید:

{قَالُوا تَفَاسُمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّنَنَّهٗ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَنفُوَنَّ لَوْلِيَّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ} (49) وَمَكْرُوهًا مَّكْرًا وَمَكْرًا مَّكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (50) فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَا دَمَرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ (51) }

{گفتند: به الله سوگند یاد کنید که بر صالح و خانواده‌اش شبیخون می‌زنیم (و آنان را به قتل می‌رسانیم)، سپس به ولی دم او می‌گوییم: ما هنگام نابودی خانواده‌اش حاضر نبودیم و قطعاً راست می‌گوییم (49)}

و آنان (برای قتل صالح و پیروانش) نیرنگی اندیشیدند و ما (نیز برای نابودی کافران) چاره‌ای اندیشیدیم، درحالی‌که آنان نمی‌دانستند (50)

پس بنگر عاقبت نیرنگشان چه شد که ما همه آنان و قومشان را نابود کردیم}. [النمل: 49-51].

اسلام از دزدی نهی می‌کند؛ رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: «لَا يَزْنِي الزَّانِي حِينَ يَزْنِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يُسْرِقُ حِينَ يَسْرِقُ وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَشْرِبُ حِينَ يَشْرِبُهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَالتَّوْبَةُ مَعْرُوضَةٌ بَعْدُ» «لَا يَزْنِي الزَّانِي حِينَ يَزْنِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَسْرِقُ حِينَ يَسْرِقُ وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَشْرِبُ حِينَ يَشْرِبُهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَالتَّوْبَةُ مَعْرُوضَةٌ بَعْدُ». «زناکار در حین زنا مؤمن نیست و سارق حین سرقت مؤمن نیست و شرابخوار در حین شراب نوشیدن مؤمن نیست و هنوز (درگاه) توبه کردن باز است». صحیح بخاری (6810).

اسلام از تجاوزگری نهی می‌کند؛ الله متعال می‌فرماید: {إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ ۚ يَعِظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ}

{همانا الله به عدالت، نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان دستور می‌دهد و از فحشا، منکر و تجاوزگری نهی می‌کند، الله شما را نصحیت می‌کند، شاید پند گیرید}. [النحل: 90]. و رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ أَوْحَىٰ إِلَيَّ أَنْ تَوَاضَعُوا حَتَّى لَا يَبْغِيَ أَحَدٌ عَلَى أَحَدٍ وَلَا يَفْخَرَ أَحَدٌ عَلَى أَحَدٍ» «إِنَّ اللَّهَ أَوْحَىٰ إِلَيَّ أَنْ تَوَاضَعُوا حَتَّى لَا يَبْغِيَ أَحَدٌ عَلَى أَحَدٍ وَلَا يَفْخَرَ أَحَدٌ عَلَى أَحَدٍ». «همانا الله به من وحی کرده که تواضع

پیشه باشید تا اینکه کسی بر کسی (ظلم و) تجاوزگری نکند و کسی بر کسی فخر فروشی ننماید». صحیح ابوداود (4895).

اسلام از ستمگری نهی کرده است؛ الله متعال می‌فرماید:

{ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ }

{ و الله ستمکاران را دوست ندارد }. [آل عمران: 57]. و الله متعال می‌فرماید:

{ إِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الظَّالِمُونَ }

{ همانا او ستمگران را رستگار نمی‌کند }. [الأنعام: 12]. و الله متعال می‌فرماید:

{ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا }

{ و برای ستمگران، عذابی دردناک تدارک دیده است }.

[الإنسان: 31]. و رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: «ثَلَاثَةٌ لَا تُرَدُّ دَعْوَتُهُمْ: الْإِمَامُ الْعَادِلُ وَالصَّائِمُ حَتَّى يُفْطَرَ وَدَعْوَةُ الْمَظْلُومِ تُحْمَلُ عَلَى الْغَمَامِ وَتُفْتَحُ لَهَا أَبْوَابُ السَّمَاوَاتِ وَيَقُولُ الرَّبُّ عَزَّ وَجَلَّ: وَعِزَّتِي لِأَنْصُرَنَّكَ وَلَوْ بَعْدَ حِينٍ» «ثَلَاثَةٌ لَا تُرَدُّ دَعْوَتُهُمْ: الْإِمَامُ الْعَادِلُ وَالصَّائِمُ حَتَّى يُفْطَرَ وَدَعْوَةُ الْمَظْلُومِ تُحْمَلُ عَلَى الْغَمَامِ وَتُفْتَحُ لَهَا أَبْوَابُ السَّمَاوَاتِ وَيَقُولُ الرَّبُّ عَزَّ وَجَلَّ: وَعِزَّتِي لِأَنْصُرَنَّكَ وَلَوْ بَعْدَ حِينٍ». «سه نفر دعای‌شان رد نمی‌شود: حاکم عادل و روزه‌دار تا آنکه افطار کند و دعای مظلوم که بر روی ابرها حمل می‌شود و درهای آسمان‌ها

برایش گشوده می‌شود و پروردگار عزوجل می‌فرماید: قسم به عزتم، تو را یاری خواهم داد، اگرچه پس از مدتی باشد». امام مسلم آن را مختصراً روایت کرده است، (2749) و امام ترمذی با شماره (2526) با اندکی اختلاف و امام احمد با شماره (8043) آن را روایت کرده است؛ و این لفظ، روایت امام احمد است. و هنگامی که پیامبرمان محمد -صلی الله علیه وسلم-، معاذ بن جبل را به یمن فرستاد، از جمله توصیه‌هایی که به ایشان داشت این بود که فرمود: «وَأَتَّقِ دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ فَإِنَّهُ لَيْسَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ حَبَابٌ» «وَأَتَّقِ دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ فَإِنَّهُ لَيْسَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ حَبَابٌ». «و از دعای مظلوم بترس که میان آن و الله پرده و حبابی نیست». صحیح بخاری (1496). و رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: «أَلَا مَنْ ظَلَمَ مُعَاهِدًا أَوْ انْتَقَصَهُ أَوْ كَلَّفَهُ فَوْقَ طَاقَتِهِ أَوْ أَخَذَ مِنْهُ شَيْئًا بَغَيْرِ طِيبِ نَفْسٍ فَأَنَا حَاجِبُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» «أَلَا مَنْ ظَلَمَ مُعَاهِدًا أَوْ انْتَقَصَهُ أَوْ كَلَّفَهُ فَوْقَ طَاقَتِهِ أَوْ أَخَذَ مِنْهُ شَيْئًا بَغَيْرِ طِيبِ نَفْسٍ فَأَنَا حَاجِبُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». «آگاه باشید که هرکس به اهل عهد و پیمان (از جمله کافرانی که با اجازه‌ی رسمی وارد دولت اسلامی شده‌اند) ستم ورزد یا از حق او چیزی کم کند (یا از او عیبجویی و خرده‌گیری کند) یا بیش از توانش او را مکلف نماید و بدون رضایتش چیزی از وی بگیرد، من در روز قیامت از او دفاع خواهم کرد». سنن ابو داود (3052). پس -چنانکه می‌بینید- اسلام از هرگونه

اخلاق زشت و ناروا یا رفتار ستمگرانه یا ظالمانه نهی می‌کند.

36- اسلام از هر معامله مالی که در بر دارنده ربا یا زیان یا ابهام یا ظلم یا تقلب باشند یا به فاجعه‌ها و زیان عمومی به جوامع، ملت‌ها و افراد منجر می‌شود، نهی کرده است.

اسلام از هر معامله مالی که در بر دارنده ربا یا زیان یا ابهام یا ظلم یا تقلب باشد یا به فاجعه‌ها و زیان عمومی به جوامع، ملت‌ها و افراد منجر می‌شود، نهی کرده است. در آغاز این بخش، آیات و احادیث دال بر تحریم ربا یا ظلم و تقلب و تباهی در زمین را ذکر کردیم؛ الله متعال می‌فرماید:

{وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا}

{و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بدون اینکه مرتکب (عمل زشتی) شده باشند، آزار می‌دهند، قطعاً بهتان و گناه آشکاری را به دوش کشیده‌اند}. [الأحزاب: 58]. و الله متعال می‌فرماید:

{مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ۚ وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ}

{هرکس عمل شایسته‌ای انجام دهد، پس به سود خودش است و هرکس عمل بدی انجام دهد، پس به زیان خودش است؛

و پروردگار تو هرگز به بندگان (خویش) ستم نمی‌کند}.

[فصلت: 46]. وجاء في السنة: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَضَى أَنْ لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ» و در سنت آمده است که: رسول الله -صلی الله علیه وسلم- حکم نمودند که نباید زیان رساند و زیان دید. ابو داود آن را در سنن روایت کرده است. و رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُؤْذِي جَارَهُ، وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ، وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا، أَوْ لَيْسَ كُنْتُ. وفي رواية: فَلْيُحْسِنْ إِلَى جَارِهِ. «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُؤْذِي جَارَهُ، وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ، وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا، أَوْ لَيْسَ كُنْتُ». وفي رواية: «فَلْيُحْسِنْ إِلَى جَارِهِ». «هرکس به الله و روز قیامت ایمان دارد، به همسایه‌اش آزار نرساند و کسی که به الله و روز قیامت ایمان دارد، باید مهمانش را گرامی دارد؛ و هرکس به الله و روز قیامت ایمان دارد، یا باید سخنی نیک بگوید و یا ساکت باشد». و در روایت دیگری آمده است: «پس باید به همسایه‌اش نیکی ورزد». صحیح مسلم (47). و رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: «عَذِبَتْ امْرَأَةٌ فِي هَرَّةٍ سَجَنَتْهَا حَتَّى مَاتَتْ فَدَخَلَتْ فِيهَا النَّارُ لَا هِيَ أَطْعَمَتْهَا وَسَقَتْهَا إِذْ هِيَ حَبَسَتْهَا وَلَا هِيَ تَرَكَتْهَا تَأْكُلُ مِنْ خَشَاشِ الْأَرْضِ» «عَذِبَتْ امْرَأَةٌ فِي هَرَّةٍ سَجَنَتْهَا حَتَّى مَاتَتْ فَدَخَلَتْ فِيهَا النَّارُ لَا هِيَ أَطْعَمَتْهَا وَسَقَتْهَا إِذْ هِيَ حَبَسَتْهَا وَلَا هِيَ تَرَكَتْهَا تَأْكُلُ مِنْ خَشَاشِ الْأَرْضِ». «زنی به سبب گربه‌ای که آن را حبس کرده بود تا

اینکه آن گربه مُرد، وارد جهنم شد، زیرا (این زن) نه به آن گربه آب و غذا داده بود و نه اینکه آن را رها کرده بود تا از خس و خاشاک زمین بخورد، بلکه آن را حبس کرده بود». صحیح بخاری (3482). این درباره کسی است که به گربه‌ای آزار رسانده است، در این صورت وضعیت کسی که آزارش به مردم رسیده، چگونه خواهد بود؟ از ابن عمر روایت است که می‌گوید: رسول الله -صلی الله علیه وسلم- به بالای منبر رفت و با صدایی بلند ندا داد و فرمود: (يَا مَعْشَرَ مَنْ أَسْلَمَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يُفِضِ الْإِيمَانُ إِلَى قَلْبِهِ لَا تَوْدُوا الْمُسْلِمِينَ وَلَا تُعَيِّرُوهُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِهِمْ فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعَ عَوْرَةَ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ وَمَنْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ يَفْضَحْهُ وَلَوْ فِي جَوْفِ رَحْلِهِ قَالَ: وَنَظَرَ ابْنُ عُمَرَ يَوْمًا إِلَى الْبَيْتِ أَوْ إِلَى الْكَعْبَةِ فَقَالَ: مَا أَعْظَمَكَ وَأَعْظَمَ حُرْمَتَكَ وَالْمُؤْمِنُ أَعْظَمُ حُرْمَةً عِنْدَ اللَّهِ مِنْكَ) «يَا مَعْشَرَ مَنْ أَسْلَمَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يُفِضِ الْإِيمَانُ إِلَى قَلْبِهِ لَا تَوْدُوا الْمُسْلِمِينَ وَلَا تُعَيِّرُوهُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِهِمْ فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعَ عَوْرَةَ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ وَمَنْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ يَفْضَحْهُ وَلَوْ فِي جَوْفِ رَحْلِهِ». قَالَ: وَنَظَرَ ابْنُ عُمَرَ يَوْمًا إِلَى الْبَيْتِ أَوْ إِلَى الْكَعْبَةِ فَقَالَ: مَا أَعْظَمَكَ وَأَعْظَمَ حُرْمَتَكَ وَالْمُؤْمِنُ أَعْظَمُ حُرْمَةً عِنْدَ اللَّهِ مِنْكَ. «ای دسته‌ای که با زبان ایمان آورده‌اید و ایمان به قلبتان نرسیده، مسلمانان را آزار نرسانید و از آنان عیبجویی نکنید و دنبال امور پوشیده و اسرار آنان نباشید که هرکس پیگیر امور پنهان و اسرار برادر مسلمانانش باشد، الله نیز پیگیر امور پنهان او خواهد بود و کسی که الله پیگیر امور پنهان او باشد،

174

کیست؟». گفتند: مفلس و ورشکسته نزد ما کسی است که نه درهمی دارد و نه کالایی؛ فرمود: «إِنَّ الْمُفْلِسَ مِنْ أُمَّتِي مَنْ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِصِيَامٍ وَصَلَاةٍ وَزَكَاةٍ وَيَأْتِي قَدْ شَتَمَ عِرْضَ هَذَا وَقَذَفَ هَذَا وَأَكَلَ مَالَ هَذَا فَيَفْضُ هَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ وَهَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ فَإِنْ فَنِيَتْ حَسَنَاتُهُ قَبْلَ أَنْ يَقْضِيَ مَا عَلَيْهِ مِنَ الْخَطَايَا أُخِذَ مِنْ خَطَايَاهُمْ فَطُرِحَتْ عَلَيْهِ ثُمَّ طُرِحَ فِي النَّارِ)». «مفلس و ورشکسته در امت من کسی است که در روز قیامت با (توشه‌ی) روزه و نماز و زکات می‌آید درحالی‌که به ناموس این دشنام داده و به دیگری تهمت زده و مال این را خورده است، پس در جایش نشانده می‌شود و این از نیکی‌هایش بر می‌دارد و آن یکی از نیکی‌هایش بر می‌دارد، پس هرگاه نیکی‌هایش پیش از اتمام پرداخت بدهی‌هایش به سبب گناهانش به پایان برسد، از گناهان آنان برداشته می‌شود و بر (گردن) او انداخته می‌شود، سپس در آتش افکنده می‌شود».

امام مسلم با شماره (2581) و امام ترمذی با شماره (2418) و امام احمد با شماره (8029) آن را روایت کرده‌اند؛ و این لفظ امام احمد است.

و رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: (كَانَ عَلَى الطَّرِيقِ غُصْنُ شَجَرَةٍ يُؤْذِي النَّاسَ فَأَمَاطَهَا رَجُلٌ فَأَدْخَلَ الْجَنَّةَ) «كَانَ عَلَى الطَّرِيقِ غُصْنُ شَجَرَةٍ يُؤْذِي النَّاسَ فَأَمَاطَهَا رَجُلٌ فَأَدْخَلَ الْجَنَّةَ». «شاخه‌ی درختی در مسیری قرار داشت که مردم را اذیت می‌کرد، پس مردی آن را از سر راه برداشت و (به همین سبب) وارد بهشت شد». امام بخاری با شماره

(652) به همین معنا و امام مسلم با شماره (1914) همانند آن و امام ابن ماجه با شماره (3682) و امام احمد با شماره (10432) آن را روایت کرده‌اند و لفظ حدیث مذکور از روایت ابن ماجه و امام احمد است. برداشتن اسباب آزار و اذیت مردم از مسیر راه باعث وارد شدن به بهشت می‌شود، نظرتان در مورد کسی چیست که به مردم آزار می‌رساند و زندگی‌شان را تباه نموده و مختل می‌کند؟

37- اسلام آمده تا عقل را حفظ کند و هر آنچه به تباهی عقل می‌انجامد، مانند: نوشیدن مست‌کننده‌ها، حرام کرده است؛ و منزلت عقل را بزرگداشته است و آن را ملاک تکالیف شرعی قرار داده است؛ و آن را از زنجیرهای خرافات و بت‌پرستی رها نموده است؛ در اسلام هیچ اسرار یا احکامی نیست که مخصوص یک طبقه خاص باشد و همه احکام و قوانین آن موافق عقل صحیح و بر مبنای عدالت و حکمت است.

اسلام آمده تا عقل را حفظ نماید و منزلت آن را بالا ببرد؛
الله متعال می‌فرماید:

{إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا }

{همانا شنوایی، بینایی و قلب، همه آنها مورد پرسش واقع خواهند شد}. [الإسراء: 36]. بنابراین بر انسان واجب است که از عقل خود محافظت کند، از همین روی اسلام مست‌کننده‌ها و مواد مخدر را حرام دانسته است؛ در بخش

شماره (34) دلایل تحریم مستکننده‌ها ذکر شد و آیات بسیاری از قرآن کریم با این سخن الله متعال به پایان می‌رسد:

{لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ}

{شاید شما خرد ورزید}. [البقرة: 242]. و الله متعال می‌فرماید:

{وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ ۖ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُتَّقُونَ ۖ أَفَلَا تَعْقِلُونَ}

{و زندگی دنیا چیزی جز بازیچه و سرگرمی نیست و قطعاً سرای آخرت برای کسانی که پرهیزگارند بهتر است، آیا نمی‌اندیشید؟}. [الأنعام: 32]. و الله متعال می‌فرماید:

{إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ}

{همانا ما قرآن را (به زبان) عربی نازل کردیم، شاید شما بیندیشید}. [یوسف: 2]. الله متعال بیان نموده که تنها خردمندان و صاحبان عقل از هدایت و حکمت بهره می‌برند؛ الله متعال می‌فرماید:

{يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَن يَشَاءُ ۚ وَمَن يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا ۚ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ}

{(الله) به هر کسی که بخواهد حکمت می‌دهد و بی‌تردید، به هر کسی که حکمت داده باشد، خیر فراوانی بخشیده است؛ و جز خردمندان پند نمی‌گیرند}. [البقرة: 269].

از همین رو اسلام عقل را معیار تکلیف قرار داده است؛ رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: «رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثٍ: عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ وَعَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يَحْتَلِمَ وَعَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يَعْقِلَ» «رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثٍ: عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ وَعَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يَحْتَلِمَ وَعَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يَعْقِلَ». «تکالیف شرعی از سه کس برداشته شده‌اند: از آنکه خوابیده تا بیدار شود و از کودک تا آنکه به بلوغ برسد و از دیوانه تا آنکه عاقل شود». امام بخاری آن را به صورت معلق اما با صیغه‌ی جزم قبل از ذکر حدیث (5269) آورده است؛ و امام ابوداود آن را با شماره (4402) به صورت متصل روایت کرده و لفظ مذکور روایت اوست؛ و امام ترمذی با شماره (1432) و نسائی در سنن کبری با شماره (7346) و امام احمد با شماره (956) با اختلافی اندک و ابن ماجه با شماره (2042) و به صورت مختصر آن را روایت کرده‌اند. و او را از زنجیرهای خرافات و بتپرستی آزاد کرده است؛ الله متعال درباره‌ی حال امت‌هایی که به خرافات خود چنگ می‌زنند و حق را که از سوی الله آمده رد می‌کنند، می‌فرماید:

{وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ}

{و اینگونه در هیچ (شهر و) روستایی پیش از تو هشدار دهنده‌ای نفرستادیم، مگر اینکه مفسدان خوشگزاران آنها گفتند: ما نیاکان خود را بر آیینی یافته‌ایم و بی‌گمان ما به میراث (بجامانده) آنان پایبند هستیم}. [الزخرف: 23]. و الله

تعالی در بیان حال ابراهیم خلیل - علیه السلام - آورده که ایشان خطاب به قومش فرمود:

{مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ (52) قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ (53) }

{این مجسمه‌ها چه هستند که شما برای (عبادت) آنها (در کنارشان) اعتکاف کرده‌اید؟! (52)}

گفتند: ما پدران خود را عبادت‌کنندگان آنها یافته‌ایم. [الأنبياء: 52-53]. پس اسلام آمد و مردم را به ترک عبادت بت‌ها و رها کردن خرافات موروثی از پدران و اجداد فراخواند و به پیروی از راه پیامبران -علیهم السلام- دعوت نمود.

و در اسلام اسرار یا احکامی نیست که مخصوص طبقه‌ای خاص باشد. سئل علی بن ابی طالب رضی الله عنه وهو ابن عم رسول الله صلى الله عليه وسلم وزوج ابنته: أَخَصَّكُمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِشَيْءٍ؟ فَقَالَ: «مَا خَصَّنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِشَيْءٍ لَمْ يَعْمْ بِهِ النَّاسَ كَافَّةً إِلَّا مَا كَانَ فِي قِرَابِ سَيْفِي هَذَا قَالَ: فَأَخْرَجَ صَحِيفَةً مَكْتُوبٌ فِيهَا: لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ذَبَحَ لِغَيْرِ اللَّهِ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَرَقَ مَنَارَ الْأَرْضِ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ لَعَنَ وَالِدَهُ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَوَى مُحَدِّثًا» از علی بن ابی طالب -رضی الله عنه- که پسر عموی پیامبر -صلی الله علیه وسلم- و داماد ایشان بود، پرسیدند: آیا رسول الله -صلی الله علیه وسلم- چیزی را مخصوص شما قرار داده است؟ فرمود: رسول الله -صلی الله علیه وسلم-

چیزی را مخصوص ما قرار ندادند که آن را به همه مردم نگفته باشند، مگر آنچه در غلاف این شمشیرم است؛ سپس صحیفه‌ای را بیرون آورد که در آن نوشته بود: الله لعنت کند کسی که برای غیر الله قربانی کند و الله لعنت کند کسی که نشانه‌ها (و حد و مرزهای) زمین را بدزد (و تغییر دهد تا زمین مردم را تصاحب کند) و الله لعنت کند کسی که پدرش را لعن کند و الله لعنت کسی که جنایتکاری را پناه دهد». صحیح مسلم (1978). همه احکام اسلام و تشریعات آن موافق با عقل سالم هستند و به مقتضای عدل و حکمت.

38- و در همه ادیان باطل، وقتی پیروان‌شان نتوانند تناقض موجود در این ادیان را درک کنند و از فهم امور خلاف عقل موجود در تعالیم آن ادیان ناتوان بمانند، مراجع دینی‌شان این توهم را در بین آنان ایجاد کرده‌اند که دین فراتر از عقل است و عقل نمی‌تواند دین را درک کند، درحالی‌که اسلام، دین را همانند نوری می‌داند که راه را برای عقل روشن می‌سازد، اما پیروان ادیان باطل از انسان می‌خواهند که عقل خود را کنار گذاشته و پیروی آنان شوند، درحالی‌که اسلام از انسان می‌خواهد که عقل خود را بیدار کند و به کار اندازد تا حقیقت امور را چنانکه هستند بشناسد.

و در همه ادیان باطل، وقتی پیروان‌شان نتوانند تناقض موجود در این ادیان را درک کنند و از فهم امور خلاف عقل موجود در تعالیم آن ادیان ناتوان بمانند، مراجع دینی‌شان این

توهم را در بین آنان ایجاد کرده‌اند که دین فراتر از عقل است و عقل نمی‌تواند دین را درک کند، درحالی‌که اسلام، دین را همانند نوری می‌داند که راه را برای عقل روشن می‌سازد، اما پیروان ادیان باطل از انسان می‌خواهند که عقل خود را کنار گذاشته و پیروی آنان شوند، درحالی‌که اسلام از انسان می‌خواهد که عقل خود را بیدار کند و به کار اندازد تا حقیقت امور را چنانکه هستند بشناسد؛ الله متعال می‌فرماید:

{ وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا ۚ مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَن نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا ۚ وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ }

{و اینگونه بر تو (ای پیامبر) روحی را (که قرآن کریم است) به فرمان خود وحی کردیم، تو (پیش از این) نمی‌دانستی که کتاب و ایمان چیست، ولی ما آن را نوری قرار دادیم، (تا) با آن هرکس از بندگانمان را که بخواهیم، هدایت کنیم؛ و همانا تو (ای پیامبر انسان‌ها را) به سوی راه راست هدایت می‌کنی}. [الشوری: 52]. وحی الهی شامل دلایل و براهین کافی می‌باشد که عقل‌های سالم را به سوی دلایلی راهنمایی می‌کند که شوق شناخت و ایمان به آن را دارد؛ الله متعال می‌فرماید:

{يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا }

{ای مردم! همانا دلیل و برهانی از جانب پروردگارتان برای شما آمده و نوری آشکار را به سوی شما نازل کردیم}.

[النساء: 174]. خواسته‌ی الله سبحانه و تعالی برای انسان این است که در نور هدایت و علم و حقیقت زندگی کنند، اما خواسته‌ی شیاطین و طواغیت این است که انسان در تاریکی‌های کفر و جهل و گمراهی باقی بماند؛ الله متعال می‌فرماید:

{اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۖ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ}

{الله دوستدار کسانی است که ایمان آورده‌اند، آنان را از تاریکی‌های (کفر و شرک) بیرون می‌آورد و به سوی نور (ایمان) هدایت می‌کند و کسانی که کافر شده‌اند، دوستداران‌شان طاغوت هستند (که) آنان را از نور (ایمان) به سوی تاریکی‌های (کفر و شرک) بیرون می‌برند}. [البقرة: 257].

39- اسلام، علم صحیح را گرامی می‌دارد و به پژوهش علمی خالی از هرگونه هوای نفس تشویق می‌کند؛ و به دیدن و اندیشیدن در درون خود و جهان پیرامون‌مان فرا می‌خواند؛ و نتایج علمی صحیح با اسلام تعارضی ندارند.

اسلام، علم صحیح را پاس می‌دارد؛ الله متعال می‌فرماید:

{يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ ۖ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ}

{الله (مقام و منزلت) کسانی از شما را که ایمان آورده‌اند و کسانی که به آنان علم ارزانی شده است (بر حسب) درجات بالا می‌برد و الله به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است}۔ [المجادلة: 11]. الله متعال شهادت علما را در کنار شهادت خود و شهادت ملائکه‌اش برای بزرگترین شهادت قرار داده است؛ الله متعال می‌فرماید:

{شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَانِمًا بِالْقِسْطِ ۚ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ}

{الله گواهی داده که معبودی (بحق) جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش، (نیز بر این مطلب گواهی می‌دهند)، درحالی‌که (الله در جهان هستی) قیام به عدالت دارد، معبودی (بحق) جز او نیست (و او) توانمند حکیم است} [آل عمران: 18]. و این بیانگر جایگاه والای علما و دانشمندان در اسلام است؛ و الله متعال پیامبرش را به افزون‌طلبی در هیچ موردی امر نکرده، مگر در باب علم؛ الله متعال می‌فرماید:

{وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا}

{و (ای پیامبر) بگو پروردگارا! به علم من بیفز!}۔ [طه: 114]. و رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: «مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أَعْنَاجَهَا رِضًا لِّطَالِبِ الْعِلْمِ وَإِنَّ طَالِبَ الْعِلْمِ يَسْتَغْفِرُ لَهُ مَنْ فِي

السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ حَتَّى الْحَيَاتَانِ فِي الْمَاءِ وَإِنَّ فَضْلَ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ عَلَى سَائِرِ الْكَوَاكِبِ إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُورَثُوا دِينَارًا وَلَا دِرْهَمًا إِنَّمَا وَرَثُوا الْعِلْمَ فَمَنْ أَخَذَهُ أَخَذَ بِحِطِّ وَافِرٍ» «مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أجنحتها رِضًا لِطَالِبِ الْعِلْمِ وَإِنَّ طَالِبَ الْعِلْمِ يَسْتَغْفِرُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ حَتَّى الْحَيَاتَانِ فِي الْمَاءِ وَإِنَّ فَضْلَ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ عَلَى سَائِرِ الْكَوَاكِبِ إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُورَثُوا دِينَارًا وَلَا دِرْهَمًا إِنَّمَا وَرَثُوا الْعِلْمَ فَمَنْ أَخَذَهُ أَخَذَ بِحِطِّ وَافِرٍ».

«هرکس راهی را در جستجوی علم و دانش دنبال کند، الله راهی به سوی بهشت برایش هموار می‌سازد و ملائکه از باب رضایت از طالب علم، بال‌های‌شان را برای او می‌گشایند؛ و برای طالب علم همه کسانی که در آسمان و زمین هستند، حتی ماهی‌ها در آب، آمرزش می‌طلبند؛ و همانا برتری عالم بر عابد، مانند برتری ماه بر سایر ستارگان است، علما وارثان پیامبران و پیامبران دینار و درهمی به ارث نگذاشته‌اند؛ بلکه علم را به ارث گذاشته‌اند، پس هرکسی آن را فراگیرد سهم زیاد و فراوانی را دریافت کرده است».

ابوداود آن را با شماره (3641) و ترمذی با شماره (2682) و ابن ماجه با شماره (223) و امام احمد با شماره (21715) روایت کرده‌اند؛ و لفظ مذکور، روایت ابن ماجه است.

همچنین اسلام به پژوهش علمی به دور از هوای نفس تشویق می‌کند و به بررسی و اندیشه در خود و در جهان پیرامون فرا می‌خواند؛ الله متعال می‌فرماید:

{سُرِّيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ ۖ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ}

{به زودی نشانه‌های خود را در آفاق (هستی) و در (وجود) خودشان به آنان نشان خواهیم داد تا برای‌شان روشن شود که قرآن حق است، آیا کافی نیست که پروردگارت بر هر چیزی گواه است؟}. [فصلت: 53]. و الله متعال می‌فرماید:

{أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ ۖ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ}

{آیا در ملک (گسترده، عظیم و شگفت انگیز) آسمان‌ها و زمین و آنچه را که الله آفریده، نمی‌نگرند؟ و (آیا فکر نمی‌کنند) شاید اجل‌شان نزدیک شده باشد؟ پس بعد از این (قرآن) به کدام سخن ایمان می‌آورند؟}. [الأعراف: 185]. و الله متعال می‌فرماید:

{أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۖ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَنَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ ۖ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ}

{آیا در زمین گردش نکردند، تا بنگرند عاقبت کسانی که پیش از آنان بودند، چگونه بوده است؟! (آنان) نیرومندتر از اینان بودند و در زمین دگرگونی به وجود آوردند و آن را بیشتر از آنچه (اینان) آبادش کرده‌اند، آباد کردند؛ و پیامبران‌شان با دلایل روشن به سوی آنها آمدند، پس الله بر آن نبود که بر آنان ستم کند و لیکن (آنان) به خودشان ستم می‌کردند}. [الروم: 9].

نتایج تحقیقات علمی صحیح در علوم تجربی، با اسلام تعارضی ندارد؛ در اینجا تنها یک مثال ذکر می‌کنیم که قرآن درباره آن بیش از هزار و چهار صد سال پیش جزئیات دقیقی را ارائه داده است؛ چیزی که علم نوین اخیراً به آن پی برده است؛ و آن آفرینش جنین در شکم مادر است؛ الله متعال می‌فرماید:

{ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ (12) ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ (13) ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعُلُقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ ۚ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (14) }

{و قطعاً، انسان را از چکیده‌ای از گل آفریدیم (12)}

سپس او را بصورت نطفه‌ای در قرارگاهی استوار (رجم) قرار دادیم (13)

{سپس نطفه را (بصورت) خون بسته درآوردیم و آنگاه خون بسته را (بصورت) پاره گوشتی درآوردیم، سپس پاره

گوشت را (بصورت) استخوان درآوردیم و آنگاه بر استخوان‌ها گوشت پوشانیدیم، سپس آن (جنین) را آفرینش دیگری بخشیدیم، (پر برکت و) بزرگوار است پروردگاری که نیکوترین آفریننده است (14) { [المؤمنون: 12-14].

40- الله عملی را نمی‌پذیرد و در آخرت پاداشی برای آن نمی‌دهد مگر از کسی که به الله ایمان آورد و از او اطاعت کند و همه پیامبران - علیهم الصلاة والسلام - را تصدیق کند؛ و الله هیچ عبادتی را نمی‌پذیرد مگر عبادتی که خود آن را مشروع کرده است، با این همه چگونه انسان می‌تواند به الله کفر ورزد، اما از او انتظار پاداش داشته باشد؟ الله ایمان هیچیک از مردم را نمی‌پذیرد مگر آنکه به همه پیامبران ایمان آورند و به رسالت محمد - صلی الله علیه وسلم - ایمان آورند.

الله متعال عمل انسان را نمی‌پذیرد و در آخرت برای آن پاداشی نمی‌دهد مگر از کسی که به الله ایمان آورد و از او اطاعت کند و پیامبران - علیهم السلام - را تصدیق کند؛ الله متعال می‌فرماید:

{مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا (18) وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا (19) }

{هرکس خواهان (دنیای) زودگذر است، آنچه بخواهیم برای کسی که بخواهیم در این دنیا فراهم می‌آوریم، سپس (در روز قیامت) دوزخ را نصیبش می‌کنیم که در آنجا خوار و رانده شده، وارد می‌گردد (18)}

و هرکس (زندگی) آخرت را بخواهد و برای (رسیدن به) آن با جدیت بکوشد و مؤمن باشد، اینان کسانی هستند که از تلاش‌شان قدردانی خواهد شد (19)}. [الإسراء: 18-19]. و الله متعال می‌فرماید:

{ فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ }

{هرکس کارهای شایسته انجام دهد و مؤمن باشد، در برابر کوشش او ناسپاسی نخواهد شد و ما (اعمالش) را برای او می‌نویسیم}. [الأنبياء: 94]. و الله متعال عبادتی را نمی‌پذیرد مگر آنچه خود آن را مشروع کرده باشد؛ الله متعال می‌فرماید:

{ فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا }

{پس هرکس که امید دیدار پروردگارش دارد، باید عمل صالح انجام دهد و کسی را در عبادت پروردگارش شریک نسازد}. [الکهف: 110]. به این ترتیب الله متعال بیان نموده که عمل صالح نمی‌باشند مگر آنکه الله آن را مشروع کرده

باشد و انجام‌دهنده‌ی آن در عملش برای الله مخلص بوده و به او ایمان داشته باشد و پیامبرانش را تصدیق کند، اما کسی که عملش جز این باشد، الله متعال درباره او می‌فرماید:

{وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا }

{و ما به هر عملی که انجام داده، می‌پردازیم، پس آن را (چون) غبار پراکنده (در هوا) قرار می‌دهیم}. [الفرقان: 23]. و الله متعال می‌فرماید:

{ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ (2) عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ (3) تَصَلَّىٰ نَارًا حَامِيَةً (4) }

{در آن روز، چهره‌هایی خوار و ذلیل خواهند بود (2)}

«[در دنیا] پیوسته تلاش کرده [و] خسته شده [و چون در راه حق نبوده، نتیجه‌ای ندیده‌اند]»

به آتشی بسیار داغ داخل خواهند شد (4) { [الغاشیه: 2-4]. این چهره‌ها از سختی تلاش و زحمت خسته‌اند، اما چون بر مبنای هدایت الهی عمل نکردند، الله متعال عاقبت آنان را آتش دوزخ نموده است؛ زیرا تلاش آنان در جز روشی بوده که الله مشروع نموده است، بلکه با عبادات باطل به عبادت پرداختند و از سران گمراهی که برای‌شان ادیانی باطل را ساخته و پرداخته‌اند، پیروی کرده‌اند؛ زیرا کار نیکی که نزد الله پذیرفته می‌شود همان است که موافق روش و رهنمون

پیامبر -صلی الله علیه وسلم- باشد؛ حال چگونه ممکن است انسان به الله کفر ورزد، سپس از او انتظار پاداش داشته باشد؟!

الله متعال ایمان هیچکسی را نمی‌پذیرد مگر آنکه به همه پیامبران - علیهم السلام - ایمان آورده باشد؛ و به پیامبری محمد -صلی الله علیه وسلم- نیز ایمان آورده باشد؛ پیش‌تر در بخش شماره (20) به برخی از این دلایل اشاره کردیم؛ الله متعال می‌فرماید:

{آمَنْ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ ۖ كُلُّ آمَنْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ ۚ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۚ غُفْرَانُكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ}

{پیامبر به آنچه از (سوی) پروردگارش بر او نازل شده ایمان آورده است و مؤمنان؛ همگی به الله و فرشتگان و کتاب‌ها و پیامبرانش ایمان آورده‌اند، (و سخن‌شان این است که): میان هیچیک از پیامبرانش فرق نمی‌گذاریم (و به همه ایمان داریم) و گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم، پروردگارا آمرزش تو را (خواه‌انیم) و بازگشت (تمام امور) به سوی توست}. [البقرة: 285]. و الله متعال می‌فرماید:

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أُنْزِلَ مِنْ قَبْلُ ۚ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا}

{ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به الله و پیامبرش و کتابی که بر او نازل کرده است و (به هر) کتابی که پیش از این فرستاده است ایمان بیاورید (و بر آن پایدار باشید) و هرکس به الله و فرشتگان او و کتاب‌ها و پیامبرانش و روز قیامت کفر ورزد، بی‌تردید در گمراهی دور و درازی افتاده است}.

[النساء: 136]. و الله متعال می‌فرماید:

{وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنَاكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ ۚ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي ۚ قَالُوا أَقْرَرْنَا ۚ قَالَ فَاشْهَدُوا ۚ وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ۝}

{و (به یاد بیاورید) هنگامی را که الله از پیامبران عهد و پیمان گرفت که هرگاه به شما کتاب و حکمت دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه (از کتاب‌های آسمانی) همراه شماست تصدیق کند، باید به او ایمان بیاورید و او را یاری رسانید، (آنگاه) فرمود: آیا اقرار کردید و بر این امر عهد و پیمانم را پذیرفتید؟ گفتند: اقرار کردیم، فرمود: پس گواه باشید و من (نیز) با شما از جمله‌ی گواهان هستم}.

[آل عمران: 81].

41- هدف همهٔ پیام‌های الهی این است که انسان را با پیوستن به دین حق به مقام و جایگاه والایی برساند و بندهٔ مخلص پروردگار جهانیان شود؛ و او را از بندگی انسان‌ها یا بندگی ماده یا خرافات برهاند؛

بنابراین - چنانکه می‌بینید - اسلام به اشخاص
قدسیت نمی‌دهد و آنان را بالاتر از جایگاه‌شان قرار
نمی‌دهد و از آنان معبود و اله نمی‌سازد.

هدف همهٔ پیام‌های الهی این است که انسان را با پیوستن
به دین حق، به مقام و جایگاه والایی برساند و بندهٔ مخلص
پروردگار جهانیان شود و او را از بندگی انسان‌ها یا بندگی
ماده یا خرافات برهاند؛ رسول الله -صلی الله علیه وسلم-
می‌فرماید: «تَعَسَّ عَبْدُ الدِّينَارِ وَالدِّرْهَمِ وَالْقَطِيفَةِ وَالْخَمِصَةِ إِنْ
أُعْطِيَ رِضِي وَإِنْ لَمْ يُعْطَ لَمْ يَرْضَ» «تَعَسَّ عَبْدُ الدِّينَارِ وَالدِّرْهَمِ
وَالْقَطِيفَةِ وَالْخَمِصَةِ إِنْ أُعْطِيَ رِضِي وَإِنْ لَمْ يُعْطَ لَمْ يَرْضَ».
«بندهٔ دینار و درهم و بندهٔ پارچه‌های نفیس و لباس‌های
زیبا نابود باد. اگر از اموال دنیا برخوردار شود، خشنود
می‌گردد و اگر برخوردار نشود، خرسند نمی‌گردد». صحیح
بخاری (6435). انسان متعادل تنها در برابر الله سر فرو
می‌آورد و مال و ثروت یا جاه و منصب و قبیله او را به بردگی
خود نمی‌کشانند؛ این داستان برای خواننده آشکار خواهد کرد
که مردم پیش از پیامبری محمد -صلی الله علیه وسلم- چگونه
بودند و پس از آن چه شدند:

هنگامی که مسلمانان برای بار نخست به حبشه هجرت
کردند و پادشاه وقت حبشه - نجاشی - به آنان گفت: "این چه
دینی است که بخاطر آن قوم خود را رها کردید و وارد دین من
و ملت‌های دیگر نشدید؟". جعفر بن ابی طالب -رضی الله
عنه- در پاسخش گفت: "ای پادشاه، ما قومی بودیم از اهل
جاهلیت که بت‌ها را عبادت می‌کردیم و مردار می‌خوردیم و

مرتکب فحشا می‌شدیم و پیوند خویشاوندی را قطع می‌کردیم و در حق همسایه بد رفتاری می‌نمودیم و قوی ما حق ضعیف را می‌خورد، ما در همین وضعیت بودیم تا آنکه الله پیامبری را به سوی ما فرستاد که نَسَب و راستگویی و امانتداری و پاکدامنی او را می‌شناسیم، پس ما را به سوی الله فراخواند که او را یکتا و یگانه بدانیم و تنها او را عبادت کنیم و آنچه را ما و پدران مان از سنگ و بت به جای الله عبادت می‌کردیم، رها کنیم و ما را به راستگویی و ادای امانت و صلۀ رحم و نیکی با همسایگان و دست کشیدن از حرام و خونریزی دستور داد؛ و از فحشا و سخن و گواهی ناحق و خوردن مال یتیم و تهمت زدن به زنان پاکدامن نهی کرد؛ و دستور داد که تنها الله را عبادت کنیم و چیزی را با او شریک نسازیم و دستور داد تا نماز، زکات و روزه را ادا کنیم". راوی می‌گوید: سپس امور اسلام را بر شمرد، "پس او را راستگو شمردیم و به او ایمان آوردیم و پیروی پیامی شدیم که با خود آورد؛ پس الله را به تنهایی عبادت کردیم و چیزی را با او شریک نساختم و آنچه را بر ما حرام نمود حرام دانستیم و آنچه را حلال کرده بود، حلال شمردیم...". امام احمد آن را با شماره (1740) با اندکی اختلاف روایت کرده و ابونعیم نیز در "حلیة الأولیاء" 1/ 115 به صورت مختصر آورده است. بنابراین، چنانکه می‌بینید اسلام اشخاص را مقدس نمی‌شمارد و آنان را از منزلت‌شان بالاتر نبرده و از آنها معبود و اله نمی‌سازد. الله متعال می‌فرماید:

{قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ}

{بگو: ای اهل کتاب بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است، اینکه جز الله را عبادت نکنیم و چیزی را شریک او نسازیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای الله به معبودی نگیرد، پس اگر (از این دعوت) روی گردانند، بگویید: گواه باشید که ما مسلمانیم}. [آل عمران: 64]. و الله متعال می‌فرماید:

{وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا ۖ أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ}

{و (الله) به شما دستور نمی‌دهد که فرشتگان و پیامبران را به معبودی بگیرید، آیا پس از آنکه مسلمان شدید، شما را به کفر ورزیدن دستور می‌دهد؟!}. [آل عمران: 80]. و رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: «لَا تُطْرُونِي كَمَا أَطَرَتِ النَّصَارَى ابْنِ مَرْيَمَ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ» «لَا تُطْرُونِي كَمَا أَطَرَتِ النَّصَارَى ابْنِ مَرْيَمَ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُ اللَّهِ فَقُولُوا عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ». «در ستودن من مبالغه نکنید همانطور که نصارا در ستودن پسر مریم مبالغه کردند، من فقط بنده الله هستم، پس به من بگویید: بندهی الله و فرستاده‌اش». صحیح بخاری (3445).

42- الله متعال توبه را در اسلام مشروعیت بخشیده است و توبه کردن یعنی: بازگشت انسان به سوی پروردگار ش و ترک گناه؛ و اسلام آوردن باعث پاک شدن همه گناهان گذشته می شود و توبه همه ی گناهان پیش از خود را پاک می کند؛ بنابراین نیازی به اعتراف کردن به گناهان در برابر انسان دیگری نیست.

الله متعال توبه را در اسلام مشروعیت بخشیده است؛ و توبه کردن یعنی: بازگشت انسان به سوی پروردگار ش و ترک گناه؛ الله متعال می فرماید:

{وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ}

{و ای مؤمنان، همگی به سوی الله توبه کنید، شاید رستگار شوید}. [النور: 31]. و الله متعال می فرماید:

{أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ}

{آیا نمی دانند الله است که توبه را از بندگانش می پذیرد و صدقات را می ستاند و بی تردید الله است که توبه پذیر مهربان است}. [التوبة: 104]. و الله متعال می فرماید:

{وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ}

{اوست که توبه را از بندگان می‌پذیرد و از بدی‌هایشان
درمی‌گذرد و آنچه را انجام می‌دهید، می‌داند}. [الشوری:
25]. و رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: «لَلّٰهُ اَشَدُّ
فَرَحًا بِتَوْبَةِ عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ مِنْ رَجُلٍ فِي اَرْضٍ دَوِيَّةٍ مَهْلِكَةٍ مَعَهُ رَاحِلَتُهُ
عَلَيْهَا طَعَامُهُ وَشَرَابُهُ فَنَامَ فَاسْتَيْقَظَ وَقَدْ ذَهَبَتْ فَطَلَبَهَا حَتَّى اَدْرَكَهُ
الْعَطَشُ ثُمَّ قَالَ: اَرْجِعْ اِلَى مَكَانِي الَّذِي كُنْتُ فِيْهِ فَاَنَامُ حَتَّى اَمُوتَ
فَوَضَعَ رَاسَهُ عَلَى سَاعِدِهِ لِيَمُوتَ فَاسْتَيْقَظَ وَعِنْدَهُ رَاحِلَتُهُ وَعَلَيْهَا زَادُهُ
وَطَعَامُهُ وَشَرَابُهُ فَالَلّٰهُ اَشَدُّ فَرَحًا بِتَوْبَةِ الْعَبْدِ الْمُؤْمِنِ مِنْ هَذَا بِرَاحِلَتِهِ
وَزَادِهِ» «لَلّٰهُ اَشَدُّ فَرَحًا بِتَوْبَةِ عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ مِنْ رَجُلٍ فِي اَرْضٍ
دَوِيَّةٍ مَهْلِكَةٍ مَعَهُ رَاحِلَتُهُ عَلَيْهَا طَعَامُهُ وَشَرَابُهُ فَنَامَ فَاسْتَيْقَظَ وَقَدْ
ذَهَبَتْ فَطَلَبَهَا حَتَّى اَدْرَكَهُ الْعَطَشُ ثُمَّ قَالَ: اَرْجِعْ اِلَى مَكَانِي الَّذِي
كُنْتُ فِيْهِ فَاَنَامُ حَتَّى اَمُوتَ فَوَضَعَ رَاسَهُ عَلَى سَاعِدِهِ لِيَمُوتَ
فَاسْتَيْقَظَ وَعِنْدَهُ رَاحِلَتُهُ وَعَلَيْهَا زَادُهُ وَطَعَامُهُ وَشَرَابُهُ فَالَلّٰهُ اَشَدُّ
فَرَحًا بِتَوْبَةِ الْعَبْدِ الْمُؤْمِنِ مِنْ هَذَا بِرَاحِلَتِهِ وَزَادِهِ». «الله از توبه
بنده مؤمنش بیشتر از مردی خوشحال می‌شود که تنها در
سرزمینی خشک و خطرناک به همراه شترش باشد و بر روی
آن آب و غذایش را حمل می‌کند، پس (از روی خستگی)
بخوابد و درحالی بیدار شود که شترش و توشه‌اش رفته باشند،
پس به جستجوی آنها بپردازد تا جایی که تشنگی بر او غلبه
کند، سپس (با خود) بگوید: به سوی مکان اول برمی‌گردم و
(در آنجا) می‌خوابم تا بمیرم، پس (از بازگشتن) سرش را بر
روی ساعدش می‌گذارد تا بمیرد، اما پس از بیدار شدن شتر
و بارش که آب و غذایش را بر پشت دارد، نزد خود می‌یابد؛

الله از توبه‌ی بنده مؤمنش، بیشتر از این مرد خوشحال می‌شود که شتر و توشه‌اش را یافته است». صحیح مسلم (2744).

و اسلام آوردن باعث پاک شدن همه گناهان گذشته می‌شود و توبه نیز باعث پاک شدن گناهان گذشته می‌شود؛ الله متعال می‌فرماید:

{ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ }

{(ای پیامبر!) به کسانی که کافر شده‌اند، بگو: اگر (از) کفر ورزیدن و دشمنی کردن دست بردارند، (گناهان) گذشته آنان آمرزیده می‌شود و اگر (به گناهان و دشمنی ورزیدن) بازگردند، پس بی‌گمان سنت (الهی درباره دشمنان) پیشین جاری شده است (و آنان نابود شدند)}. [الأنفال: 38]. الله متعال نصرانیان را به توبه فرا خوانده و فرموده است:

{ أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ ۚ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ }

{آیا به سوی الله باز نمی‌گردند و از او طلب آمرزش نمی‌کنند؟ حال آنکه الله آمرزنده مهربان است}. [المائدة: 74]. همچنین الله متعال همه نافرمانان و گناهکاران را به توبه تشویق کرده و فرموده است:

{ قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا ۚ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ }

{(ای پیامبر) بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف (و ستم) کرده‌اید! از رحمت الله ناامید نشوید، همانا الله همه گناهان را می‌بخشد، همانا او آمرزنده‌ی بسیار مهربان است}.

[الزمر: 53]. هنگامی که عمرو بن عاص تصمیم گرفت مسلمان شود، ترسید که مبادا گناہانی که پیش از اسلام انجام داده، بخشیده نشوند؛ وی این رویداد را اینگونه روایت می‌کند:

(لَمَّا أَلْقَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي قَلْبِي الْإِسْلَامَ قَالَ: أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِيُبَايِعَنِي فَبَسَطَ يَدَهُ إِلَيَّ فَقُلْتُ: لَا أَبَايِعُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ حَتَّى تَغْفِرَ لِي مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِي قَالَ: فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَا عَمْرُو أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الْهَجْرَةَ تَجِبُ مَا قَبْلَهَا مِنَ الذُّنُوبِ يَا عَمْرُو أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الْإِسْلَامَ يَجِبُ مَا كَانَ قَبْلَهُ مِنَ الذُّنُوبِ)

"هنگامی که الله - عزوجل - اسلام را در دلم انداخت، نزد پیامبر -صلی الله علیه وسلم- آمدم تا با او بیعت کنم، ایشان دستش را به سوی من گشود، پس گفتم: ای رسول الله، با تو بیعت نمی‌کنم تا اینکه گناهان گذشته مرا بیامرزی؛ پس رسول الله -صلی الله علیه وسلم- به من فرمود: «يَا عَمْرُو، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الْهَجْرَةَ تَجِبُ مَا قَبْلَهَا مِنَ الذُّنُوبِ. يَا عَمْرُو، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الْإِسْلَامَ يَجِبُ مَا كَانَ قَبْلَهُ مِنَ الذُّنُوبِ». «ای عمرو، آیا نمی‌دانی که هجرت کردن همه‌ی گناهان قبل از آن را پاک می‌کند؟ ای عمرو، آیا نمی‌دانی که اسلام آوردن همه‌ی گناهان پیش از خود را پاک می‌کند؟". مسلم این حدیث را مفصل‌تر و مانند این روایت به شماره (121) روایت کرده است و امام

احمد با شماره (17827) آن را روایت کرده و لفظ مذکور روایت اوست.

43- در اسلام رابطه‌ی بین انسان و الله متعال بصورت مستقیم است، بنابراین نیازی به این ندارید که کسی میان شما و الله واسطه شود، پس اسلام از اینکه انسان‌ها را به اله و معبود تبدیل کنیم یا در ربوبیت و الوهیت الله متعال شریک او قرار دهیم، باز می‌دارد.

در اسلام نیازی به اعتراف و اقرار به گناهان در برابر بشر نیست؛ چرا که در اسلام رابطه‌ی بین انسان و الله متعال بصورت مستقیم است، بنابراین نیازی به این ندارید که کسی میان شما و الله واسطه شود، چنانکه در بخش (36) یادآور شدیم، الله متعال همهٔ مردم را به سوی توبه و بازگشتن به سوی خود فراخوانده است و همین طور مردم را از این مهم نهی کرده که پیامبران یا ملائکه را به عنوان واسطه‌ای میان او و بندگانش قرار دهند؛ الله متعال می‌فرماید:

{ وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا ۖ أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ }

{و (الله) به شما دستور نمی‌دهد که فرشتگان و پیامبران را به معبودی بگیرید، آیا پس از آنکه مسلمان شدید، شما را به کفر ورزیدن دستور می‌دهد؟!}. [آل عمران: 80]. بنابراین اسلام - چنانکه می‌بینید - از این باز می‌دارد که بشر را اله و

معبود بشماریم یا در ربوبیت و الوهیت، شریک الله قرار دهیم؛ الله متعال دربارهٔ نصرانیان می‌فرماید:

{اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا ۚ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۚ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ}

{(آنان) دانشمندان و راهبان خویش و (همچنین) مسیح پسر مریم را معبودهایی بجای الله گرفتند، درحالی‌که دستور نداشتند جز اینکه معبود یکتا و یگانه را عبادت کنند که هیچ معبودی (به حق) جز او نیست؛ و از آنچه شریک او قرار می‌دهند پاک و منزّه است}. [التوبة: 31]. الله متعال کافرانی را سرزنش می‌کند که میان خود و الله متعال واسطه‌هایی قرار می‌دهند؛ چنانکه فرموده است:

{أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ ۚ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُم فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ}

«آگاه باشید که دین خالص [و خالی از شرک]، از آن الله است و افرادی که غیر الله را [دوست و] کارساز خود انتخاب کرده‌اند [پندارشان این است که: آنها را فقط به این دلیل عبادت می‌کنیم که ما را به الله نزدیک گردانند] [و منزلت‌مان را بیشتر کنند]. الله در مواردی که با هم اختلاف دارند میان آنان [و موحدان راستین] داوری خواهد کرد. بی‌تردید، الله

کسی را که دروغ‌گوی ناسپاس باشد، هدایت نخواهد کرد». [الزمر: 3].

الله متعال بیان نموده که بتپرستان - اهل جاهلیت - میان خود و الله واسطه‌هایی را قرار داده بودند و می‌گفتند: این واسطه‌ها آنان را به الله نزدیک می‌سازند.

وقتی الله متعال مردم را از واسطه قرار دادن پیامبران یا ملائکه میان او و بندگانش نهی کرده است، در نظر گرفتن واسطه‌های دیگر نیز به طریق اولی شامل این نهی می‌شوند؛ حال آنکه انبیا و رسولان - علیهم السلام - خود برای نزدیک شدن به الله متعال سبقت می‌گیرند؛ الله متعال در بیان حال انبیا و رسولان می‌فرماید:

{إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا ۖ وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ}

{انسان در [انجام] نیکی‌ها شتاب می‌ورزیدند و ما را از روی بیم و امید فرامی‌خواندند و در برابر ما فروتن بودند}. [الانبیاء: 90]. و الله متعال می‌فرماید:

{أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ ۚ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا}

«کسانی را که آنان [به یاری و دعا] می‌خوانند، خود [با عبادت و عمل صالح] وسیله‌ای [برای تقرب] به پروردگارشان می‌جویند [و در رقابتند تا بدانند] کدامیک از آنان [به عبادت الله] نزدیک‌ترند و به رحمتش امیدوارند و از

عذابش می‌ترسند؛ [چرا که] بی‌تردید، عذاب پروردگارت همواره شایسته‌ی پرهیز است». [الإسراء: 57]. یعنی: کسانی که به جای الله آنان را به فریاد می‌خوانید، از جمله پیامبران و صالحان، خود به الله نزدیکی می‌جویند و امید به رحمتش دارند و از عذابش بیمناکند، پس چگونه به جای الله خوانده می‌شوند؟

44- در پایان این رساله یادآور می‌شویم که مردم با وجود اختلاف زمانی و قومیتی و سرزمینی، بلکه جامعه‌ی انسانی با وجود تفاوت در افکار و اهداف و محیط و کار، نیازی ضروری به هدایتگری دارد که آنان را راهنمایی کند؛ و به نظامی نیازمندند که آنان را کنار هم جمع کند، و حاکمی که از آنان حمایت کند؛ پیامبران بزرگوار - علیهم الصلاة والسلام - این مهم را با وحی خداوندی بر عهده گرفتند و مردم را به راه خیر و هدایت رهنمون کردند و آنان را بر مبنای شریعت الهی گرد هم جمع نمودند؛ و بر اساس حق میان آنان داوری کردند، در نتیجه امور آنان بر حسب پذیرش دعوت پیامبران و نزدیکی دوران آنان به دوران پیامبران، سرو سامان یافته است؛ و در پایان الله متعال رسالت‌ها را با پیامبری محمد - صلی الله علیه وسلم - به پایان رسانده و بقا و ماندگاری این رسالت را مقرر و مسلم نموده و آن را هدایت و

رحمت و نور و راهنما به سوی راهی قرار داده که
به او منتهی می‌شود.

در پایان این رساله یادآور می‌شویم که مردم با وجود اختلاف زمانی و قومیتی و سرزمینی و بلکه جامعه انسانی با تفاوت‌هایی که در افکار و اهداف و محیط و کار دارد، نیازی ضروری به هدایتگری دارد که آنان را راهنمایی کند و به نظامی نیازمندند که آنان را در گرد هم جمع کند و حاکمی که از آنان حمایت کند؛ پیامبران بزرگوار -علیهم الصلاة والسلام- این مهم را با وحی الهی بر عهده گرفتند و مردم را به راه خیر و هدایت رهنمون کردند و آنان را بر شریعت الهی گرد هم جمع نمودند و بر اساس حق میان آنان داوری کردند، در نتیجه امور آنان بر حسب پذیرش دعوت پیامبران و نزدیکی دوران آنان به دوران پیامبران، سر و سامان یافته است؛ و هنگامی که گمراهی و جهل گسترش یافت و بت‌ها عبادت شدند، الله متعال پیامبرش محمد -صلی الله علیه وسلم- را با هدایت و دین حق فرستاد تا مردم را از تاریکی‌های کفر و جهل و بت‌پرستی به سوی ایمان و هدایت خارج گرداند.

45- ای انسان، از همین‌روی تو را به این دعوت می‌کنم که صادقانه و به دور از تقلید و عادت برای الله به پا خیزی و بدانی که پس از مرگ به سوی پروردگارت بر می‌گردی؛ و توصیه می‌کنم در وجود خود و در جهان پیرامونت بیندیشی و اسلام بیآوری تا در دنیا و آخرت سعادت‌مند شوی؛ و هرگاه قصد مسلمان شدن داشتی، همین کفایت می‌کند که گواهی

دهی معبودی به حق جز الله نیست و محمد فرستاده
 اوست (و بگویی: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ
 مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ) و از هر آنچه جز الله عبادت
 می‌شود اعلام برائت و بیزاری کنی؛ و ایمان بیاوری
 که الله مردگان را از قبرهای‌شان برانگیخته خواهد
 کرد و باور داشته باشی که حساب و جزای قیامت
 حق است؛ پس چون به این موارد شهادت دادی،
 مسلمان خواهی شد و پس از آن لازم است عبادت الله
 را چنانکه خود مشروع کرده، از طریق نماز، زکات،
 روزه و حج -بشرط توانایی- به جای آوری.

ای انسان، از همین‌روی تو را به این دعوت می‌کنم که
 صادقانه و به دور از تقلید و عادت برای الله به پا خیزی؛
 چنانکه الله متعال تو را فرا خوانده است:

{قُلْ إِنَّمَا أَعْظِيكُمْ بَوَاحِدَةً ۖ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَىٰ بَعْضِی ۚ وَفُرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا ۚ
 مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ ۚ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ}

{ای پیامبر! بگو: همانا من شما را به یک (خصلت)
 اندرز می‌دهم که: دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر برای
 (رضایت) الله بر خیزید، سپس بیندیشید که این همنشین شما
 (محمد) هیچگونه دیوانگی ندارد، او برای شما جز هشدار
 دهنده‌ای قبل از عذاب شدید نیست}. [سبأ: 46]. و بدان که پس
 از مرگت به سوی پروردگارت باز خواهی گشت؛ الله متعال
 می‌فرماید:

{وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (39) وَأَنْ سَعِيَهُ سَوْفَ يُرَى (40)
ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءُ الْأَوْفَى (41) وَأَنْ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى (42) }

{و همانا برای انسان تنها ثمره سعی و تلاش خود اوست
(39)}

و همانا ثمره سعی و تلاش او (در روز قیامت) دیده
خواهد شد (40)

سپس جزای (سعی و تلاش) او کامل و بدون کاستی داده
می‌شود (41)

و همانا سرانجام (هر کاری) به سوی پروردگار
توست (42) }. [النجم: 39-42]. و اینکه در وجود خود و در
هستی پیرامونت بنگری؛ الله متعال می‌فرماید:

{أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ
وَأَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ ۖ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ }

{آیا در مُلک (گسترده، عظیم و شگفت انگیز) آسمان‌ها و
زمین و آنچه الله آفریده، نمی‌نگرند؟ و (آیا فکر نمی‌کنند) شاید
اجل‌شان نزدیک شده باشد؟ پس بعد از این (قرآن) به کدام
سخن ایمان می‌آورند؟}. [الأعراف: 185].

پس اسلام بیاور تا در دنیا و آخرت سعادت‌مند شوی؛ و
هرگاه قصد مسلمان شدن نمودی، تنها کافی است که گواهی
دهی معبودی به حق جز الله نیست و اینکه محمد فرستاده الله

می‌باشد. و هنگامی که رسول الله -صلی الله علیه وسلم-، معاذ را برای دعوت مردم به اسلام به سوی یمن فرستاد، خطاب به او فرمود: «إِنَّكَ تَأْتِي قَوْمًا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ فَادْعُهُمْ إِلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنِّي رَسُولُ اللَّهِ فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِذَلِكَ فَأَعْلِمُهُمْ أَنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ خَمْسَ صَلَوَاتٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِذَلِكَ فَأَعْلِمُهُمْ أَنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ صَدَقَةً تُؤْخَذُ مِنْ أَغْنِيَائِهِمْ فْتَرَدُ فِي فُقَرَائِهِمْ فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِذَلِكَ فَإِيَّاكَ وَكَرَائِمَ أَمْوَالِهِمْ» «إِنَّكَ تَأْتِي قَوْمًا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ فَادْعُهُمْ إِلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنِّي رَسُولُ اللَّهِ فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِذَلِكَ فَأَعْلِمُهُمْ أَنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ خَمْسَ صَلَوَاتٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِذَلِكَ فَأَعْلِمُهُمْ أَنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ صَدَقَةً تُؤْخَذُ مِنْ أَغْنِيَائِهِمْ فْتَرَدُ فِي فُقَرَائِهِمْ فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِذَلِكَ فَإِيَّاكَ وَكَرَائِمَ أَمْوَالِهِمْ». «تو نزد مردمانی از اهل کتاب می‌روی، پس آنان را به این دعوت کن که گواهی دهند معبودی (به حق) جز الله نیست و اینکه من فرستاده الله هستم؛ پس اگر در این مورد از تو اطاعت کردند، آنان را آگاه کن که الله - عزوجل - پنج نماز را در هر شبانه روز بر آنان فرض کرده است، پس اگر در این مورد از تو اطاعت کردند، آنان را آگاه کن که الله - عزوجل - زکاتی را در اموال آنان فرض نموده که از ثروتمندان آنان گرفته می‌شود و به فقراشان بازگردانده می‌شود، پس اگر در این باره از تو اطاعت کردند، زنهار که به اموال خوب و نفیس آنان نزدیک شوی». صحیح مسلم (19). و اینکه از هر چیزی که جز الله عبادت می‌شود، بیزاری جویی و این همان حنیفیت و ملت ابراهیم -علیه السلام- است؛ الله متعال می‌فرماید:

{ قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ }

{یقیناً برای شما، ابراهیم و کسانی که به او گرویده و همراه او بودند، الگوی خوبی است، آنگاه که به قوم خود گفتند: ما از شما و از آنچه جز الله عبادت می‌کنید، بیزاریم و به شما کافر شده‌ایم و میان ما و شما برای همیشه عداوت و دشمنی آشکاری به وجود آمده است، تا اینکه به الله یگانه ایمان آورید}. [الممتحنة: 4]. و ایمان بیاوری که الله همه کسانی را که در قبرها هستند، برانگیخته می‌سازد؛ الله متعال می‌فرماید:

{ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ} (6) وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ (7) {

{این به خاطر آن است که (بدانید) الله حق است و او مردگان را زنده می‌کند و او بر هر چیز تواناست (6)}

و همانا قیامت در راه است (و) شکی در آن نیست و اینکه الله (همه‌ی) کسانی که در قبرها هستند، برانگیخته می‌کند (7) { [الحج: 6-7]. و اینکه حساب و جزا حق است؛ الله متعال می‌فرماید:

{وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِيُخْرِجَ كُلَّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ }

{و الله آسمان‌ها و زمین را به حق آفریده است تا هر کس
را در برابر آنچه انجام داده است پاداش دهد و به آنها ستمی
نخواهد رسید}. [الجاثیة: 22].

اگر به این امور شهادت دهی، مسلمان شده‌ای و پس از آن،
آنچه باید انجام دهی این است که الله را بر اساس آنچه خود
مشروع کرده، عبادت کنی؛ با نماز، زکات، روزه و حج -
اگر توانایی حج را داشته باشی - و دیگر عبادت‌های مشروع.

تاریخ این نسخه: 19-11-1441 هجری قمری.

تألیف: پروفسور محمد بن عبدالله السحیم

استاد سابق عقیده در بخش پژوهش‌های اسلامی

دانشکده تربیت معلم، دانشگاه ملک سعود

ریاض، پادشاهی عربستان سعودی

- اسلام.....2
- چکیده‌ی مختصری دربارهٔ اسلام، چنانکه در قرآن کریم و سنت نبوی آمده است.....2
- اسلام، پیام پروردگار خطاب به همهٔ مردم است؛ رسالت و پیام -1
- جاودان الهی و خاتم تمام رسالت‌های ربانی است.....2
- دین اسلام مخصوص یک نژاد یا قوم و گروهی نیست، بلکه دین الله -2
- برای همهٔ مردم است.....4
- اسلام پیام الهی است که برای تکمیل رسالت پیامبران و فرستادگان -3
- پیشینی آمده است که آنها برای امت‌هایشان آورده بودند.....5
- پیامبران - علیهم السلام - دین‌شان یکسان است و شریعت‌های‌شان -4
- متفاوت می‌باشد.....7
- اسلام همچون همه‌ی پیامبران از جمله: نوح و ابراهیم و موسی و -5
- سلیمان و داوود و عیسی - علیهم السلام - به ایمان آوردن به این مهم دعوت می‌کند که رب و پروردگار همان الله است که آفریدگار، روزی دهنده، زنده کننده، میراننده، مالک و فرمانروا است؛ و اینکه او تدبیر کننده‌ی همه کارهاست و او رؤفِ مهربان است.....8
- الله سبحانه و تعالی آفریدگار است و تنها اوست که شایستهٔ عبادت و -6
- یگانه‌پرستی است که هیچکس نباید همراه او عبادت شود.....15
- الله متعال، آفرینندهٔ تمام موجودات هستی است، هم چیزهایی که در -7
- دایره دید ما هستند و هم چیزهایی که از دایره دید ما خارج‌اند؛ و هر چه جز الله متعال، از آفریده‌های اوست و الله متعال آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفریده است.....25
- الله سبحانه و تعالی در مُلک یا آفرینش یا تدبیر یا عبادتش شریکی -8
- ندارد.....27

- الله سبحانه و تعالی نه)فرزندى (زاده و نه از كسى زاده شده است -9
و همتا و مثل و مانندى ندارد 31
- الله سبحانه و تعالی در هیچيك از مخلوقاتش خلل نمى كند و در -10
قالب هیچيك از آفریدگانش تجسم نمى يابد 33
- الله سبحانه و تعالی نسبت به بندگانش مهربان است، از همین روى -11
به سوى آنان پیامبران را فرستاده و كتاب هاى نازل كرده است 36
- الله متعال همان پروردگار مهربان است و تنها اوست كه در روز -12
قيامت بندگان را مورد محاسبه قرار مى دهد، هنگامى كه همه آنان را
از قبرهاى شان برانگيخت؛ پس هر كس را براى كارهايش - چه خير و
چه شر - جزا مى دهد؛ پس هر آن كه اهل ايمان بوده و كارهاى نيك
انجام داده، در نعمت هاى ماندگار است و آنكه كفر ورزیده و مرتكب
كارهاى بد شده، براى او در آخرت، عذاب بزرگ خواهد بود 38
- الله سبحانه و تعالی آدم را از خاك آفريد و نسل او را چنین قرار -13
داد كه پس از او فرزند بياورند و افزون شوند، بنابراین همه انسان ها
در اصل برابرند و هیچ نژادى بر نژاد ديگر برترى ندارد و هیچ
گروهى بر گروه ديگر فضيلى ندارد مگر بر مبنای تقوا 43
- و هر نوزادى بر اصل فطرت به دنيا مى آید -14 45
- و هیچ انسانی، گناهكار يا وارث گناه ديگرى به دنيا نمى آید -15 . 47
- و هدف از آفرينش مردم، عبادت كردن الله به يگانگى است -16 .. 50
- اسلام، انسان را - چه مرد باشد و چه زن - گرامى داشته و همه -17
حقوقش را براى او تضمين نموده و او را در برابر انتخاب ها و اعمال
و تصرفاتش مسئول دانسته و مسئوليت هر كارى را كه به او و ديگرى
زيان برساند، بر عهده خودش قرار داده است 51
- اسلام مرد و زن را از نظر عمل، مسئوليت و جزا و پاداش برابر -18
دانسته است 58
- اسلام، زن را گرامى داشته و زنان را همسان مردان دانسته و مرد -19
را ملزم نموده كه در صورت توانايى، نفقه زن را بپردازد، بنابراین

نفقه دختر بر عهده پدر است و نفقه مادر بر عهده فرزند او واجب است.
در صورتی که بالغ و توانا باشند و نفقه زن بر عهده همسر اوست 60
و مرگ به معنای فنانی ابدی نیست، بلکه انتقال از سرای عمل به -20
سرای پاداش است؛ و مرگ هم بدن و هم روح را در بر می گیرد و
مرگ روح جدا شدنش از بدن است که بعد از رستاخیز در روز قیامت
به بدن باز می گردد و روح پس از مرگ به بدنی دیگر منتقل نمی شود
و در بدنی دیگر تناسخ نمی پذیرد 64

اسلام به اصول بزرگ ایمان و باور داشتن به آنها فرا می خواند -21
و این اصول عبارتند از: ایمان به الله و ملائکه او، ایمان به کتاب های
الهی مانند تورات و انجیل و زبور - پیش از تحریف آنها - و قرآن؛ و
ایمان به همه پیامبران و فرستادگان - علیهم السلام - و ایمان به آخرین
پیامبران یعنی محمد رسول الله، خاتم انبیا و مرسلین؛ و ایمان به آخرت؛
و اینکه بدانیم اگر زندگی دنیا پایان کار بود، زندگی و وجود، بیهودگی
محض بود؛ و همچنین ایمان به قضا و قدر 66

پیامبران در آنچه از سوی الله ابلاغ می کنند معصومند؛ و از هر -22
آنچه مخالف با عقل یا اخلاق سلیم است معصومند؛ و مکلفند تا اوامر
الله را به بندگانش برسانند؛ و پیامبران از هیچ ویژگی ربوبیت و الوهیت
برخوردار نیستند؛ بلکه همانند دیگر انسان ها هستند با این تفاوت که
خداوند پیامش را به آنان وحی کرده است 86

اسلام مردم را به عبادت موحدانه ی الله، از طریق عبادت های -23
اصلی فرا می خواند که عبارتند از: نماز که شامل قیام، رکوع، سجود
یاد الله، ثنا و دعای اوست و انسان روزانه پنج بار آن را ادا می کند و
در هنگام ادای آن در صف نماز همه تفاوت ها میان ثروتمند و فقیر و
رئیس و زیردست از بین می رود؛ و زکات که مقدار کمی از مال است
و بر اساس شروط و مقادیری که الله آنها را قرار داده - در اموال -
ثروتمندان واجب است که از آنان گرفته شده به فقیران و دیگر مستحقان
داده می شود؛ و تنها سالی یک بار پرداخت می شود؛ و روزه که به
معنای خودداری از باطل کننده های روزه در روزهای ماه رمضان [از

طلوع فجر تا غروب خورشید (است؛ و باعث پرورش اراده و صبر در نفس بشری می‌شود؛ و حج که به معنای قصد بیت الله در مکه مکرمه برای یک بار در طول عمر انسان برای شخصی واجب است که توانایی ادای آن را دارد؛ و در حج، همه مردم در روی آوردن به سوی خالق متعال برابری و همه تفاوت‌ها و وابستگی‌ها از بین می‌رود. 95

از بزرگترین ویژگی‌های عبادت در اسلام این است که کیفیت و -24 وقت و شروط آن را الله سبحانه و تعالی مشروع نموده و پیامبر او - صلی الله علیه وسلم- آن را ابلاغ کرده و تا به امروز هیچ بشری چیزی - به آن نیفزوده و از آن نکاسته است؛ و همه پیامبران - علیهم السلام [ملت‌های خود را (به این عبادت‌های بزرگ فراخوانده‌اند103

پیامبر اسلام، محمد بن عبدالله- صلی الله علیه وسلم- از نسل -25 اسماعیل بن ابراهیم -علیهما السلام- است؛ ایشان در سال ۵۷۱ میلادی در مکه دیده به جهان گشود و در همین شهر به پیامبری مبعوث شده و سپس به مدینه مهاجرت کرد؛ و در بت‌پرستی با قوم خود همراه نشد اما در کارهای ارزشمند با آنان همکاری می‌کرد و پیش از بعثت نیز دارای اخلاقی والا بود و قومهش او را «امین» می‌نامیدند؛ با رسیدن وی به چهل سالگی، الله متعال ایشان را به پیامبری مبعوث نمود و با (معجزات (و نشانه‌های بزرگی وی را تأیید کرد که بزرگترین این معجزات، قرآن کریم است؛ قرآن کریم، بزرگترین معجزه تمام پیامبران و تنها معجزه‌ی باقیمانده از پیامبران (پیشین (تا امروز است؛ پس از آنکه الله متعال به واسطه ایشان دین را کامل نمود و رسول الله - صلی الله علیه وسلم- دین را به بهترین شکل ابلاغ نمود، در سن شصت و سه سالگی وفات نمود و در مدینه به خاک سپرده شد؛ محمد -صلی الله علیه وسلم- خاتم انبیا و مرسلین است که الله او را با هدایت و دین حق فرستاد تا مردم را از تاریکی‌های بت‌پرستی و کفر و جهالت به سوی نور توحید و ایمان هدایت کند؛ و الله گواهی داده که ایشان را با فرمان خود برای دعوت به سوی او فرستاده است106

شریعت اسلام که پیامبرمان محمد -صلی الله علیه وسلم- آن را -26- آورده، خاتمۀ پیام‌ها و رسالت‌های الهی و شریعت‌های ربانی است؛ و شریعتی کامل می‌باشد؛ و در آن صلاح دین و دنیای مردم نهفته است؛ و در درجۀ نخست به حفظ دین، خون، مال، عقل و نسل مردم اهمیت های پیشین است، چنانکه می‌دهد؛ شریعت اسلامی ناسخ همه شریعت شریعت‌های پیشین نسخ‌کننده‌ی هم بوده‌اند.....113

الله سبحانه و تعالی دینی به جز دین اسلام را نمی‌پذیرد، دینی که -27- بواسطه‌ی پیامبرمان محمد -صلی الله علیه وسلم- آمده است و هرکس جز اسلام دین دیگری را برگزیند، از او پذیرفته نخواهد شد.....116

قرآن کریم، کتابی است که الله متعال آن را به پیامبرش محمد -28- صلی الله علیه وسلم- وحی کرده و کلام پروردگار جهانیان است، کتابی که الله به واسطه آن انسان‌ها و جنیان را به مبارزه طلبیده تا همانند آن یا سوره‌ای مانند یکی از سوره‌هایش بیاورند؛ و هنوز این مبارزه طلبی تاکنون ادامه دارد. قرآن کریم به پرسش‌های مهمی پاسخ می‌دهد که میلیون‌ها انسان را به حیرت واداشته است؛ قرآن عظیم تاکنون به همان شکلی که به زبان عربی نازل شده باقیمانده و حرفی از آن کم نشده است و چاپ شده و (در جهان) منتشر می‌باشد. این کتاب بزرگ یا ترجمه معانی آن شایسته مطالعه است، چنانکه سنت پیامبرمان محمد -صلی الله علیه وسلم- و آموزه‌ها و زندگی‌نامه‌ی ایشان محفوظ است و توسط سلسله‌ای از راویان مورد اعتماد نقل شده و به زبان عربی که زبان پیامبر بود، چاپ شده و در دسترس می‌باشد؛ و به بسیاری از زبان‌های دنیا ترجمه شده است. قرآن کریم و سنت پیامبر -صلی الله علیه وسلم- تنها منابع احکام اسلام و تشریعات آن است؛ چراکه اسلام از رفتار افراد منتسب به آن گرفته نمی‌شود، بلکه از وحی الهی که شامل قرآن عظیم و سنت نبوی گرفته می‌شود.....118

و اسلام به نیکی کردن به پدر و مادر دستور می‌دهد، حتی اگر -29- مسلمان هم نباشند و به نیکی کردن به فرزندان نیز توصیه می‌کند125

- 30- اسلام به رعایت کردن عدالت در گفتار و کردار -حتی با دشمنان- دستور می‌دهد..... 132
- 31- اسلام به نیکی کردن در حق همه مردم دستور داده است و به سوی -کنندمکارم اخلاقی و رفتار پسندیده دعوت می-..... 136
- 32- اسلام به اخلاق شایسته مانند: راستی، امانتداری، پاکدامنی، حیا -شجاعت، بخشش، سخاوتمندی، یاری نیازمند، کمک به ستمدیده، غذا دادن به گرسنه، نیکی به همسایه، بجا آوردن صلۀ رَحْم و مهربانی با حیوانات فرامی‌خواند..... 139
- 33- اسلام خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های پاکیزه را حلال کرده است و به -پاکیزگی قلب و پاکیزگی بدن و منزل دستور داده و به همین خاطر ازدواج را حلال نموده است؛ چنانکه به پیامبرانش چنین دستور داده است؛ و آنان به [استفاده کردن از (هر چیز پاکیزه‌ای دستور می‌دهند..... 147
- 34- و اسلام اصول و پایه‌های محرمات، مانند شرک ورزیدن به الله -کفر، بت‌پرستی، نسبت دادن سخنی به الله بدون علم و دانش، کشتن فرزندان، کشتن جانی که حرمت دارد، تباهی در زمین، سحر و جادوگری، زشتی‌های آشکار و پنهان، زنا، لواط و همجنس‌گرایی، ربا، خواری، خوردن گوشت مردار، خوردن آنچه برای بت‌ها قربانی شده گوشت خوک و دیگر نجاست‌ها و ناپاکی‌ها، خوردن مال یتیم، کم کردن پیمانه یا وزن و قطع پیوند خویشاوندی را حرام کرده است؛ و (تشریعات (همه پیامبران -علیهم السلام- بر تحریم این موارد اتفاق دارد..... 151
- 35- اسلام از اخلاق نکوهیده و ناپسندی مانند: بدروغ، کلاهبرداری -خیانت، فریبکاری، حسادت، نیرنگ زشت، دزدی، تجاوزگری و ستمگری نهی کرده و از هرگونه اخلاق ناپسندیده‌ای نهی کرده است..... 160

اسلام از هر معامله مالی که در بر دارنده ربا یا زیان یا ابهام یا -36
ظلم یا تقلب باشند یا به فاجعه‌ها و زیان عمومی به جوامع، ملت‌ها و
افراد منجر می‌شود، نهی کرده است..... 171

،اسلام آمده تا عقل را حفظ کند و هر آنچه به تباهی عقل می‌انجامد -37
مانند :نوشیدن مست‌کننده‌ها، حرام کرده است؛ و منزلت عقل را
بزرگداشته است و آن را ملاک تکالیف شرعی قرار داده است؛ و آن
را از زنجیرهای خرافات و بت‌پرستی رهانیده است؛ در اسلام هیچ
اسرار یا احکامی نیست که مخصوص یک طبقه خاص باشد و همه
احکام و قوانین آن موافق عقل صحیح و بر مبنای عدالت و حکمت است
..... 176

و در همه ادیان باطل، وقتی پیروان‌شان نتوانند تناقض موجود در -38
این ادیان را درک کنند و از فهم امور خلاف عقل موجود در تعالیم آن
ادیان ناتوان بمانند، مراجع دینی‌شان این توهم را در بین آنان ایجاد
کرده‌اند که دین فراتر از عقل است و عقل نمی‌تواند دین را درک کند
درحالی‌که اسلام، دین را همانند نوری می‌داند که راه را برای عقل
روشن می‌سازد، اما پیروان ادیان باطل از انسان می‌خواهند که عقل
خود را کنار گذاشته و پیروی آنان شوند، درحالی‌که اسلام از انسان
می‌خواهد که عقل خود را بیدار کند و به کار اندازد تا حقیقت امور را
چنانکه هستند بشناسد..... 180

اسلام، علم صحیح را گرامی می‌دارد و به پژوهش علمی خالی -39
از هرگونه هوای نفس تشویق می‌کند؛ و به دیدن و اندیشیدن در درون
خود و جهان پیرامون مان فرا می‌خواند؛ و نتایج علمی صحیح با اسلام
تعارضی ندارند..... 182

الله عملی را نمی‌پذیرد و در آخرت پاداشی برای آن نمی‌دهد مگر -40
از کسی که به الله ایمان آورد و از او اطاعت کند و همه پیامبرانش -
علیهم الصلاة والسلام- را تصدیق کند؛ و الله هیچ عبادتی را نمی‌پذیرد
مگر عبادتی که خود آن را مشروع کرده است، با این همه چگونه انسان
می‌تواند به الله کفر ورزد، اما از او انتظار پاداش داشته باشد؟ الله ایمان

هیچیک از مردم را نمی‌پذیرد مگر آنکه به همه پیامبران ایمان آورند
و به رسالت محمد -صلی الله علیه وسلم- ایمان آورند.....187

هدف همه پیام‌های الهی این است که انسان را با پیوستن به دین -41
حق به مقام و جایگاه والایی برساند و بنده مخلص پروردگار جهانیان
شود؛ و او را از بندگی انسان‌ها یا بندگی ماده یا خرافات برهاند؛
بنابراین - چنانکه می‌بینید - اسلام به اشخاص قدسیت نمی‌دهد و آنان
را بالاتر از جایگاهشان قرار نمی‌دهد و از آنان معبود و اله نمی‌سازد

.....191

الله متعال توبه را در اسلام مشروعیت بخشیده است و توبه کردن -42
یعنی: بازگشت انسان به سوی پروردگارش و ترک گناه؛ و اسلام
آوردن باعث پاک شدن همه گناهان گذشته می‌شود و توبه همه‌ی گناهان
پیش از خود را پاک می‌کند؛ بنابراین نیازی به اعتراف کردن به گناهان
در برابر انسان دیگری نیست.....195

در اسلام رابطه‌ی بین انسان و الله متعال بصورت مستقیم است -43
بنابراین نیازی به این ندارید که کسی میان شما و الله واسطه شود، پس
اسلام از اینکه انسان‌ها را به اله و معبود تبدیل کنیم یا در ربوبیت و
الوهیت الله متعال شریک او قرار دهیم، باز می‌دارد.....199

در پایان این رساله یادآور می‌شویم که مردم با وجود اختلاف -44
زمانی و قومیتی و سرزمینی، بلکه جامعه انسانی با وجود تفاوت در
افکار و اهداف و محیط و کار، نیازی ضروری به هدایتگری دارد که
آنان را راهنمایی کند؛ و به نظامی نیازمندند که آنان را کنار هم جمع
کند، و حاکمی که از آنان حمایت کند؛ پیامبران بزرگوار - علیهم الصلاة
والسلام - این مهم را با وحی خداوندی بر عهده گرفتند و مردم را به
راه خیر و هدایت رهنمون کردند و آنان را بر مبنای شریعت الهی گرد
هم جمع نمودند؛ و بر اساس حق میان آنان داوری کردند، در نتیجه امور
آنان بر حسب پذیرش دعوت پیامبران و نزدیکی دوران آنان به دوران
پیامبران، سرو سامان یافته است؛ و در پایان الله متعال رسالت‌ها را با
پیامبری محمد -صلی الله علیه وسلم- به پایان رسانده و بقا و ماندگاری

این رسالت را مقرر و مسلم نموده و آن را هدایت و رحمت و نور و راهنما به سوی راهی قرار داده که به او منتهی می‌شود.....202

ای انسان، از همین‌روی تو را به این دعوت می‌کنم که صادقانه و -45 به دور از تقلید و عادت برای الله به پا خیزی و بدانی که پس از مرگ به سوی پروردگارت بر می‌گردی؛ و توصیه می‌کنم در وجود خود و در جهان پیرامونت بیندیشی و اسلام بیآوری تا در دنیا و آخرت سعادت‌مند شوی؛ و هرگاه قصد مسلمان شدن داشتی، همین کفایت می‌کند که گواهی دهی معبودی به حق جز الله نیست و محمد فرستاده اوست (و بگویی: أشهد أن لا إله إلا الله وأشهد أن محمداً رسول الله) (و از هر آنچه جز الله عبادت می‌شود اعلام برائت و بیزاری کنی؛ و ایمان بیآوری که الله مردگان را از قبرهای‌شان برانگیخته خواهد کرد و باور داشته باشی که حساب و جزای قیامت حق است؛ پس چون به این موارد شهادت دادی، مسلمان خواهی شد و پس از آن لازم است عبادت الله را چنانکه خود مشروع کرده، از طریق نماز، زکات، روزه و حج -بشرط توانایی- به جای آوری.....203